یا لثارات الحسین (ع)

شنبه
۱۸ مهر ۱۴۰۵
۲۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
۱۰ اکتبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۵۹
www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه
آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!



فرمانده کل قوا برارتقای استفاده هدفمند ازهوش مصنوعی درتحلیل داده‌ها تاکید کردند

فراجا؛ ستون مستحکم امنیت ایران

۳

«آگاه» درگزارشی به بررسی حضورپزشکیان در دو اجلاس بین‌المللی پرداخت

دیپلماسی اقتدار در ترکمنستان

۱

وقتی سینمای کودک میان خاطره‌بازی و نسل جدید پل می‌زند

صراحت داوران

۵

وقتی متوفی به حاشیه می‌رود و رخت عزا مهم می‌شود

عزاداری‌های ویترینی

۶



پاسخ ایران به قمار جدید ترامپ، محکم‌تر از قبل است

۵۰ هزار هدف در دسترس

۳

نامی که به احترامش باید ایستاد



امیر اسماعیلی
سردبیر

گاهی نوشتن از بعضی‌ها مناسبت نمی‌خواهد که هر روز، روزشان است و باید از آنها یاد کرد، بی بهانه و با بهانه. در تاریخ معاصر ایران اسلامی، نام‌هایی هستند که نه با هیاهوی رسانه‌ای، بلکه با سکوت کارگاه‌ها، شب‌های بی‌خوابی آزمایشگاه‌ها و اراده‌ای خستگی‌ناپذیر، مسیر قدرت یک ملت را تغییر داده‌اند. شهید حسن طهرانی‌مقدم، یکی از همین نام‌هاست؛ مهندسی که در دل جنگ تحمیلی و تحریم‌های سنگین، بنیان صنعت موشکی بومی را گذاشت و توان دفاعی کشور را از وابستگی به واردات، به خوداتکایی استراتژیک تبدیل کرد. حسن طهرانی‌مقدم در آبان ۱۳۳۸ در محله سرچشمه تهران به دنیا آمد. پدرش خیاط بود. او پس از تحصیلات متوسطه، در رشته مهندسی صنایع پذیرفته شد و مدرک کارشناسی خود را گرفت. اما مسیر زندگی‌اش با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل سپاه پاسداران، به سوی جهاد علمی و دفاعی چرخید. در ۲۱ سالگی به عضویت سپاه درآمد و ابتدا در حوزه اطلاعات فعالیت کرد، سپس با درک خلأ آتش پشتیبانی در جبهه‌ها، طرح ساماندهی توپخانه سپاه را ارائه داد و نخستین فرمانده توپخانه این نهاد شد.

نقطه عطف واقعی، اما در آبان ۱۳۶۲ رقم خورد. وقتی موشکباران شهرهای ایران توسط عراق شدت گرفت و کشور فاقد توان پاسخ متقابل بود، طهرانی‌مقدم ماموریت راه‌اندازی فرماندهی موشکی زمین‌به‌زمین سپاه را پذیرفت. با وجود محدودیت‌های شدید، او و تیمش موفق شدند موشک‌های اسکاد را از طریق لیبی و سوریه وارد کنند. در ۲۱ اسفند ۱۳۶۳، نخستین موشک ایرانی به سمت کرکوک شلیک شد. یک سال بعد، موشک دیگری به بانک رافدین بغداد اصابت کرد و پیام روشنی به دشمن ارسال شد: ایران دیگر بی‌دفاع نیست. اما طهرانی‌مقدم به واردات قانع نبود. اسکادها گران بودند و برد محدودی داشتند. او با تکیه بر ظرفیت‌های علمی و صنعتی داخلی، به سوی بومی‌سازی حرکت کرد. در سال ۱۳۶۶، راکت «نازعات» با برد ۸۰ تا ۱۵۰ کیلومتر را طراحی و تولید کرد؛ نخستین موشک بومی ایران. این دستاورد، آغاز فصلی جدید بود. پس از جنگ، تلاش‌های او ادامه یافت و به ساخت سری موشک‌های شهاب منجر شد. شهاب-۳ با برد بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر، نقطه‌ای طلایی در افزایش قدرت بازدارندگی ایران بود. او همچنین در توسعه موشک‌های زلزال و سایر سامانه‌ها نقش محوری داشت و پایه‌های علمی سازمان جهاد خودکفایی سپاه را بنا نهاد. طهرانی‌مقدم تنها یک مهندس یا فرمانده نبود؛ او الگویی از مدیریت علمی در شرایط سخت بود. در سال ۱۳۸۴ به جانشینی نیروی هوافضای سپاه منصوب شد و از آذر ۱۳۸۵، ریاست سازمان خودکفایی سپاه و مشاور فرمانده کل سپاه در امور موشکی را بر عهده گرفت. تا آخرین روز عمر با برکتش، در پادگان امیرالمؤمنین ملارد، مشغول آزمایش‌ها و تحقیقات بود. در ۲۱ آبان ۱۳۹۰، بر اثر انفجار زاغه مهمات، همراه با جمعی از همرزمانش به شهادت رسید؛ در حالی که هنوز در مسیر ایجاد توان علمی پایه‌ای، برای نسل‌های بعد تلاش می‌کرد.

مجاهدت علمی او، فراتر از ساخت چند موشک بود. او سنت کسب فناوری روشمند را در کشور پایه‌گذاری کرد؛ سنتی که از مهندسی معکوس اسکاد آغاز شد و به موشک‌های پیشرفته‌تر و حتی زمینه‌سازی برای سامانه‌های هایپرسونیک رسید. در شرایطی که بسیاری پس از جنگ، پایان فعالیت‌های موشکی را پیشنهاد می‌کردند، او بر تداوم و بومی‌سازی اصرار داشت. نتیجه آن، تبدیل ایران به یکی از قدرت‌های موشکی منطقه و جهان بود؛ قدرتی که امروز ستون اصلی دفاعی و پاسخگویی کشور به تهاجم دشمن محسوب می‌شود. شهید طهرانی‌مقدم با تواضع و گمنامی کار کرد. اهل مصاحبه نبود و ترجیح می‌داد در سکوت، نسلی از دانشمندان و فرماندهان را تربیت کند. زندگی ساده‌اش، ایمان عمیق به خوداتکایی و باور به توان داخلی، او را به نمادی از دانشمند مجاهد تبدیل کرد. امروز، هر موشک ایرانی که در آسمان پرواز می‌کند، بازتابی از شب‌های بی‌خوابی، محاسبات دقیق و اراده شکست‌ناپذیر اوست. حسن طهرانی‌مقدم نشان داد که علم، وقتی با اخلاص و مجاهدت همراه شود، می‌تواند مرزهای قدرت را جابه‌جا و امنیت یک ملت را تضمین کند. یاد او، نه فقط خاطره یک شهید، بلکه نقشه راهی برای نسل‌هایی است که هنوز در مسیر خودکفایی علمی گام برمی‌دارند.

«آگاه» درگزارشی به بررسی حضورپزشکیان در دو اجلاس بین‌المللی پرداخت

دیپلماسی اقتدار در ترکمنستان

عصر پنج‌شنبه هفته گذشته ۱۶ مهر رئیس جمهور به منظور شرکت و سخنرانی در دو اجلاس شورای سران کشورهای مشترک‌المنافع - به عنوان مهمان ویژه - و اجلاس زیست محیطی سران کشورهای ساحلی دریای خزر، عازم ترکمنستان شد و پس از ورود به این کشور دیدارها و رایزنی‌های خود را با همتایانش آغاز کرد؛ مهم‌ترین دیدار به گفت‌وگوی او با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه اختصاص پیدا کرد. رئیس جمهور ایران همچنین روز گذشته (جمعه) در نشست فوق‌العاده سران حوزه خزر به ایراد سخنرانی پرداخت و بر تدوین برنامه بلندمدت منطقه‌ای برای مقابله با کاهش سطح آب خزر تاکید کرد.

سفر رئیس جمهور به ترکمنستان نشان می‌دهد ایران به دنبال این است تا با ۱۵ همسایه‌اش روابط نزدیک‌تری داشته باشد و از این همسایگی برای پیشرفت بیشتر امور بهره ببرد. برهمین اساس حضور شخص دوم کشور در دو اجلاس شورای سران کشورهای مشترک‌المنافع و اجلاس زیست محیطی سران کشورهای ساحلی دریای خزر برای این است که ایران در مسائل مهم منطقه در کنار همسایگانش برای حل مشکلات مشترک گام بردارد. پزشکیان قبل از ترک تهران در گفت‌وگویی تلویزیونی با اشاره به اینکه دریای خزر هم اکنون در معرض تهدید زیست محیطی قرار دارد و شرکت در اجلاس زیست محیطی سران کشورهای ساحلی دریای خزر از این منظر دارای اهمیت است، تصریح کرد: «دریای خزر سرمایه‌ای برای نسل‌های آینده است، اگر محیط زیست آسیب ببیند مشکلات فراوانی برای کشورهای حاشیه خزر ایجاد خواهد شد.»

او گفت: علاوه بر این، سفر به ترکمنستان فرصت خوبی است تا با کشورهای حاضر در این دو اجلاس گفت‌وگوهایی در خصوص روابط چندجانبه و مقابله با یک جانبه گرایی و همکاری‌های حوزه انرژی و سایر مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی داشته باشیم. وزرای مربوطه در قالب کمیسیون‌های مختلف به ترکمنستان رفته‌اند و گفت‌وگوها در جریان است، این فرصت خوبی است که روابط با همسایگان را عمیق‌تر کرده و مشکلات ناشی از محاصره دریایی را کاهش دهیم. دشمنان نمی‌توانند به این سادگی ایران را مورد محاصره قرار دهند، چرا که ایران با ۱۵ کشور همسایه است و از هریک از مسیرها می‌تواند تبادلات اقتصادی، تجاری، سیاسی و امنیت ادامه داشته باشد.

رئیس دولت چهاردهم بعد از ورود به شهر «ترکمن باشی» نشست‌های دوجانبه‌اش را با همتایان خود برگزار و با رئیس جمهور ارمنستان، رئیس جمهور آذربایجان، دبیرکل سازمان همکاری شانگهای و ولادیمیر پوتین دیدار و بحث و تبادل نظر کرد. از بین دیدارها، نشست با رئیس جمهور روسیه بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های داخلی و خارجی پیدا کرد.

در مورد دیدار با ولادیمیر پوتین، نکته مهم این است که هر دو کشور بر ادامه همکاری‌های‌شان تاکید کرده‌اند. رئیس جمهور در این دیدار به روشنی گفت: «در حال گفت‌وگو هستیم، اما هر بار که با آمریکا گفت‌وگو می‌کنیم، دوباره حمله می‌کنند، ولی ما از میز مذاکره و گفت‌وگو کنار نخواهیم کشید. پیشنهادهایی داده بودیم و آمریکایی‌ها نیز پیشنهادات جدیدی داده بودند. روی این پیشنهادها اصلاحات خود را انجام داده‌ایم. قرار است پس از نهایی شدن، از طریق رابطینی که وجود دارند بنشینیم و آنها را جمع‌بندی کنیم.» از طرف دیگر رئیس جمهور روسیه هم اشاره کرد، کشورش برای حل اختلافات از راه گفت‌وگو و دیپلماسی پیش می‌رود. در اصل ایران می‌خواهد روابطش با روسیه را هرچه بیشتر تقویت کند و در عین حال هم مذاکره می‌کند و هم هیچ واهمه‌ای از جنگ ندارد اما آیا می‌توان به پیشنهادات آمریکایی‌ها خوش‌بین بود؟

پیشنهاد ایران به آمریکا چیست؟

در همین رابطه عباس گلرو، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به خبرنگار روزنامه «آگاه» می‌گوید: آنچه در هفته‌های اخیر در جریان است، در قالب نسخه‌ای اصلاح شده و جدید از تفاهم اسلام‌آباد و با میانجی‌گری طرف‌هایی دنبال می‌شود که تلاش دارند دو طرف را به میز مذاکره بازگردانند. علت برهم خوردن روند قبلی عمل نکردن آمریکا به تعهدات مورد نظر ایران در تفاهم‌نامه ۱۴ ماده‌ای بود. صرف وجود مذاکره به معنای دستیابی کامل به تفاهم نیست، همان‌گونه که نمی‌توان شرایط فعلی را به معنای پایان مسیر دیپلماسی و ورود قطعی به یک فضای تهدیدآمیز تعبیر کرد.

وی با اشاره به شرایط داخلی آمریکا و محاسبات سیاسی دولت این کشور، افزود: واشنگتن در مقطع فعلی به دستیابی به یک تفاهم نیاز دارد و مجموعه تحولات سیاسی و انتخاباتی داخلی آمریکا بر این محاسبات اثرگذار است. مذاکره یکی از ابزارهای تحقق اهداف سیاست خارجی و تامین منافع و امنیت ملی است؛ مذاکرات سیاسی و دیپلماتیک نیز نوعی مبارزه است، با این تفاوت که این مبارزه پشت میز مذاکره انجام می‌شود.



عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با بیان اینکه پیشنهادهای جدید جمهوری اسلامی ایران دربرگیرنده مجموعه‌ای از تعهدات مورد انتظار از طرف آمریکایی است و تهران انتظار دارد واشنگتن درباره اجرای این تعهدات تضمین عملی ارائه دهد، تاکید کرد دستاوردهایی که از نگاه ایران در میدان حاصل شده، باید در عرصه سیاسی و دیپلماتیک تثبیت شود و از همین رو، مذاکره را می‌توان بخشی از فرآیند تکمیل‌کننده تحولات میدانی دانست.

گلرو، یکی از موانع اصلی دستیابی به جمع‌بندی میان ایران و آمریکا را تفاوت محاسبات واشنگتن و تل‌آویو دانست و گفت، اگرچه از نگاه ایران میان آمریکا و رژیم صهیونیستی در رویکرد خصمانه نسبت به جمهوری اسلامی اشتراک وجود دارد، اما تاکتیک‌های آنها یکسان نیست. دولت آمریکا با توجه به ملاحظات داخلی و انتخاباتی به فضای تفاهم نیاز دارد، در حالی که ادامه تنش و درگیری می‌تواند در محاسبات سیاسی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی جایگاه متفاوتی داشته باشد. وی تصریح کرد: همین تضاد رویکرد، شرایط مذاکرات را پیچیده کرده و سبب شده تحرکات دیپلماتیک و منطقه‌ای همزمان با تلاش برای ادامه مذاکرات دنبال شود.

پیام پزشکیان به دبیرکل سازمان شانگهای

اما رئیس جمهوری در ادامه نشست و برخاست‌های خود در اجلاس شورای سران کشورهای مشترک‌المنافع در دیدار با دبیرکل سازمان همکاری‌های شانگهای با تاکید بر ضرورت تقویت انسجام و همکاری میان کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس، گفت: «هدف از شکل‌گیری این اجلاس‌ها، دستیابی به چارچوب‌های مشترک اجرایی در حوزه‌های مالی، اقتصادی، تجاری، امنیتی و سیاسی است و تاثیرپذیری تصمیمات این سازمان‌ها از سیاست‌های داخلی آمریکا می‌تواند قدرت و انسجام آنها را تضعیف کند.»

پیام پزشکیان در این دیدار کاملا آشکار بود. قدرت سازمان‌هایی مثل شانگهای در اتحاد بر اساس منافع مشترک و نه تاثیرپذیری از دستورات بیرونی است. این یعنی ایران می‌خواهد در این سازمان، تکیه بر توان کشورها و تصمیمات مستقل جایگزین هرگونه دخالت خارجی شود تا محاصره و فشارهای آمریکا هیچ اثری در تصمیمات اعضا نداشته باشد. همچنین روز جمعه پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری دو خبر از او منتشر کرد. پزشکیان در سخنرانی خود در نشست سران کشورهای مشترک‌المنافع، حضور ایران برای نخستین بار و به عنوان نخستین کشور دعوت شده در جایگاه مهمان ویژه نشست سران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را فرصتی ارزشمند برای تقویت پیوندهای موجود و گشودن فصل جدیدی از همکاری‌ها با کشورهای این مجموعه عنوان کرد و گفت: منافع مشترک ما، نه در رقابت میان مسیرها بلکه در اتصال مسیرهاست، برای آسیای مرکزی، جمهوری اسلامی ایران صرفا یک شریک نیست؛ بلکه یک مسیر طبیعی برای اتصال آسیای مرکزی و اوراسیا به آب‌های آزاد است. وی تاکید کرد: امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند چندجانبه‌گرایی واقعی در منطقه هستیم. کشورهای این منطقه مهم و استراتژیک باید از بازیگران اصلی در شکل‌دهی به جهان چندقطبی باشند. از این منظر، دیپلماسی منطقه‌ای برای ما، صرفا به معنای برگزاری نشست‌ها نیست؛ بلکه باید به ابزار مدیریت بحران، حفظ ارتباطات، جلوگیری از گسترش درگیری و فعال کردن همکاری‌های عملی تبدیل شود. این همان رویکردی است که در چارچوب سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کنیم.

حضور و سخنرانی در نشست فوق‌العاده سران حوزه خزر دیگر برنامه رئیس جمهور کشورمان بود؛ وی با بیان اینکه هیچ‌یک از کشورهای ساحلی نمی‌توانند به تنهایی خزر را نجات دهند، گفت: جمهوری اسلامی ایران ضمن استقبال از تصمیم این اجلاس برای ایجاد کمیسیون عالی‌رتبه مرکب از معاونان روسای دولت‌های ساحلی، پیشنهاد می‌کند که در چارچوب کنوانسیون تهران یک برنامه منطقه‌ای بلندمدت برای مقابله با کاهش سطح آب خزر تدوین و اجرا شود.

حرف آخر

در نهایت، باید توجه داشت با نقش‌آفرینی فعال همسایگان، هرگونه تلاش برای محاصره یا وارد کردن فشار به ایران یا سایر کشورها باطل می‌شود، چرا که پیوند محکم با آنها (همسایگان) سدی در برابر نقشه‌های دشمن است. در همین راستا، ایران در جریان این سفر پیشنهادات خود را روی میز گذاشت و رئیس جمهور در دیدارهای جداگانه به صراحت با همتایانش سخن گفت. آنچه در این مسیر کاملا روشن است اینکه ایران هم با اقتدار کامل از منافع کشورش در «میدان» دفاع می‌کند و هرگز کم نمی‌آورد و هم به همان اندازه، توانایی آن را دارد که با درایت گفت‌وگو و با صلابت از حقوق خود دفاع کند.



حجت‌الاسلام حاج علی‌اکبری، خطیب نماز جمعه تهران:
تنگه هرمز تا تحقق کامل شروط ایران، باز نخواهد شد

«آگاه» در گزارش تحلیلی، نگاه دولت‌های پیشین و دولت وفاق به احزاب را بررسی کرد

گذار از رقابت حزبی به همسویی ملی

مسعود پزشکیان از زمانی که به روی کار آمد و کلید پاستور را از محمد مخبر گرفت درهای ریاست جمهوری را روی خواص (احزاب، فعالان رسانه‌ای، اساتید دانشگاه، دانشجویان، اصناف و نمایندگان مجلس) باز گذاشته تا ضمن دیدار با رئیس جمهور یا معاون اول او، دیدگاه‌ها و نقطه نظرات‌شان را پیرامون مسائل روز بیان کنند و پیشنهادهایی را نیز مطرح کنند تا دستی از دولت برای حل مشکلات بگیرند. حال سوال این است: احزاب تاکنون به چه اندازه توانسته‌اند کمک‌یار دولتی‌ها باشند؟



درباره نحوه بررسی تعامل دولت‌ها با سازمان‌های اجتماعی، احزاب و تشکل‌ها، نخستین گام، دستیابی به تعریف جامع و دقیق از نهاد «حزب» است. فقدان یک تعریف واحد، منجر به خلط مفاهیم میان حزب، جناح، گروه و ستاد انتخاباتی می‌شود. بر همین اساس ابتدا باید تعریفی از حزب و وظایفی که برعهده دارد ارائه کرد. حزب سیاسی، مجموعه‌ای از افراد با باورها، ارزش‌ها و چشم‌اندازهای مشترک را گرد هم می‌آورد تا از طریق مکانیسم‌های قانونی و دموکراتیک به‌ویژه انتخابات، قدرت سیاسی را به دست آورده یا آن را حفظ کند. هدف غایی یک حزب، تبدیل برنامه‌های نظری به سیاست‌های اجرایی در بدنه دولت است. همین نگاه در سایر نهادهای انتخاباتی همچون مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا هم تسری پیدا می‌کند. برای آنکه یک تشکل را بتوان به معنای دقیق کلمه «حزب» نامید، باید سه رکن بنیادین در آن جاری باشد.

۱- مانیفست و برنامه: تفاوت بنیادین حزب با ائتلاف‌های موقت انتخاباتی، وجود سند راهبردی یا «مانیفست» است. حزب واقعی بر اساس جهان‌بینی مشخص عمل می‌کند و برای چالش‌های کلان جامعه در حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ و سیاست، راهکارهای مدون و برنامه‌هایی دارد. در حزب، برنامه بر شخصیت اولویت دارد.

۲- ساختار و انضباط حزبی: تمایز حزب از جناح‌ها در داشتن ساختار است. جناح یک مفهوم سیال و بدون سقف است، اما حزب دارای یک چارچوب قانونی و سازمانی است که از وجود ارگان‌های تصمیم‌گیر مانند شورای مرکزی، هیات رئیسه و اعضا برخوردار است.

۳. هدفمندی برای حکمرانی: آنچه حزب را از انجمن‌های تخصصی یا سازمان‌های مردم نهاد متمایز می‌کند هدف، کسب قدرت است. در حالی که یک انجمن به دنبال اثرگذاری یا ارائه مشاوره است، هدف حزب، تصاحب کرسی‌های قدرت (مجلس، دولت و شوراها) است تا بتواند اراده سیاسی خود را در سطح کلان کشور پیاده‌سازی کند.

در فضای سیاسی کشور، بسیاری از تشکل‌ها نام حزب را یدک می‌کشند اما آن وظایفی که برعهده دارند را انجام نمی‌دهند و بیشتر در قالب ستاد انتخاباتی ایفای نقش می‌کنند. یعنی هرگاه انتخاباتی فرابرسد اعلام حضور می‌کنند و پس از پایان آن باز حاشیه نشین می‌شوند. در حالی که حزب فعال و تاثیرگذار مجموعه‌ای است که فارغ از پیروزی یا شکست نامزد و نامزدها، به حیات خود ادامه می‌دهد و در زمان قدرت، «حاکم» و در زمان دوری از قدرت، «ناظر و منتقد» است و هویت خود را از طریق برنامه‌هایش حفظ می‌کند، نه از طریق شخصیت‌ها. به همین جهت احزاب سیاسی تنها زمانی می‌توانند ادعای کنشگری و مطالبه‌گری کنند که دارای برنامه‌محوری، تیم‌محوری و ساختار سیاسی باشند؛ هرگونه تشکلی که از این سه ضلع برخوردار نباشد، در اصل حزب نامید نمی‌شود؛ ائتلاف انتخاباتی یا خانوادگی تشکیل داده است! به این مقدمه پرداخته شد تا به واکاوی نحوه تعامل و ارتباط دولت‌های پیشین و فعلی با احزاب و سیاسیون بپردازیم و سپس بررسی کنیم احزاب به چه اندازه توانسته‌اند به دولت پزشکیان کمک کنند. برای درک وضعیت فعلی تعاملات سیاسی در ایران، ضروری است نگاهی به مسیر معکوس رابطه دولت‌ها و احزاب بیندازیم. این تحلیل با بررسی رویکرد دولت جاری آغاز شده و به عقب می‌رود تا تبیین کند هر دوره، چگونه بر اساس نیازهای مقطعی خود، مفهوم حزب را بازتعریف کرد.

۱. دولت چهاردهم: دولت پزشکیان تلاش می‌کند تا از طریق «وفاق ملی»، احزاب را به عنوان پل ارتباطی با طیف‌های مختلف جامعه احیا کند. نگاه این دولت و شخص رئیس جمهور، رویکردی «هم‌گرا» است که در آن به حزب به عنوان بستری برای کمک به قوه مجریه برای عبور از مشکلات جاری نگاه می‌شود.

۲. دولت شهید رئیسی: در دولت سیزدهم، هدف این بود که احزاب به جای ایجاد تضاد، با آهنگ انسجام برای پیشبرد اهداف کلان نظام عمل کنند. بر همین اساس شخص رئیس جمهور شهید چندین جلسه با حزبی‌ها برگزار و رودررو و چهره به چهره نظرات‌شان را دریافت می‌کرد. فراموش نمی‌کنیم، بی‌مهری‌های زیادی هم نسبت به نوع نگاه شهید رئیسی به احزاب در رسانه‌های منتقد دولت مردمی و حتی در خود احزاب. بخوانید احزاب اصلاح‌طلب. صورت می‌گرفت، اما اگر حقیقتا کلاه خود را قاضی کنیم می‌بینیم او (رئیسی عزیز) تلاش می‌کرد تا ارتباط حسنه‌ای میان دولت و سیاسیون برقرار کند. اما حیف که عده‌ای در زمان حیات وی حاضر نمی‌شدند واقعیت‌ها را ببینند و به جز نق زدن کار دیگری بلد نبودند.

۳. دولت‌های یازدهم و دوازدهم: رابطه دولت با جریان‌های سیاسی، رابطه‌ای «تاکتیکی» برای پیروزی در انتخابات بود، همانند لیست امید در انتخابات مجلس دهم یا شورای پنجم تهران. در این دوران، حزب جای خود را بیشتر به ائتلاف‌های موقت داد که معمولا پس از دستیابی به قدرت، به دلیل نبود ساختار حزبی منسجم، دچار گسست می‌شدند. ضمن آنکه رئیس دولت تدبیر و امید پیش از پیروزی در انتخابات ۹۲ به عنوان پدر معنوی حزب اعتدال و توسعه شناخته می‌شد و از آنجا که برخی از اعضای تاثیرگذار حزب در دولت صاحب کرسی شدند، اعتدالی‌ها هشت سال در حاشیه رانده شدند و آنچنان کنشگری حزبی نمی‌کردند.

۴. دولت‌های نهم و دهم: هرچند رئیس دولت مهرورز یک شخصیت حزبی بود و در جامعه مهندسین و جمعیت ایثارگران حضور داشت، اما وقتی به پاستور راه یافت به خصوص در دوره دوم ریاست جمهوری‌اش، به احزاب پشت کرد؛ از دیدگاه او، احزاب نماد فاصله‌گذاری میان سیاستمداران و توده مردم بودند. در نتیجه، مدل ارتباط مستقیم با مردم (پوپولیسم) جایگزین مدل حزبی شد و مفهوم حزب جای خود را به تیم‌های وفادار داد که فاقد ساختار سازمانی شفاف بودند. نکته جالب ماجرا آنجا بود که هم حزبی‌های رئیس جمهور وقت هم منتقد پروپاقرص عملکرد دولت احمدی‌نژاد شده بودند.

۵. دولت اصلاحات: در این دوره، تلاش شد سیاست از شخص محوری به «برنامه محوری» تغییر یابد. تشکیل احزابی نظیر «مشارکت»، تلاشی برای تبدیل حزب به مرجع تصمیم‌گیری و مدل حکمرانی بود؛ هرچند این رویکرد در نهایت با تنش‌های ساختار از سوی یاران سیاسی سید محمد خاتمی در دو تشکل منحل شده جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب یا در شورای اول تهران و مجلس جنجالی ششم مواجه شد. اما در مجموع رابطه دولت با احزاب خوب بود.

۶. دولت سازندگی: دولت به احزاب، نگاه «تکنوکراتیک» داشت. هدف اصلی عبور از فضای جنگ و ورود به دوران توسعه اقتصادی بود. تشکیل حزب سازندگی تلاشی بود برای ایجاد ساختاری برای مدیریت جامعه و پیشبرد برنامه‌های اقتصادی. در این دوران، حزب بیشتر نقش ستاد سازمان یافته را داشت تا یک نهاد سیاسی. اما در مجموع رابطه رئیس دولت سازندگی با حزبی‌ها تیره و تار نبود. در عصر وفاق، رئیس جمهور حقیقتا وقتی به احزاب [از حامیان تا منتقدان دولتش] اختصاص می‌دهد، همین چند وقت پیش بود که مهرداد بذرپاش و صادق محصولی از منتقدان دولت او راهی پاستور شدند و در نشستی که رئیس جمهور حضور داشت شرکت و دیدگاه‌های‌شان را مطرح کردند. کار به اینجا ختم نشد و مسعود پزشکیان شامگاه سه‌شنبه، هفتم مهر ۱۴۰۵ با جمعی از فعالان و کنشگران سیاسی-اجتماعی احزاب اصلاح‌طلب دیدار و گفت‌وگو کرد. اما نتایج این نشست‌ها چه باید باشد؟ مگر نه آنکه از یک سو احزاب باید فعال‌تر ظاهر شوند و کارکردشان را فقط انتخاباتی نبینند و از سوی دیگر، با ارتباطاتی که دارند نقش مشاور برای دولت ایفا کنند؛ آیا تحرکات‌شان قابل دفاع است؟



مرتضی کامل نواب، دبیرکل جمعیت پیشرفت و عدالت می‌گوید: در شرایط کنونی ما به همدلی و هم‌آوایی نیاز داریم؛ باید به دولت کمک کرد. بی‌تردید دولت نیز ممکن است در ساختار بخش‌های مختلف خود اشکالاتی داشته باشد که نیازمند تذکر، انتقاد و بازآرایی است، اما این موارد باید با نگاه حل مسئله و یاری به دولت مطرح شود. وی افزود: اگر یادآوری آسیب‌ها و اشکالات به ابزاری برای ناامیدی مردم، سوءاستفاده دشمن یا ایجاد فضای متشتت و متشنج در مدیریت عمومی کشور تبدیل شود، تردیدی نیست که این رویه اقدامی اشتباه و خطا است و هیچ کمکی به دولت نخواهد کرد.

دبیرکل جمعیت پیشرفت و عدالت تاکید می‌کند: ترمیم مدیریتی و اصلاح در تصمیم‌گیری یا اقدام، زمانی محقق می‌شود که مسیرهای پیشنهادی از طریق تعامل و گفت‌وگو به دولت ارائه شود اما هنگامی که فضای داخلی را به سمت تنش می‌بریم یا با رویکردها و ذهنیت سیاسی با دولت مواجه می‌شویم، فارغ از اینکه کدام دولت بر سر کار باشد، آن را در موضع انفعال قرار می‌دهیم. اگر دلسوز کشور هستیم و قصد داریم به بهبود معیشت مردم کمک کنیم، باید پیشنهادات خود را در قالب تعامل و حل مسئله مطرح کنیم، نه در قالب ایجاد تشنج و القای این ذهنیت به مردم که شرایط کشور از کنترل خارج شده است.

نتیجه بررسی عملکرد دولت‌های پیشین با احزاب حکایت از آن دارد که در دوره وفاق چترخوبی برای احزاب گشوده شده و دولت از احزاب می‌خواهد از فضای تقابل فاصله گرفته و به جای نقد صرف، نقش کارشناس و برنامه‌ریز را ایفا کنند. انتظار می‌رود در این فضا، احزاب با ارائه برنامه‌های عملیاتی و پیشنهادهای تخصصی، دست دولت را برای حل مشکلات مردم بگیرند. اما این سکه دو رو است. حالا که دولت گام اول را برداشته، نوبت به احزاب رسیده است تا مسئولیت‌پذیری خود را ثابت کنند. احزاب باید با ارائه راهکارهای ملموس به دولت، به پیشبرد امور کمک کنند. هنوز با آن گام‌هایی که باید توسط احزاب برداشته شود، فاصله داریم. حداقل احزاب تاثیرگذار و فعال باید بیشتر پای کار بیایند و با تحرکاتشان دو نشانه‌گذاری کنند. اول به عنوان مشاور، راهکارهایی به دولت ارائه دهند و دوم با این اقدام، می‌توانند نگاه مردم را به احزاب تغییر دهند. باید بپذیریم نظام سیاسی ما حزبی نیست و مردم هم هیچ اقبالی به تحرکات حزبی ندارند. حتی اگر در خیابان از مردم سوال شد چند حزب می‌شناسید درصد بالایی پاسخی نخواهند داشت پس نوبت حزبی‌هاست که برای ترمیم نگاه جامعه به فعالیت‌های حزبی پیش‌قدم شوند. اکنون که پزشکیان قدم اول را برداشته، نوبت سیاسیون و احزاب است تا نشان دهند حزب یعنی چه و چه کارکردی دارد. منتظریم تا ببینیم احزاب صاحب نام چه حرفی برای گفتن دارند.

صالحی در گفت‌وگو با «آگاه»:

افزایش قدرت خرید مردم در گرو مهار تورم و رونق تولید است

مسلم صالحی، نماینده مجلس در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» با اشاره به ضرورت کاهش نرخ تورم و بهبود قدرت خرید مردم، گفت: کنترل تورم نباید صرفا به معنای کنترل یک یا چند قلم کالا در بازار تلقی شود، بلکه باید ریشه‌های ایجاد تورم در اقتصاد مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه زمانی می‌توان به کاهش پایدار تورم امیدوار بود که میان سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تولیدی دولت هماهنگی وجود داشته باشد. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید:

■ به نظر شما از چه طرقی می‌توان قدرت خرید مردم را ارتقا داد؟ این ظرفیت‌ها چگونه باید احصا شود؟

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که باید در این زمینه مورد توجه قرار گیرد، کنترل رشد نقدینگی است. اگر حجم نقدینگی بدون تناسب با ظرفیت تولید کالا و خدمات در اقتصاد افزایش پیدا کند، بخشی از این منابع به جای ورود به بخش مولد، وارد بازارهای دارایی و فعالیت‌های غیرمولد شده و در نهایت فشار تورمی ایجاد می‌کند.

■ آیا صرفا کنترل رشد نقدینگی می‌تواند به کاهش تورم منجر شود؟

دولت و بانک مرکزی باید ضمن مدیریت رشد نقدینگی، زمینه‌ای فراهم کنند که نقدینگی موجود در اقتصاد به سمت تولید، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مولد هدایت شود. صرفا کاهش سرعت رشد نقدینگی کافی نیست؛ مهم این است که منابع مالی در کدام بخش‌های اقتصاد گردش می‌کند و چه میزان از آن به افزایش ظرفیت تولید منجر می‌شود.

■ رونق تولید چه نقشی در افزایش قدرت خرید مردم و کنترل تورم دارد؟

رونق تولید یکی از اصلی‌ترین مسیرهای حل مشکلات اقتصادی کشور است. اگر تولید رونق بگیرد، عرضه کالا و خدمات افزایش پیدا می‌کند، هزینه‌های تولید در یک فرآیند مناسب کاهش می‌یابد و وابستگی اقتصاد به واردات نیز کمتر خواهد شد. بنابراین برای کنترل تورم، در کنار سیاست‌های پولی، باید به صورت جدی روی افزایش تولید داخلی و رفع موانع پیش روی تولیدکنندگان تمرکز کنیم.

■ برای اینکه تولیدکنندگان بتوانند در مسیر افزایش تولید حرکت کنند، چه اقداماتی باید انجام شود؟

حمایت از تولید نباید مقطعی و محدود به یک دوره زمانی خاص باشد. تولیدکننده برای سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت خود نیازمند یک محیط باثبات و قابل پیش‌بینی است؛ بنابراین دولت باید سیاست‌های حمایتی مستمر و هدفمند داشته باشد و از تغییرات مکرر مقررات، بخشنامه‌ها و تصمیماتی که هزینه فعالیت اقتصادی را افزایش می‌دهد، جلوگیری کند.

■ مردم چگونه باید نتیجه سیاست‌های اقتصادی و کنترل تورم را در زندگی روزمره خود احساس کنند؟

مردم باید نتیجه سیاست‌های اقتصادی دولت را در سفره خود احساس کنند. کاهش تورم زمانی برای جامعه ملموس خواهد بود که در کنار کنترل شاخص‌های کلان اقتصادی، قیمت کالاهای اساسی نیز ثبات پیدا کند و قدرت خرید خانوارها افزایش یابد.



■ برای کاهش قیمت کالاهای اساسی و افزایش قدرت خرید خانوارها چه اقداماتی ضروری است؟

برای کاهش قیمت کالاهای اساسی باید زنجیره تامین این کالاها از مرحله تولید تا توزیع مورد بررسی قرار گیرد. در برخی موارد، افزایش قیمت نهایی تنها ناشی از افزایش هزینه تولید نیست، بلکه هزینه‌های واسطه‌گری، حمل‌ونقل، توزیع و برخی ناکارآمدی‌های موجود در زنجیره عرضه نیز بر قیمت تمام‌شده اثر می‌گذارد.

■ نقش دولت در اصلاح این زنجیره و جلوگیری از افزایش قیمت‌ها چیست؟

دولت باید با شناسایی گلوگاه‌های زنجیره تامین، هزینه‌های اضافی را کاهش دهد و اجازه ندهد افزایش قیمت در یک حلقه، به صورت زنجیره‌ای به مصرف‌کننده منتقل شود. همچنین سیاست‌های حمایتی باید به جای ایجاد رانت، به شکل هدفمند به تولیدکننده و مصرف‌کننده واقعی اختصاص پیدا کند.

■ آیا سیاست‌های ضد تورمی نباید همزمان با حمایت از تولید دنبال شود؟

اگر از یک طرف دولت برای کنترل تورم سیاست انقباضی در پیش بگیرد اما از طرف دیگر تولیدکننده به دلیل کمبود سرمایه در گردش، افزایش هزینه تامین مالی یا مشکلات انرژی و مواد اولیه نتواند تولید خود را ادامه دهد، نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. سیاست ضد تورمی باید به گونه‌ای طراحی شود که همزمان با کنترل عوامل تورم‌زا، توان تولید اقتصاد را نیز حفظ و تقویت کند.

عبداللهی در گفت‌وگو با «آگاه»:

تورم با کالابرگ مهار نمی‌شود

افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید خانوارها، در شرایطی که قیمت کالاها و خدمات با سرعت بالایی افزایش یافته، بار دیگر ضرورت اتخاذ سیاست‌های موثر برای کنترل تورم و مدیریت بازارها را مورد توجه قرار داده است. در این میان، اگرچه حمایت‌های مستقیم از خانوارها از جمله اجرای طرح کالابرگ می‌تواند بخشی از فشار معیشتی را کاهش دهد، اما تداوم تورم موجب می‌شود اثر این حمایت‌ها بر قدرت خرید مردم محدود شود. از سوی دیگر، بازار ارز و نحوه مدیریت منابع ارزی کشور یکی از عوامل اثرگذار بر وضعیت قیمت‌ها و تورم محسوب می‌شود. در همین راستا، برخی نمایندگان مجلس بر ضرورت مدیریت بازار ارز، تسهیل ورود ارز حاصل از صادرات و بررسی عوامل موثر بر رشد نقدینگی و خلق پول تاکید دارند و معتقدند سیاست‌های حمایتی باید همزمان با اقدامات ریشه‌ای برای مهار تورم دنبال شود. بیت‌الله عبداللهی، نماینده مردم اهر و هریس و عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس، در گفت‌وگو با روزنامه «آگاه» با تاکید بر ضرورت مهار تورم و تقویت قدرت خرید خانوارها، خواستار بررسی عوامل اصلی افزایش قیمت‌ها، مدیریت بازار ارز، نظارت بر قیمت‌گذاری کالاها و شناسایی نقش کاهش تولید، رشد نقدینگی و احتکار در افزایش تورم شد. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

■ مهم‌ترین راهکار برای افزایش قدرت خرید خانوارها و مهار تورم چیست؟

به دلیل افزایش تورم، دولت باید افزایش نرخ دلار را مهار کند و برای مدیریت بازار ارز چاره‌اندیشی داشته باشد. مشخص نیست چرا دولت جلوی ورود برخی ارزهای صادراتی به کشور را می‌گیرد؛ برخی صادرکنندگان ارز خود را وارد می‌کنند اما دولت مانع آن می‌شود، در حالی که این ارز می‌تواند بخشی از کمبود ارزی کشور را جبران کند. این موضوع محل اشکال است و دولت باید به صورت جدی بررسی کند که چرا ارز ورود ارز حاصل از صادرات جلوگیری می‌شود. بخش عمده‌ای از افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید مردم به افزایش نرخ دلار وابسته است. بخش دیگری از افزایش تورم نیز به رشد نقدینگی و خلق پول وابسته است که دولت در مدیریت این بخش موفق نبوده است.

■ نقش کالابرگ در حمایت از معیشت خانوارها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در این شرایط ارائه کالابرگ به مردم تنها می‌تواند بخش جزئی از نیازها و مشکلات معیشتی خانوارها را برطرف کند. رشد تورم با شیب تندی در حال حرکت است و در چنین شرایطی کالابرگ اثرگذاری چندانی ندارد و حتی اثرگذاری خود را از دست داده است. دولت باید بیشتر به سراغ ریشه‌های پیدا و پنهان تورم برود. همچنین قیمت‌گذاری کالاها باید به درستی مورد رصد و نظارت قرار گیرد و این موضوع به راحتی قابل عملیاتی شدن است.



■ در شرایط فعلی، دولت باید نظارت بر بازار کالای اساسی مردم را به چه نحوی انجام دهد؟ آیا با سازوکارهای سنتی می‌توان بازار را کنترل کرد؟

دولت به موضوع عرضه و تقاضا اعتقاد دارد، اما در زمان بحران باید اشرافیت و نظارت کافی بر بازار داشته باشد و بتواند بازار را کنترل کند؛ اینکه بازار را رها کنیم و آن را به دست عده‌ای بسپاریم، قابل قبول نیست.

■ برخی مسئولان بر افزایش رقم کالابرگ تاکید دارند؛ آیا افزایش اعتبار کالابرگ می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند؟

ارائه کالابرگ اقدام بدی نیست، اما حتی اگر رقم آن نیز افزایش پیدا کند، نمی‌توان با این روش جلوی تورم را گرفت. خانوارها در شرایط فعلی حتی احساس نمی‌کنند که بسته‌ای در قالب کالابرگ به آنها داده می‌شود، چراکه تورم بسیار بالاست و مشکلات معیشتی مردم با خرید چند قلم کالا در قالب کالابرگ برطرف نخواهد شد.

■ دولت برای عبور از شرایط فعلی باید چه رویکردی در پیش بگیرد؟

به نظر بنده دولت باید به سمت مهار تورم حرکت کند و از اظهارات افرادی مانند اینکه «اگر من نبودم نرخ دلار اصلاح نمی‌شد»، فاصله بگیرد؛ در شرایط بحرانی موجود، دولت باید بازار را به صورت جدی کنترل کرده و به سراغ ریشه‌های تورم برود.

■ از نظر شما عوامل اصلی افزایش تورم چیست و دولت برای شناسایی آنها چه اقدامی باید انجام دهد؟

دولت باید بررسی کند که آیا کاهش تولید به افزایش تورم منجر شده، رشد نقدینگی عامل افزایش قیمت‌ها بوده یا احتکار کالا در این زمینه نقش داشته است؛ بنابراین وضعیت موجود باید به درستی شناسایی، رصد و مدیریت شود.



سرلشکر وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

ایران آماده پاسخ قاطع به هر تردد غیرمجاز در تنگه هرمز است

شنبـه/ ۱۸ مهر ۱۴۰۵/ شماره ۶۵۹

پاسخ ایران به قمار جدید ترامپ محکم‌تر از قبل است

۵۰ هزار هدف در دسترس



دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا به‌تازگی برای آرام کردن اوضاع ملتهب اقتصادی آمریکا و سیگنال منفی دادن به بازار نفت، مدعی شده که تا پیش از برگزاری انتخابات میان دوره‌ای کنگره در آمریکا یعنی سوم نوامبر برابر با ۱۲ آبان، به هیچ وجه به ایران حمله نخواهد کرد. ترامپ سپس مدعی شده که آمریکا در حال انجام مذاکرات سازنده با ایران است.

این سخنان ترامپ مشخصا یک فریب بزرگ است؛ تحرکات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی و هماهنگی‌های رخ داده میان آنان با رژیم‌های سعودی و امارات، بیانگر نزدیک بودن تجاوز مجدد آمریکا به خاک ایران است.

در همین رابطه، باراک راوید، خبرنگار صهیونیستی رسانه آکسیوس و از عناصر رسانه‌ای نزدیک به کاخ سفید در واکنش به صحبت‌های اخیر ترامپ مبنی بر عدم حمله به ایران، توییت معناداری را منتشر کرده است. در این توییت آمده که در ژوئن ۲۰۲۵، پیش از عملیات چکش نیمه شب، کاخ سفید اعلام کرد که ترامپ ظرف دو هفته تصمیم خواهد گرفت که آیا آمریکا به جنگ اسرائیل علیه ایران می‌پیوندد یا نه. اما زمانی که این اظهارات مطرح شد، ترامپ از قبل تصمیم گرفته بود به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله کند. در ۲۷ فوریه، کمتر از ۲۴ ساعت پیش از آغاز حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران و آغاز جنگ ۴۰ روزه، ترامپ ادعا کرد که هنوز درباره ورود به جنگ تصمیمی نگرفته است، اما درواقع، او پیشتر تصمیم خود را گرفته و مجوز حملات را صادر کرده بود.

در مطلب مرتبط دیگری، رسانه آکسیوس گزارش داد که آمریکا به اسرائیل اطلاع داده است که در حال آماده‌سازی برای احتمال از سرگیری حملات به ایران در عرض سه هفته پیش رو است. این در حالی است که ترامپ در اظهاراتش مدعی شد: ما در هیچ مقطعی پیش از انتخابات میان دوره‌ای آمریکا، که قرار است سوم نوامبر برگزار شود، به ایران حمله نخواهیم کرد.

یک مقام ارشد نظامی آمریکایی نیز به رسانه سعودی الحدث گفته است که ۵۰ هزار نیروی آمریکایی در خاورمیانه در حالت آماده باش کامل قرار دارند و هزاران موشک و مهمات مورد نیاز این نیروها در منطقه تامین و جایگزین شده است.

ایال زامیر، رئیس ستاد ارتش رژیم صهیونیستی نیز در سخنانی که بیانگر آمادگی اسرائیل برای تجاوز مجدد به ایران است، گفته که در صورت حمله ایران، انتخابات پارلمانی در اسرائیل عقب خواهد افتاد. وب سایت خبری اکسیوس می‌گوید ایال زامیر، رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل به مقام‌های ارشد آمریکایی هشدار داده اگر جنگ با ایران در سه هفته آینده از سر گرفته شود، اسرائیل احتمالا مجبور شود انتخابات پارلمانی پنجم آبان را عقب بیندازد.

زامیر هشدار داده ایران ممکن است در پاسخ به حملات، با موشک به اسرائیل حمله کند. این هشدار پس از آن مطرح شد که مقام‌های آمریکایی او را در جریان آمادگی‌های نظامی برای از سرگیری عملیات علیه ایران قرار دادند و آکسیوس می‌گوید پس از آن بود که ترامپ اعلام کرد آمریکا پیش از انتخابات میان دوره‌ای ۱۲ آبان به ایران حمله نخواهد کرد. نشریه آتلانتیک نیز گزارش داده که کاخ سفید از پنتاگون خواسته است گزینه‌هایی برای از سرگیری حملات علیه ایران پیش از انتخابات میان دوره‌ای سوم نوامبر آماده کند؛ هرچند هنوز هیچ تصمیم نهایی در این زمینه اتخاذ نشده است. وفق این گزارش، سنتکام در حال تدوین فهرستی از اهداف احتمالی و بسته‌های عملیاتی برای حمله است که از حملات محدود تا عملیات گسترده‌تر را شامل می‌شود. به نوشته آتلانتیک، حامیان حمله به ایران پیش از انتخابات معتقدند چنین اقدامی می‌تواند نشان‌دهنده پیشرفت در جنگ هشت ماهه باشد و فشار بر تهران را افزایش دهد؛ با این حال، مقام‌های آمریکایی اذعان دارند که حملات محدود به تنهایی احتمالا برای بازگشایی تنگه هرمز، وادار کردن ایران به ورود به مذاکرات یا کاهش قیمت سوخت پیش از روز انتخابات کافی نخواهد بود. پنتاگون همچنین به طور جداگانه گزینه‌های گسترده‌تری را برای پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آماده کرده است که شامل حملات بیشتر به زیرساخت‌های انرژی ایران می‌شود.

مجموع مستندات ذکر شده در بالا، گواهی بر آن است که تجاوز مجدد دشمنان آمریکایی و صهیونیستی به ایران، طی روزهای پیش رو حتمی و قطعی است و آنچه اهمیت دارد آن است که قوای مسلح ایران اسلامی و سیاسیون ما، در نهایت آمادگی برای پاسخی کوبنده به دشمن باشند.

نکته مثبت آن است که پس از سخنان پنج‌شنبه شب ترامپ مبنی بر عدم حمله به ایران تا پیش از ۱۲ آبان، هیچکس در داخل این سخنان را جدی نگرفت و بالعکس، همه متفق‌القول اذعان کردند که این حربه و شگرد ترامپ جنایتکار است و وقتی او از عدم حمله سخن می‌گوید، درواقع در حال دادن پالس حمله است. همچنین اینکه ترامپ از مذاکرات سازنده با ایران سخن می‌گوید نیز دروغی آشکار است که تنها هدفش پایین آوردن قیمت رو به بالای نفت است. البته ترامپ در همان پنج‌شنبه شب، به هدفش رسید و پس از طرح دروغ مذاکره با ایران، موفق شد قیمت نفت را اندکی به عقب براند.

پاسخ ایران در جنگ سوم، ویرانگر است

حداکثری شدن احتمال وقوع حمله نظامی تا آخر مهر تابعی از این واقعیت است که طبق محاسبات واشنگتن و تل‌آویو، پاسخ ایران محدود و عمدتا از طریق بازوهای جبهه مقاومت خواهد بود. اگر ارزیابی‌ها در واشنگتن و تل‌آویو این باشد که پاسخ ایران مستقیم‌تر و بزرگ‌تر خواهد بود؛ مثلا حملات موشکی سنگین و مستقیم به پایگاه‌ها و دارایی‌های آمریکا یا اسرائیل با تلفات انسانی بالا؛ آنگاه سناریوی جنگ سوم به سرعت از یک ضربه سه‌روزه به یک درگیری منطقه‌ای گسترده‌تر ارتقا می‌یابد. در این حالت، محاسبات آمریکا درباره هزینه‌های سیاسی حمله پیش از انتخابات سوم نوامبر، به نحو قابل توجهی تغییر خواهد کرد. به عبارت دیگر، ما در داخل باید این سیگنال را به دشمن آمریکایی ارسال کنیم که چنانچه حمله‌ای مجدد به ایران شود، پاسخ ایران ویرانگر خواهد بود و خبری از جنگ سه روزه نیست؛ بلکه جنگ سوم، بی‌انتهاست و کسی زمان پایان آن را نمی‌تواند پیش‌بینی کند.

حمله مقتدرانه ایران به نفتکش متخلف

مقدمات آمادگی ایران برای پاسخ ویرانگر به تجاوز پیش رو که آمریکا رویای آن را در سر دارد، روز گذشته در پهنه خلیج فارس توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تمهید شد. روز گذشته، کشتی غول‌پیکر حامل گاز ال‌پی‌جی به نام ان‌وی سان‌شاین متعلق به شرکت نات و پت که قصد عبور از مسیر غیرقانونی جنوب تنگه هرمز را داشت مورد اصابت قرار گرفت و دچار آتش‌سوزی گسترده در قسمت موتورخانه و سامانه رانش و متوقف شد.

پس از این حمله مقتدرانه و موفقیت‌آمیز، سپاه اعلام کرد که دریادلان نیروی دریایی سپاه در تحقق فرمان فرماندهی کل قوا و خواست عموم مردم ایران مبنی بر اعمال حاکمیت برتنگه هرمز، اداره تنگه را در اختیار دارند و اجازه حضور ارتش‌های متجاوز را در این منطقه نداده و نخواهند داد و با شیطنت‌های دشمن برای اخلال در این مدیریت با قاطعیت برخورد می‌کنند.

سپاه همچنین تاکید کرد که همگان بدانند مسئولیت مستقیم این حوادث و تنش‌افزایی در حمل‌ونقل دریایی منطقه بر عهده ارتش متجاوز آمریکاست که با دخالت و فریب مدیریت شرکت‌های کشتیرانی و شرکت‌های بیمه‌گذار و پرداخت رشوه‌های کلان، مسبب چنین حوادثی می‌شود و با ادامه این مداخلات، حوادث تلخ روز به روز افزایش خواهد یافت. شرکت‌هایی که فریب متجاوزان آمریکایی را بخورند، تحریم می‌شوند و اقدامات تنبیهی لازم در مورد همه شناورهای شرکت‌های متخلف اعمال خواهد شد. سپاه همچنین تاکید کرد که من بعد برخورد با شناورهای متخلف محدود به تنگه هرمز نخواهد بود و هر شناوری از معبر غیرمجاز عبور کند در سراسر منطقه تحت تعقیب قرار می‌گیرد و تنبیه آن قطعی خواهد بود.

پاسخ فعال نامحدود ایران

آنچه واضح است، آن است که راهبرد دشمن در تنفیذ سیاست لبه پرتگاه، مبتنی بر این پیش فرض خطاست که ایران در پاسخ دهی، دچار تردید راهبردی است. بازدارندگی واقعی زمانی شکل می گیرد که هزینه هرگونه تعرض احتمالی، از سطح تحمل دشمن خارج شود. اگر واشنگتن و تل‌آویو بدانند که جنگ سه‌روزه در هندسه محاسباتی جمهوری اسلامی ایران یک افسانه است و پاسخ ایران، تمامی زیرساخت‌های حیاتی و نقاط ثقل نیروهای آنان در منطقه را به صورت همزمان هدف قرار خواهد داد، محاسبات انتخاباتی آنان به سرعت تغییر کرده و گزینه نظامی از روی میز جمع خواهد شد. تصور محدود بودن واکنش ایران به حوزه نفوذ بازوهای مقاومت، خطای شناختی دیگری است که دستگاه های جاسوسی آمریکایی و صهیونیستی را به ورطه سوءمحاسبه می‌کشاند. در دکترین جدید دفاعی، تفکیک ناپذیری میدان‌های نبرد، به معنای آن است که هر ضربه‌ای به خاک ایران، پاسخی مستقیم، مهلک و بی‌مرز را در پی خواهد داشت که نه با زمان‌بندی آنها، بلکه با الگوی تهاجمی ایران آغاز و با ویرانی کامل دارایی‌های آنها در منطقه پایان می‌یابد؛ این یعنی گذار از دفاع ایستا به پاسخ فعال نامحدود.

فرمانده کل قوا بر ارتقای استفاده هدفمند از هوش مصنوعی در تحلیل داده‌ها تاکید کردند

فراجا؛ ستون مستحکم امنیت ایران

حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، فرمانده کل قوا در پیامی به مناسبت هفته نیروی انتظامی، ضمن قدردانی از مجاهدت و رشادت فرماندهی شجاع و باهوش و نیروهای غیور فراجا و خانواده‌های آنان، فراجا را ازستون‌های مستحکم امنیت کشور خواندند و تاکید کردند: تقویت همه جانبه نیروهای حافظ امنیت از جنبه‌های مختلف به‌خصوص ارتقای فناوری‌ها از جمله استفاده هدفمند از هوش مصنوعی، نقش مهمی در کیفیت و تسهیل ماموریت‌ها دارد.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

امنیت، از مهم‌ترین نعمات الهی است و برقراری آن در نقاط مختلف ایران عزیز، از شهرهای بزرگ تا جزئی‌ترین واحدهای جمعیتی در روستاها و محله‌ها، از مرزبانی‌های سخت در شرایط دشوار آب و هوایی و اقلیم‌های متنوع کوهستان‌ها تا دریاها، از دشت‌ها و جنگل‌ها تا مرکزی‌ترین نقاط کشور، مرهون رشادت و شجاعت نیروهای فداکار و زحمتکش فراجا به‌عنوان یکی از ستون‌های مستحکم امنیت کشور است.

این امنیت ابعاد مختلف اجتماعی، اخلاقی و آسایش عمومی را در جامعه فراهم می‌کند و چنین خدمت ارزشمندی علاوه بر جهاد فی سبیل‌الله، از پشتوانه اجتماعی قوی برخوردار است. نقش پررنگ فراجا در سطوح مختلف از رده‌های فرماندهی و ستادی تا کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها برای تامین امنیت در سال‌های اخیر برجستگی بیشتری یافته است و نشانه‌های این تاثیر در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم آشکارتر شد.

تمرکز و اصرار دشمن جنایتکار آمریکایی ـ صهیونی برای ضربه زدن به رده‌های مختلف فراجا از بالاترین سطوح تا سرپنجه‌های آن نیز اهمیت این نهاد را بیش از پیش عیان نمود. اما این تلاش مذبوحانه و ضربات خباثت‌آلود به ارکان نظم و امنیت جامعه که مشابهی برای آن در طول تاریخ موجود نیست، باعث نشد تا نیروهای شجاع فراجا ذره‌ای از ماموریت خود کوتاه بیایند و حتی در خیابان‌ها و خودروها، همان نقش و وظایفی که در امکنه و مقرهای خود ایفا می‌کردند را به انجام رساندند.

به همین جهت ملت مظلوم و مقتدر ایران، قدردان زحمات و تلاش‌های بی‌وقفه خدمتگزاران به امنیت کشور هستند و متقابلا نیروهای فراجا که همانند ارتش و سپاه از عمق جامعه برمی‌خیزند، با رفتار اعتمادآفرین خود می‌توانند اعتماد مردم را به این نهاد ارزشمند ارتقاء ببخشند. ممکن است خیلی از اوقات زحمات و فداکاری‌های حافظان امنیت، نزد برخی افراد عادی انگاری شود و همین مظلومیت و گمنامی است که اجرآنان را در پیشگاه الهی افزون می‌سازد. تقویت همه‌جانبه نیروهای حافظ امنیت از جنبه‌های مختلف انسانی، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خصوصا ارتقای فناوری‌ها از جمله استفاده هدفمند از هوش مصنوعی در تحلیل داده‌ها، نقش مهمی در کیفیت و تسهیل انجام ماموریت‌های فراجا دارد.

با درخواست علو درجات و رضوان الهی برای شهدای والامقام فراجا و قدردانی از همه خانواده‌ها و کارکنان، سربازان و نیروهای رشید و غیور خصوصا فرمانده شجاع و خستگی‌ناپذیر و باهوش فراجا و مجاهدت‌های ایشان؛ امیدوارم با دعای سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در اعتلای امنیت، اقتدار و عزت ایران اسلامی بیش از پیش موفق باشند.

در واکنش به سخنان ضدایرانی وزیر خارجه آمریکا مطرح شد

پاسخ بقایی به تحریف تاریخ توسط یک گاوچران

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به ادعاهای مطرح‌شده از سوی مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا در رابطه با ایران در جریان سخنرانی در آتن یونان، در شبکه ایکس نوشت: مارکو روبیو در آکروپولیس، با ارائه روایتی انحرافی، تاریخ غرب را از یونان باستان تا آمریکای ترامپ، به خطی مستقیم و یکپارچه فرو کاسته است. این دقیقا مصداق آناکرونیسم است؛ تحریف زمان تاریخی از طریق درهم آمیختن ناشیانه مفاهیمی چون یونان، روم، مسیحیت، اروپا، آمریکا و سرانجام «اول آمریکا» گویی آمریکا به این نتیجه رسیده است که بهتر است به جای قلدری عریان با زبان گاوچران‌ها، سیاست ارعاب و زور خود را زیر چراغ‌های زیبای نئون فلسفه تاریخ برای دنیا توجیه کند.

روبیو مفهوم یونانی توموس را از زمینه تاریخی و فلسفی آن جدا کرده و آن را به ستایش قدرت، رقابت و اراده ملی بازتعریف می‌کند. اما تناقض بنیادی اینجاست که یونان فقط صحنه نمایش قدرت و شکوه نبود؛ یونان زادگاه تراژدی تکبر و تجاوز نیز بود (اسطوره تروا و ایلیاد هومر)، خاستگاه نقد قدرت بود (تاریخ جنگ پلوپونزی توسیدید)، زادگاه فلسفه سیاسی بود (جمهوری افلاطون و سیاست ارسطو) و زادگاه پرسش از حدود قدرت و مسئولیت انسان بود (آنتیگونه و ادیپ شهریار سوفوکل).

روبیو این نیمه دیگر را حذف می‌کند تا تاریخ را از عرصه پرسش و نقادی خالی نموده و آن را به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی سیاسی تبدیل کند. آنچه او عرضه می‌کند فلسفه تاریخ نیست؛ بلکه نسخه‌ای دستکاری‌شده و انحرافی از تاریخ است که برای توجیه سیاست‌های ستیزه‌جویانه و جنگ‌طلبانه دولت آمریکا و برساختن یک اسطوره سیاسی طراحی شده است؛ تقلایی عامدانه برای بازسازی گذشته به شکلی که سیاست امروز آمریکا، اجتناب‌ناپذیر و از حیث تاریخی مقدر به نظر برسد.

هنگامی که تاریخ به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به قدرت تبدیل شود، گام بعدی دیگر «فهم گذشته» نیست؛ بلکه «تقدیس قدرت» فی‌نفسه است.

کتاب آپوتئوز جنگ (The Apotheosis of War) اثر واسیلی ورشچاگین، هرم جمجمه‌های برجامانده از فاتحان را در برابر اسطوره شکوه و قدرت قرار می‌دهد؛ تصویری از آنچه باقی می‌ماند وقتی تاریخ به ستایش قدرت فروکاسته شود.

در چنین بزنگاه تاریخی، رسالت متفکران غربی دفاع از خود تاریخ- و از پیچیدگی فلسفی تمدن غرب- در برابر بازخوانی تحریف شده و توجیه‌گرانه‌ای است که یک قدرت توسعه‌طلب و ستیزه‌جو از آن ارائه می‌کند؛ قدرتی که همچنان می‌کوشد دستاوردهای انسانی یک تمدن را قربانی کند تا توسل بی‌قید و بند به زور را مشروعیت ببخشد.

خطر این روایت انحرافی از تاریخ، صرفا در بازخوانی نادرست وقایع گذشته نیست بلکه در مصادره به مطلوب گذشته در جهت مشروعیت‌بخشی به زور عریان و تقدیس آن در حال حاضر است.

شایان ذکر است، روبیو، وزیر خارجه آمریکا در سخنرانی اخیر خود در یونان، با اشاره به جنگ باستانی ایران و یونان، ریشه‌های جنگ امروز ایران و آمریکا را به یک جنگ تمدنی چند هزار ساله مرتبط می‌کند و می‌گوید تمدن غرب فقط ۱۰ سال فرصت دارد که دوباره تبدیل به قدرت مسلط جهانی بشود وگرنه وارد دورانی از ضعف و شکست خواهد شد.

روبیو از ایرانیان باستان به عنوان دشمن مهد تمدن غربی یعنی یونان باستان، یاد می‌کند و خشایارشاه، پادشاه هخامنشی، را مهاجم متجاوز می‌خواند.

پهلوی به آغوش ادلسون‌ها رفت

رضا پهلوی در ضیافت قاتلان ملت



رضا پهلوی، سرکرده فرقه تروریستی سلطنت‌طلب طی روزهای اخیر مجددا با میریام ادلسون، دیدار کرده است. این تروریست پیشتر نیز در کنفرانس امنیتی مونیخ با این زن صهیونیست دیدار کرده بود.

انتشار تصویر رضا پهلوی در کنار میریام ادلسون، میلیاردر صهیونیستی-آمریکایی و بزرگ‌ترین حامی مالی ترامپ، بازهم خبرساز شده است. میریام ادلسون، همسر شلدون ادلسون است که خواستار بمباران هسته‌ای ایران شده بود. اما آنها کیستند و چطور و چرا سیاست آمریکا درباره ایران را پیش می‌برند؟

شلدون گری ادلسون، سرمایه‌دار آمریکایی صنعت کازینو در لاس‌وگاس، تا زمان مرگش در سال ۲۰۲۱ یکی از اثرگذارترین حامیان مالی حزب جمهوری‌خواه بود. همسرش، میریام ادلسون، پزشک متخصص درمان اعتیاد و چهره شناخته شده جامعه یهودی آمریکا و اسرائیل، پس از او نه تنها میراث اقتصادی بلکه نقش سیاسی او را نیز ادامه داد. این زوج در سه حوزه همزمان فعال بودند: کسب و کار جهانی، پروژه‌های رسانه‌ای صهیونیست‌محور و تامین مالی کلان سیاست انتخاباتی آمریکا. پیوند آنها با اسرائیل صرفا عاطفی یا نمادین نبود، بلکه ساختاری و چندلایه بود. شلدون ادلسون بنیان‌گذار و تامین کننده اصلی روزنامه رایگان اسرائیل‌هیوم بود؛ رسانه‌ای که در تحلیل‌های مطبوعات عبری به عنوان بازیگر مهم در فضای سیاسی راست‌گرای اسرائیل و نزدیک به بنیامین نتانیاهو توصیف شده است. گزارش‌ها از زیان‌دهی مالی قابل توجه این روزنامه سخن گفته‌اند، اما همزمان بر تاثیرگذاری سیاسی آن در بازار رسانه‌ای اسرائیل تاکید کرده‌اند.

ادلسون؛ قمارباز بزرگ لاس‌وگاس

چندی پیش یک کاربر آمریکایی پرمخاطب شبکه اجتماعی ایکس درباره میریام ادلسون، اصلی‌ترین حامی مالی رژیم صهیونی و حزب جمهوری‌خواه در آمریکا، نوشت: این فاحشه پلید به اسم مبارزه با اعتیاد، شبکه قمار و کازینوهای خود را گسترش داد و میلیاردها دلار به جیب زد و زندگی آمریکایی‌ها را نابود کرد؛ بعد هم برگشت و از آن ثروت برای خرید سیاستمداران آمریکایی، تامین مالی نسل‌کشی در فلسطین، تامین مالی توسعه غیرقانونی شهرک‌های کرانه باختری و تاثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا از طریق خرید انتخابات استفاده کرد. او مالک ترامپ ماست. هیچ آمریکایی به او رأی نداده، با این حال او بیش از میلیون‌ها شهروند برکنگره نفوذ دارد. او پشت شکست سناتورهای ضد ترامپ در انتخابات است.

میریام ادلسون، زن شلدون ادلسون است که تا زمانی که زنده بود، بزرگ‌ترین کمک‌های مالی را به حزب جمهوری‌خواه و نامزدهای آن از جمله ترامپ انجام می‌داد و یکی از تامین کنندگان مالی پروژه‌های حزب لیکود و شخص نتانیاهو محسوب می‌شد. ثروت نجس و نحس او که تقریبا به طور کامل از قمارخانه‌داری به دست آمده بود، بعد از مرگش، به همسر او، میریام، رسید که این زن کریه‌صورت و کریه‌سیرت، دقیقا همان راه شوهرش را ادامه می‌دهد.

صهیونیسم‌پرستی پهلوی

دیدار اخیر رضا پهلوی با میریام ادلسون، گواهی بر ایران ستیزی آشکار خاندان منحوس پهلوی و ته‌مانده فاسد این خاندان یعنی رضا پهلوی است. ادلسون‌ها، از حمله اتمی به ایران و کشتار ایرانیان در حد وسیع حمایت می‌کنند و از حامیان مالی ارتش رژیم صهیونیستی نیز محسوب می‌شوند. همان ارتشی که دو جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه را به ایران تحمیل کرد و هزاران هموطن ما را به خاک و خون کشید. حالا رضا پهلوی به دست بوسی میریام ادلسونی رفته که دشمن شماره یک مردم ایران است و آرزویی جز نابودی ملت ایران در سر ندارد.

خاندانی که پایه‌های حکومتش بر کودتای اجنبی بنا شده بود، امروز نیز برای احیای رویای تب‌آلود بازگشت، به دامن خون‌آلودترین لابی‌های صهیونیستی پناه برده است. رضا پهلوی با نشستن بر سر سفره ادلسون‌ها که دست‌شان به خون هزاران کودک فلسطینی و لبنانی و ایرانی آلوده است، پرده از ماهیت اصلی جریانی برداشت که ایران را تنها به عنوان ملک طلق برای باج‌دهی به دشمنان قسم‌خورده این مردم می‌بیند. این تصویر، نه نماد قدرت، که سند رسوایی یک آواره سیاسی است که برای جلب حمایت صهیونیست‌ها، به وطن‌فروشی روی آورده است.

تکدی‌گری سیاسی از کسانی که علنا خواهان هیروشیما کردن ایران هستند، نقطه پایان ادعای ناسیونالیسم پهلوی است. وقتی میریام ادلسون به‌عنوان نماد تندروی و جنگ‌طلبی، طرف اصلی مذاکره رضا پهلوی می‌شود، مشخص است که نسخه آنها برای آینده ایران، چیزی جز ویرانی کامل نیست. این پیوند نامیمون، پیامی صریح به ملت ایران است: جریان سلطنت‌طلب مستأصل، نه تنها در میان مردم جایگاهی ندارد، بلکه برای بقا، ناچار است خود را به بازوهای نظامی رژیم اشغالگر گره بزند.

رضا پهلوی با دست‌بوسی ادلسون‌ها، نشان داد که برای او، تخت پادشاهی از خون مردم ایران ارزش بیشتری دارد. ائتلاف پهلوی و ادلسون، پیوند میان یک آواره بی‌اعتبار و یک جنگ‌طلب جنایتکار برای فروپاشی ایران است. کسی که برای رسیدن به قدرت، به حامیان بمب اتم علیه ملت خودش پناه می‌برد، قبل از اینکه به ایران برسد، در زباله‌دان تاریخ غرق شده است.

رابطه ویژه ادلسون‌ها با ترامپ

شایان ذکر است، رابطه ادلسون‌ها با ترامپ، قاتل کودکان میناب، فقط به پول ختم نمی‌شود، بلکه در سطح راهبردی و سیاسی نیز دیده می‌شود. در سال ۲۰۱۸، میریام ادلسون از ترامپ نشان آزادی ریاست جمهوری دریافت کرد. افزون بر آن، گزارش رویترز در اکتبر ۲۰۲۵ نقل می‌کند که ترامپ در سخنرانی در کنست اسرائیل، از نقش ادلسون‌ها در شکل‌دهی تصمیماتی مانند به رسمیت شناختن بیت‌المقدس یا اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل، انتقال سفارت آمریکا و به رسمیت شناختن حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان یاد کرده است. این روایت نشان می‌دهد که خود ترامپ، رابطه با ادلسون‌ها را فراتر از حمایت انتخاباتی داخلی و کاملا مرتبط با اهداف سیاست خارجی اسرائیل می‌داند.

نگاه شلدون و میریام ادلسون به ایران را باید در بستر پیوند عمیق آنان با امنیت اسرائیل، سیاست حزب جمهوری‌خواه آمریکا و مخالفت ساختاری با جمهوری اسلامی ایران فهمید. برای شلدون ادلسون، ایران پیش از آنکه یک پرونده دیپلماتیک باشد، یک تهدید راهبردی علیه اسرائیل تلقی می‌شد. موضع تند او به طور علنی در سال ۲۰۱۳ آشکار شد، زمانی که در یک نشست عمومی پیشنهاد کرد ایالات متحده برای وادار کردن ایران به عقب‌نشینی، یک انفجار هسته‌ای در یک بیابان ایران انجام دهد و در صورت عدم تمکین، سپس تهران را هدف قرار دهد!



حامد علامتی، مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان:

پاسخ ما به کودک‌کشی دشمن، پرورش نسلی برای ساخت ایرانی آباد تر است

قلمی که اتحاد را به تصویر کشید

احیای مفهوم مقاومت و پیروزی در «خط نصر»



کارگاه «خط نصر» آغازگر مسیری است که در آن، خطوط هنری خوشنویسان نه فقط به عنوان آثار نمایشگاهی، بلکه برای بیان مفاهیمی چون «مقاومت» و «پیروزی» در فضای عمومی جامعه به نمایش درآمد.

به گزارش خبرنگار «مهر» کارگاه یک روزه «خط نصر» با حضور ۵۰ تن از هنرمندان خوشنویس، با هدف روایت معانی متعالی پیروزی و گشایش، برگزار شد.

این رویداد که گردهمایی ۵۰ خوشنویس از سراسر ایران بود تا با الهام از آیات سوره مبارکه نصر، پیوند میان هنر و مفاهیم پیروزی و ایستادگی را به تصویر بکشند، فراتر از یک تمرین هنری، پاسخی هنری به نیاز روز جامعه برای بازخوانی مفاهیم نصرت و ایستادگی است.

در این کارگاه، هنرمندان با نگاهی متفاوت به آیات این سوره، تلاش کردند تا پیوند میان گذشته، هنر و واقعیت‌های امروز را در قالب نقش‌هایی ماندگار برقرار کنند. همچنین، جلیل رسولی هنرمند پیشکسوت خوشنویسی و نقاشی خط، از این کارگاه بازدید کرد.

این کارگاه آغازگر مسیری است که در آن، خطوط هنری خوشنویسان نه فقط به عنوان آثار نمایشگاهی، بلکه برای بیان مفاهیمی چون «مقاومت» و «پیروزی» در فضای عمومی جامعه به نمایش درمی‌آید تا پیام «نصر من الله» در شرایط سخت، همچنان زنده و پویا بماند.

خوشنویسی در فرهنگ ایرانی هیچ‌گاه فقط «زیبا نوشتن» نبوده است؛ آیینه‌ای است که حال جمعی یک ملت را در خود نگه می‌دارد. وقتی کلمات از دهان بیرون می‌آیند، دود می‌شوند و می‌روند؛ اما وقتی با مرکب بر کاغذ می‌نشینند، به حافظه‌ای ماندگار بدل می‌شوند. در شرایط جنگی، همین ویژگی، خوشنویسی را به ابزاری برای ثبت و انتقال همدلی تبدیل می‌کند.

در روزهایی که خبر به سرعت آتش منتشر می‌شود و شعارها در یک لحظه اوج می‌گیرند و فروکش می‌کنند، خوشنویسی عمدا فعالیتی کند است. خوشنویس باید نفس بگیرد، دوات را نگه دارد و حرف به حرف شکل‌ها را از نو بسازد. این کندی، خودش نوعی ابراز همدلی است؛ «من برای حرف تو وقت گذاشتم». در بحران، وقت گذاشتن یعنی احترام گذاشتن. کتیبه‌ها و پرده‌نوشته‌هایی که در مساجد، حسینیه‌ها و خیابان‌ها نصب می‌شوند، دقیقا همین معنا را منتقل می‌کنند.

خوشنویسی در ایران میراث مشترکی است که از خراسان تا آذربایجان و از فارس تا خوزستان کشیده شده است. وقتی در شرایط جنگی، هنرمندان با یک خط و یک سنت به سراغ موضوعی مشترک می‌روند، عملا چیزی بیش از آفرینش هنری رخ می‌دهد؛ وحدت فرهنگی از دل تفاوت‌های قومی و زبانی بیرون می‌آید. پرده‌نوشته‌هایی که در شهرهای مختلف با یک سبک نوشته می‌شوند، به مردم یادآوری می‌کنند که دردشان مشترک است، نه چون هم‌شهرند، بلکه چون هم‌میراث هستند.

وقتی جامعه خوشنویسی در جهت اتحاد و همدلی برمی‌آید

میرحید رموسوی، هنرمند خوشنویس و مدیرعامل انجمن خوشنویسان ایران در گفت‌وگو با خبرنگار «مهر» درباره این رویداد بیان کرد: همه ما ارادت ویژه‌ای به عبارات قرآنی داریم و این اتفاق، اتفاق خوب و تجربه بسیار ارزشمندی برای جامعه خوشنویسی است. در این برنامه، هنرمندان یک مطلب واحد را با ترکیبات مختلف، ذهن‌های متفاوت و خلاقیت‌های گوناگون می‌بینند. هرکدام جایگاه خود را در ترکیب بندی و انتخاب ژانر درمی‌یابند و خلأهایی که می‌توانستند اجرا کنند اما نکردند، بهتر متوجه می‌شوند.

وی افزود: این بخش فنی کار است که بسیار خوب است؛ هر خوشنویس خود را می‌سنجد، ضعف‌های خود را متوجه می‌شود، قوت دیگران را می‌بیند و می‌کوشد قوت‌های دیگران را در خود به قوت تبدیل کند و ضعف‌هایش را نیز برطرف سازد.

این خوشنویس درباره انتخاب این سوره در این مقطع زمانی عنوان کرد: انتخاب این سوره در این موقعیت و این مقطع زمانی، مقوله بسیار مهمی بوده که در نظر گرفته شده است؛ چراکه الان ما در شرایط جنگی قرار داریم و سوره نصر در این شرایط، حرکتی است که جامعه خوشنویسی در جهت اتحاد، همدلی و همبستگی بین مردم می‌تواند انجام دهد و حرکت بسیار خوبی است.

وی تصریح کرد: البته این به آن معنا نیست که دولت به مردم توجه نداشته باشد؛ ما کاستی‌های زیادی در جامعه‌مان داریم. حرفمان را باید بزنیم، خواسته‌مان را باید بگوییم و مطالبه‌گری کنیم. وضعیت معیشتی مردم بسیار مهم است و باید در درجه اول نگاه حاکم بر جامعه به این سمت برود که هرآنچه مصلحت جامعه و آینده ایران است، در نظر گرفته شود.

موسوی گفت: طبیعی است که عده‌ای مخالف صلح و آرامش و عده‌ای موافق جنگ باشند و در جامعه تفکرات متفاوت وجود داشته باشد اما بحث من فقط این است که هنرمندان همان‌گونه که همیشه پای کار بودند، همیشه در صحنه حضور پیدا کردند و هیچ‌گاه عرصه فرهنگ و هنر را خالی نگذاشتند.

نقش هنرمند در جذب پیروزی

علیرضا امین‌مقدم، هنرمند خوشنویس نیز در گفت‌وگو با «مهر» توضیح داد: بنده حدودا چهل و خورده‌ای سال است که در محضر اساتید خوشنویسی می‌کنم و درس پس می‌دهم. مرکز هنرهای تجسمی با همکاری انجمن خوشنویسان، در واقع جمعی از هنرمندان را تشویق کرده‌اند که در شرایط کنونی دور هم جمع شوند و نقش خود را به عنوان هنرمند در شرایط کنونی ایفا کنند. یکی از مواردی که در شرایط کنونی به نظر می‌رسید مهم‌تر از سایر موارد باشد، به‌ویژه در مضامین قرآنی، سوره فتح و سوره نصر بود. سوره فتح بخشی و سوره نصر بخش دیگری از این طرح را تشکیل می‌دهد اما در نهایت سوره نصر انتخاب شد تا هنرمندان در شرایط کنونی گرد هم آیند و با ارائه آثار فاخر هنری در چنین مجموعه‌ای، نقش خود را به عنوان هنرمند در شرایط کنونی ایفا کنند.

وی با اشاره به پیام سوره نصر بیان کرد: این سوره به‌صورت مشخص اشاره می‌کند که اگر مؤمنان استقامت داشته باشند و در راه مستقیم پایمردی کنند، قطعا فتح و نصرت با این گروه همراه خواهد بود.

امین مقدم گفت: نقش هنرمند این است که با ارائه اثر فاخر هنری، چشم بیننده را بر این مضامین متمرکز کند تا از طریق این مضامین، حال و هوای مردم ما به سمت نصرت، پیروزی و شرایط کنونی جلب شود. ان شاءالله که ختم به خیر شود و مردم ما به سمت پیروزی حرکت کنند.

ایستادگی مردم چگونه به امضای فرمان مشروطه ختم شد

مشق ایستادگی

کاغذی ساده با حاشیه‌های سپید و خط شکسته نستعلیقی مایل که واژه‌هایش زیر فشار قلم فرورفته‌اند، هرگز یادگاری از سر مهر و بخشش اریکه‌نشینان نبود. وقتی جوهر فرمان مشروطه و پس از آن دست‌خط ناگزیر محمدعلی شاه مبنی بر تایید و التزام به اجرای قانون بر صفحه نشست، دارالخلافه تهران بوی تند باروت، فریادهای تحصن‌کنندگان در بهارستان و ولوله بازاریان اعتصابی را در سینه فرو برده بود. شاهان قاجار قلم به دست نگرفتند مگر آن‌گاه که خیابان و سنگر، مجالی برای انکار باقی نگذاشت. «مشق ایستادگی» در عصر مشروطه‌خواهی ایران، سرآغازیک جهش تاریخی در روان‌شناسی جمعی ماست؛ بزنگاهی که در آن، رعیت به اراده خود ردای شهروندی پوشید و دریافت که حق، نه انعام ملوکانه، بلکه دستاوردی است که تنها در کوره پایداری ملی صیقل می‌خورد. این روایت خطوط لرزان قدرت در برابر سطرهای روشن مقاومت ملتی است که ایستادن را برگزید.

پیش از ورود به متن این کارزار تاریخی، باید معنای واژه‌ای را روشن کرد که بارها در اسناد آن دوران به چشم می‌خورد: «توشیح». در ادبیات اداری و دیوان‌سالاری کهن قاجار، توشیح به معنای صحه گذاشتن، تایید رسمی یا نوشتن عبارتی کوتاه با خط سلطان یا مقام عالی‌رتبه در حاشیه یا بالای یک سند دولتی بود تا آن نوشته جنبه اجرایی پیدا کند. ریشه کلمه از «وشاح» به معنی گردنبند یا حمایل می‌آید؛ یعنی آراستن و ممهور ساختن سند به نشان اراده حاکم.

اما در این سند تاریخی، توشیح شاهانه نه نشانه‌ای از اقتدار، بلکه بازتابی از استیصال دستگاه استبداد در برابر امواج سهمگین بیداری عمومی بود. این دست‌خط‌ها با اکراه تمام نوشته شدند و هر خط آن به جای نمایش شکوه سلطنت، گواهی بر مهار قدرت توسط اراده توده‌ها بود.

جوهری که زیر سایه باروت چکید

نگاه دقیق به این کاغذ کهن، تصویری کاملا متفاوت از پندارهای رایج درباره اسناد سلطنتی ارائه می‌دهد. در این برگ تاریخی هیچ نشانی از زرنگاری، نقوش تذهیب، شمسه‌های طلاکاری‌شده یا طره‌های لاجوردی درباری دیده نمی‌شود. سند، بر صفحه‌ای کاملا ساده، بی‌تکلف و بی‌پیرایه جاری شده است؛ گویی شتاب رویدادها، غریو فریادهای مردم پشت دیوارهای دارالخلافه و التهاب روزگار، حتی مجالی برای آراستن حاشیه‌ها باقی نگذاشته بود. خط شکسته نستعلیق سند با کشیدگی‌های تند، کج‌شدگی سطرها و عباراتی که در حاشیه چپ به بالا متمایل شده‌اند، سند اضطراب و عجله دستگاه سلطنت است.

این دست‌خط‌ها محصول آسودگی کاخ گلستان نبودند. آنها در میانه اعتصاب‌های کمرشکن بازار تهران، بست‌نشینی‌های پی‌درپی در سفارتخانه و مساجد و صفوف فشرده مردم در بهارستان شکل گرفتند. وقتی مظفرالدین شاه در بستر احتضار آن را امضا کرد، در حقیقت به قدرت خیابان گردن نهاده بود. اما بوته آزمایش اصلی زمانی سر برآورد که محمدعلی شاه تاج بر سر گذاشت؛ مستبدی که خیال بازگرداندن ساعت زمان را در سر می‌پروراند. دست‌خط معروفی که او پس از تنش‌های نفسگیر در پذیرش مشروطیت و اعلام لازم‌الاجرا بودن مصوبات مجلس نگاشت، سندی آشکار از ناتوانی قدرت سنتی در برابر آگاهی نوین ملت بود. او متنی نوشت تا خشم فزاینده را مهار کند، اما جوهر آن خطوط ناهموار خشک نشده بود که لوله‌های توپ لیاخوف روسی به سوی خانه ملت نشانه رفتند تا ثابت کنند هیچ سندی بدون اهرم پایداری عمومی ارزش حقوقی نخواهد داشت.

شکل‌گیری فرهنگ مقاومت به سود سرنوشت ایران

مهم‌ترین رویداد تاریخ معاصر ما در همان روزها رخ داد: مقاومت از خصلتی پراکنده و انفعالی، به یک «فرهنگ مقاومت ملی و زاینده» دگرگون شد که مستقیما به سود تمامیت و هویت ایران کارکرد. تا پیش از مشروطه، خیزش‌های مردمی واکنشی کوتاه‌مدت به ستم یک حاکم محلی، کمبود نان یا خشکسالی بودند؛ شورش‌هایی بی‌برنامه که با مرگ حاکم یا وعده‌ای دروغین فروکش می‌کردند.

اما فرهنگ مقاومتی که از درون مساجد، حجره‌های بازار، انجمن‌های مخفی و سنگرهای شهری جوانه زد، ماهیتی کاملا متفاوت داشت. این بار مردم تفنگ به دست نگرفتند تا پادشاهی را بردارند و فردی دیگر از همان تبار را بنشانند؛ آنها برای نخستین بار در تاریخ چند هزار ساله کشور، مفهوم انتزاعی «قدرت مشروط به قانون» را به مطالبه‌ای عینی تبدیل کردند. این روح پایداری نوین به سود کلیت ایران تمام شد، زیرا جامعه را از رخوت چندصدساله رهانید و نهاد «ملت» را در برابر استبداد فردی پی‌ریزی کرد. مردم فهمیدند که سرنوشت خاک، میراث ارثی شاهان قاجار نیست، بلکه امانتی جمعی در دستان ساکنان این سرزمین است.

روح پایداری در رگ و پی توده‌ها

در جریان این نبرد تاریخی، روان‌شناسی ایرانی به شکلی بنیادین بازسازی شد. رعیت دیروز که سرنوشت خود را تقدیر محتوم فلک می‌دانست، ناگهان دریافت که اراده او می‌تواند مسیر تاریخ را تغییر دهد. این روح پایداری به شکلی حیرت‌انگیز در میان همه طبقات جامعه جوشید. بقال و نانوا، طلبه و بازاری، نویسنده و دهقان، زنجیره‌ای از همبستگی ساختند که در تاریخ این مرز و بوم سابقه نداشت. شب‌نامه‌ها شبانه از زیر درها پخش می‌شدند، صندوق‌های مالی برای حمایت از خانواده‌های مجاهدان شکل گرفتند و انجمن‌های ولایتی به اتاق‌های فکر مقاومت تبدیل شدند. این جوشش تنها یک کنش سیاسی نبود، بلکه تولد یک حس جدید از شرافت انسانی به شمار می‌رفت. مرگ در سنگر دفاع از قانون، دیگر تلف شدن به حساب نمی‌آمد؛ شهادت در راه وطن و آزادی بود. پایداری دیگر نه بارگرانی بر دوش مردم، بلکه منبعی برای افتخار جمعی و بازیابی غرور پایمال‌شده در برابر نفوذ بیگانگان و استبداد خانگی شد.

تبریز؛ کانون جوشش مقاومت و باروی تاب‌آوری ملی

اوج این دگرگونی شگفت در مقاومت ۱۱ ماهه تبریز در دوران استبداد صغیر رخ داد؛ زمانی که محمدعلی شاه با بمباران مجلس گمان می‌کرد مشروطه را برای همیشه خاموش کرده است. پایتخت در سکوت سنگین حکومت نظامی فرورفته بود، اما در تبریز آتشی روشن شد که خاکستر تمام ایران را شعله‌ور ساخت. قحطی هولناک، محاصره سپاهیان دولتی و مسدود شدن راه‌های آذوقه، محله‌های امیرخیز و خیابان را به محاصره درآورد، اما اراده اهالی تبریز نشکست.

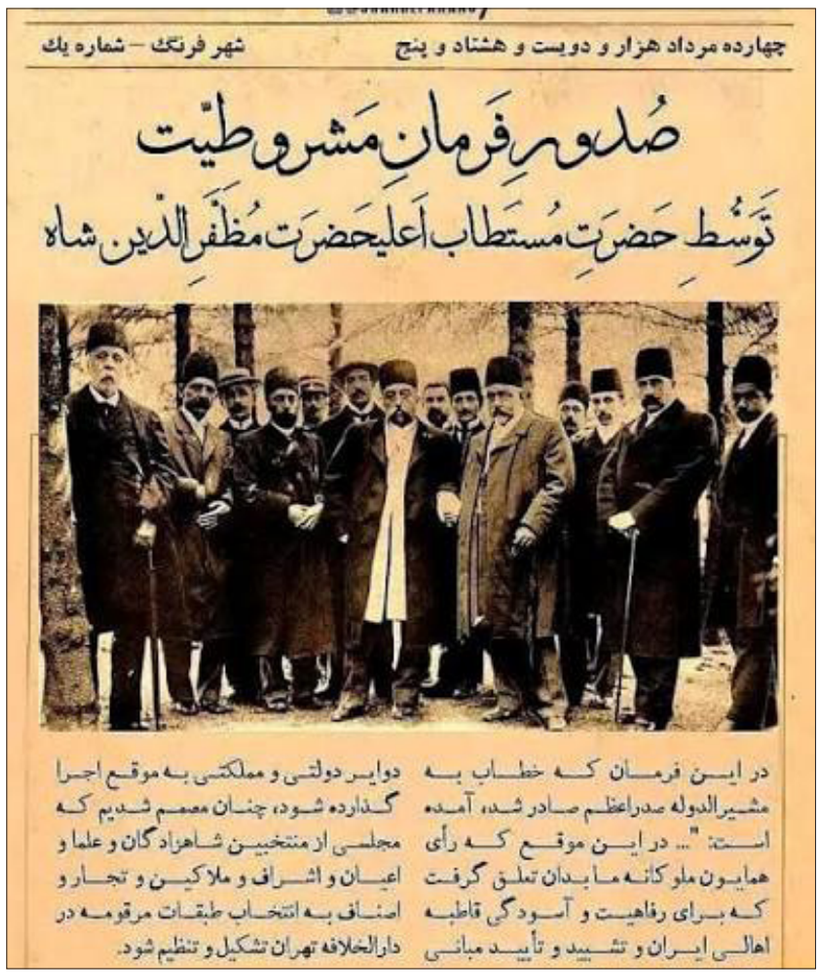
مردم ریشه گیاهان صحرا را می‌خوردند اما سنگرها را رها نمی‌کردند. ستارخان و باقرخان پیشاهنگ این ایستادگی بودند، اما حماسه راستین را مردم کوچه و بازار خلق کردند. زنان در این کارزار تاریخی نقشی بی‌مانند ایفا کردند؛ آنها با لباس مردانه دوشادوش مردان فشنگ حمل می‌کردند، پنهانی برای سنگرها غذا می‌پختند و پیکر فرزندان خود را بدون اشک به خاک می‌سپردند تا صفوف رزمندگان سست نشود.

این همان جوشش اصیل روح پایداری بود که نشان داد مشروطه یک تب فکری وارداتی نیست، بلکه پاسخی ریشه‌دار به تحقیر تاریخی ملتی کهنسال است. ایستادگی تبریز انگیزه لازم را برای دیگر نقاط کشور ساخت تا نیروهای گیلان و سواران بختیاری آماده حرکت شوند و استبداد را از ریکه قدرت به زیر بکشند.

زایش مفهوم هویت مشترک از دل سنگرها

شاید درخشان‌ترین ثمره فرهنگ مقاومتی که در آن سال‌ها شکل گرفت، اتحاد تیره‌ها و تبارهای مختلف ایرانی بود. در مسیر فتح تهران و در دفاع از دستاوردهای ملت، تفاوت‌های قومیتی، زبانی و مذهبی رنگ باختند. مجاهدان مسلمان و ارمنی در کنار هم سنگر بستند، ایل بختیاری با دهقانان شمال هم‌قسم شدند و بازاریان تهران به یاری سواران ولایات شتافتند.

این تجربه زیسته، بنیان‌های یک هویت ملی نوین را رقم زد؛ هویتی که بر پایه پیوند اراده‌ها برای استقرار قانون و عدالت شکل گرفت، نه بر اساس سرسپردگی به دربار همایونی. دست‌خط‌های لرزان شاهان قاجار نتوانستند سدی در برابر این موج فراگیر بسازند، زیرا اراده مقاومت از چارچوب ارعاب سلطنتی فراتر رفته بود. ایران از مجموعه‌ای از ولایات پراکنده، به کشوری تبدیل شد که ساکنان آن یک آرمان مشترک به نام قانون‌مداری داشتند.



چهارده مرداد هزار و دویست و هشتاد و پنج — شهر فرنگ — شماره یك

صُدور فرمان مشروطیّت

توسّط حضرت مستطاب اعلیحضرت مظفرالدین شاه

در این فرمان که خطاب به مشیرالدوله صدراعظم صادر شده، آمده است: "... در این موقع که رأی همایون ملوکانه ما بدان تعلق گرفت که برای رفاهیت و آسودگی قاطبه اهالی ایران و تشیید و تأیید مبانی دوایر دولتی و مملکتی به موقع اجرا گذارده شود، چنان مصمم شدیم که مجلسی از منتخبین شاهزادگان و علما و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافه تهران تشکیل و تنظیم شود.

میراث جاودان مشق ایستادگی

بررسی آن خطوط ناهموار و نامه‌های تاریخی نشان می‌دهد که هیچ حقی بدون هزینه به دست نمی‌آید و هیچ فرمانی در صورت غیاب مقاومت پایدار نخواهد ماند. دست‌خط محمدعلی شاه مبنی بر لازم‌الاجرا بودن مشروطه، تنها یک کاغذ کهنه نیست؛ یادبودی از لحظه‌ای است که استبداد زیر بار فشار یکپارچه جامعه مجبور به عقب‌نشینی شد. هرچند نهضت مشروطه با فراز و فرودها، دخالت‌های خارجی، انحرافات سیاسی و سرانجام هرج‌ومرج روبه‌رو شد، اما روحی که در آن سال‌ها در کالبد این خاک دمیده شد، هرگز از میان نرفت. فرهنگ مقاومتی که در آن عصر شکل گرفت، حافظه تاریخی ملت را دگرگون ساخت و این باور خدشه‌ناپذیر را بر جای گذاشت که سرنوشت ایران نه در نهان‌خانه‌های کاخ‌ها، بلکه در عمق اراده و ایستادگی مردمانش تعیین می‌شود؛ مشقی سترگ از ایستادگی که تا امروز چراغ راه پایداری ملی ماست.

«ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران» اثر فریدون آدمیت



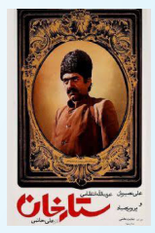
فریدون آدمیت در این اثر پژوهشی، به واکاوی ریشه‌های فکری، مفاهیم نوین و بنیان‌های نظری فرهنگ مقاومت در عصر مشروطه پرداخته است. کتاب با تکیه بر اسناد دست اول، روزنامه‌ها، شب‌نامه‌ها و رساله‌های سیاسی آن دوره نشان می‌دهد که پایداری مردم تنها نبردی فیزیکی با قزاق‌ها نبود، بلکه بر پایه فهمی تازه از حق، حاکمیت قانون و نفی سلطه مطلقه شکل گرفت. آدمیت نشان می‌دهد اندیشه‌ورزان چگونه با واژه‌سازی‌های تازه، راه را برای پرسشگری ملت گشودند و ادعاهای سلطنتی را بی‌اثر ساختند. این اثر سنگ بنای شناخت تحول در اندیشه سیاسی ایران و چگونگی پیوند تفکر انتقادی با ایستادگی مدنی و مقاومت ملی به شمار می‌آید.

«قیام آذربایجان و ستارخان» اثر اسماعیل امیرخیزی



امیرخیزی به عنوان منشی، مشاور و همراه همیشگی ستارخان، اثری عمیقا ملموس، پرجزئیات و موثق از درون سنگرهای تبریز نگاشته است. این کتاب خواننده را از تئوری‌های انتزاعی به کوچه پس کوچه‌های قحطی‌زده تبریز و خطوط مقدم نبرد با نیروهای محمدعلی شاه می‌برد. امیرخیزی با نثری گیرا، چگونگی مدیریت روحی مردم، ایستادگی در برابر نامه‌ها و تطمیع‌های درباری و همبستگی همه طبقات شهر را شرح می‌دهد. او به شکلی بی‌پرده، نقش زنان، فداکاری جوانان گمنام و شجاعت اخلاقی مجاهدان را به تصویر می‌کشد. این کتاب سندی درخشان از روان‌شناسی پایداری جمعی و نمادی بی‌نظیر از مقاومت شرافتمندانه یک ملت در برابر ستم سازمان‌یافته است.

«ستارخان» ساخته علی حاتمی



علی حاتمی در این اثر سینمایی، روایتی دراماتیک، حسی و تلخ از مقاومت تبریز و چالش‌های مشروطه‌خواهان ارائه می‌کند. فیلم به جای اتکا به روایت‌های رسمی، به دنیای درونی مجاهدانی نفوذ می‌کند که در محاصره استبداد قاجار و توطئه‌های درباری، دست از پایداری برنداشتند. طراحی صحنه دقیق، دیالوگ‌های پرمعنا و نمایش تنهایی و غربت مردان سنگر، تصویری ماندگار از آن روزگار آفریده است. اثر حاتمی نشان می‌دهد که چگونه وعده‌ها و دست‌خط‌های شاهان در برابر اراده استوار رزمندگان رنگ می‌باخت. این فیلم اثری درخشان در بازآفرینی فضای فکری و تنش‌های روانی عصری است که مقاومت در آن به تنها راه دفاع از کرامت انسانی تبدیل شد.

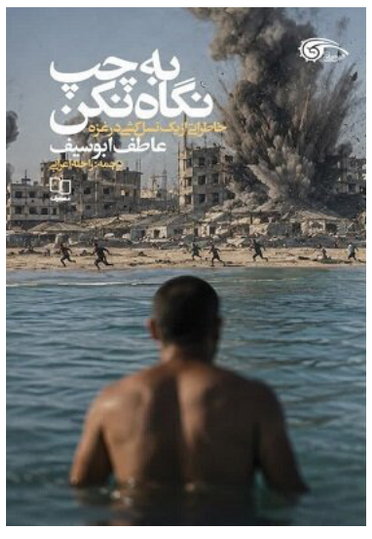
«روزگار قریب» ساخته کیانوش عیاری



مجموعه تلویزیونی فاخر کیانوش عیاری، هرچند پیرامون زندگی دکتر محمد قریب است، اما در بخش‌های آغازین خود یکی از واقع‌گرایانه‌ترین، دقیق‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین تصاویر را از زندگی مردم در دوران استبداد صغیر و بمباران مجلس ارائه می‌دهد. عیاری با مهارتی کم‌نظیر توانسته است وحشت عمومی، تعلیق، بیداری کوچه‌ها و واکنش توده‌ها به فریبکاری‌های دربار را بازسازی کند.

فیلم‌ساز بدون شعارزدگی، پیوند عمیق میان فقر روزمره و عطش آزادی را در محله‌های سنتی تهران به تصویر می‌کشد. این سریال نشان می‌دهد چگونه روح مقاومت در تار و پود خانواده‌های ایرانی تنیده شد و چگونه دست‌خط‌های پوشالی پادشاهان در پیشگاه آگاهی جوشان جامعه رنگ باختند.

روایت ۸۰ روز زندگی یک خبرنگار در دل جنگ غزه منتشر شد



کتاب «به چپ نگاه نکن» با ترجمه راحله اعرابی، روایتی ۸۰ روزه از روزهای نخست جنگ غزه است که زندگی یک خبرنگار فلسطینی و پسر نوجوانش را در میانه محاصره، آوارگی و ناامنی روایت می‌کند.

«به چپ نگاه نکن» در قالب روایت و برای مخاطب بزرگسال منتشر شده و به سراغ یکی از مهم‌ترین مقاطع جنگ غزه رفته است؛ ۸۰ روز نخست درگیری‌هایی که زندگی مردم این منطقه را با تغییرات گسترده‌ای مواجه کرد. این کتاب از زاویه نگاه عاطف، خبرنگار فلسطینی، نوشته شده است؛ فردی که برای دیداری خانوادگی همراه پسر نوجوانش به نوار غزه رفته بود، اما با آغاز جنگ و بسته شدن راه‌های خروج، ناچار شد اقامت خود را ادامه دهد. تفاوت این روایت با بسیاری از آثار جنگی، در موقعیت ویژه راوی است. عاطف در این کتاب نه صرفا یک خبرنگار و ناظر بیرونی، بلکه فردی است که خود و خانواده‌اش در متن بحران قرار دارند. او در جبالیا، محله‌ای که در آن بزرگ شده، در کنار اعضای خانواده و همکارانش روزهای آغاز جنگ را پشت سر می‌گذارد و همزمان تلاش می‌کند آنچه را در اطراف خود می‌بیند، ثبت کند.

کتاب در قالب یادداشت‌های روزانه پیش می‌رود و همین فرم، روایت را از تحلیل‌های کلی و نگاه‌های پسینی دور کرده است. راوی در هر روز تنها با آنچه در همان لحظه پیش روی خود دارد مواجه است؛ از کمبود مواد غذایی و دشواری دسترسی به آب گرفته تا تلاش برای برقراری تماس با اعضای خانواده و دوستانی که در مناطق دیگر حضور دارند. در این میان، جنگ در زندگی روزمره او و اطرافیانش خود را نه فقط در صدای انفجار، بلکه در صف‌های طولانی، کوچک شدن سفره‌ها، انتظار برای دریافت یک خبر و از دست دادن دوستان و همکاران نشان می‌دهد. با شدت گرفتن درگیری‌ها و دشوارتر شدن شرایط زندگی در شمال غزه، عاطف و خانواده‌اش ناچار به حرکت به سمت جنوب می‌شوند. این جابه‌جایی، بخش دیگری از روایت کتاب را شکل می‌دهد؛ روایتی از ترک خانه و محله‌ای که راوی با آن خاطرات کودکی دارد و رسیدن به اردوگاه آوارگان در رفح. در این بخش، محدودیت امکانات، نگرانی درباره وضعیت خانواده و دشواری دسترسی به ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی، تصویری متفاوت از جنگ ارائه می‌کند. در رفح، موقعیت دوگانه عاطف بیش از گذشته خود را نشان می‌دهد؛ او از یک سو خبرنگاری است که نمی‌تواند از کنار اتفاقات پیرامونش بی‌تفاوت عبور کند و از سوی دیگر پدری است که باید از پسر نوجوانش مراقبت کند. رابطه این پدر و پسر در طول ۸۰ روز، یکی از محورهای عاطفی کتاب را شکل می‌دهد و پرسش‌های نوجوان درباره ماندن، رفتن، ترس و آینده، بخشی از تجربه زیسته آنان در روزهای جنگ را نمایان می‌کند. در نهایت، پس از هفته‌ها انتظار، نام عاطف و پسرش در فهرست خروج قرار می‌گیرد و آنها امکان ترک غزه را پیدا می‌کنند؛ اما خروج، پایان تجربه آنها نیست. بخشی از خانواده در شمال باقی مانده‌اند و نگرانی درباره سرنوشت آنان همچنان با راوی همراه است. «به چپ نگاه نکن» تلاش می‌کند جنگ غزه را نه از دریچه آمار و تحلیل‌های کلان، بلکه از سطح زندگی یک خانواده، یک خبرنگار، یک محله و یک اردوگاه روایت کند؛ روایتی که با تکیه بر یادداشت‌های روزانه، تصویری نزدیک از ۸۰ روز زندگی در شرایط جنگی ارائه می‌دهد. کتاب «به چپ نگاه نکن» با ترجمه راحله اعرابی در انتشارات معارف منتشر شد.



مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس:

علوم اجتماعی ایران امروز درگیر یک انزوای عمیق نهادی شده است

شنبـه/ ۱۸ مهر ۱۴۰۵/ شماره ۶۵۹



وقتی سینمای کودک میان خاطره‌بازی و نسل جدید پل می‌زند

صراحت داوران

سی‌وهشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان شامگاه پنج‌شنبه شانزدهم مهر، همزمان با روز جهانی کودک، در مرکز همایش‌های بین‌المللی اصفهان به ایستگاه پایانی رسید. این دوره که به دبیری حامد جعفری برگزار شد، پس از چند دوره تردید درباره محل استقرار جشنواره، با یک اتفاق راهبردی در حافظه سینمایی کشور ثبت شد؛ امضای تفاهم‌نامه میان بنیاد سینمایی فارابی و شهرداری اصفهان با حضور سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، برای راه‌اندازی دبیرخانه دائمی جشنواره در اصفهان. این رخداد، رویای همیشگی فیلم سازان حوزه کودک برای پایان دادن به بلاتکلیفی مکانی این رویداد را به واقعیت نزدیک کرد.

سالن‌های پردیس سینمایی چهارباغ و سیتی‌سنتر اصفهان در روزهای برگزاری پر از هلهله و تکاپوی تماشاگرانی بود که صندلی‌ها را تا آخرین ردیف پر کرده بودند. فراتر از سالن‌های مجهز شهری، طرح «زنگ سینما» مدارس و اعزام ناوگان «سینما سیار» توانست فیلم‌ها را به بیش از ۱۴۰۰ دانش‌آموز در مناطق فاقد سالن سینما در پهنه استان اصفهان و حتی شهرستان میناب برساند؛ حضوری فراگیر که نشان داد تشنه بودن چشم‌های کودکان برای دیدن تصویر و خیال، مرز جغرافیایی نمی‌شناسد.

تجدید دیدار با ستاره‌های تلویزیون

در جدول نمایش فیلم‌های این دوره، چرخش محسوسی از ملودرام‌های تلخ و گزنده سال‌های گذشته به سمت تولیدات شاداب، موزیکال و متکی بر فانتزی به چشم می‌آمد؛ رویکردی که مشخصا با هدف آشتی دادن خانواده‌ها با گیشه سینمای کودک در پیش گرفته شده بود. برجسته‌ترین نماد این جهت‌گیری، فیلم ماجراجویانه «شوتینگا» به کارگردانی آرش معیریان و نویسندگی محمد مسلمی بود. این اثر پس از ۱۴ سال دوری عموهای فیتیله‌ای یعنی محمد مسلمی، علی فروتن و حمید گلی را در کنار بازیگرانی چون میرطاهر مظلومی، شهره سلطانی، سروش جمشیدی، مریم خدارحمی و هلیا امامی روبه‌روی دوربین قرار داد تا ماجرای سفر فانتزی چند همسفر به جزیره‌ای ناشناخته و پر از چالش‌های شگفت‌انگیز برای نجات دختری به نام پرینازرا با محوریت عاطفه مادر و فرزند تصویر کند. سالن‌های نمایش این فیلم شاهد دست زدن‌ها و خنده‌های کودکانی بود که با دکورهای رنگارنگ و موقعیت‌های شاد اثر همراه شدند.

در سمت دیگر، فیلم «عموی بچه‌ها» به کارگردانی احمد درویشعلی پور و تهیه‌کنندگی علی قائم مقامی توانست سالن‌ها را به سانس‌های فوق‌العاده برساند. داریوش فرضایی (عمو پورنگ) در این فیلم برای نخستین بار در قامت بازیگر سینما حاضر شد و همراه با نعیمه نظام‌دوست، هومن برق‌نورد، ایمان صفا، رامین ناصرنصیر و نادر سلیمانی داستانی نیمه‌زندگینامه‌ای با محوریت کانون خانواده را به نمایش گذاشت. بهره‌گیری از هوش مصنوعی برای بازآفرینی چهره مادر درگذشته فرضایی، بار احساسی عمیقی به اثر بخشید که اشک و تشویق تماشاگران را توامان به همراه داشت. افزون بر این آثار سرگرم‌کننده، اکران آثاری نظیر «من جاسوزنی نیستم» به کارگردانی منوچهر هادی با بازی علیرضا خمسه، یکتا ناصر و فرزند این کارگردان سوفیا هادی، و برترین نام‌های شناخته شده سینمای تجاری را در اصفهان تکمیل کرد.

صراحت لهجه خبرنگاران نوجوان

یکی از جذابیت‌های محسوس این جشنواره با تمام جشنواره‌های سینمایی، استقلال نظر و لحن نقادانه کودکان و نوجوانانی بود که در جایگاه داور و خبرنگار در جشنواره فعالیت می‌کردند. نشست‌های خبری تنها به جلسات تعارف و تشکر بدل نشد، بلکه نوجوانان در جلساتی پرحرارت، سازندگان آثار را با پرسش‌های بی‌پروا غافلگیر کردند. در نشست فیلم «من جاسوزنی نیستم»، پرسش‌های صریح یک خبرنگار نوجوان درباره دلیل کلیشه‌سازی از شخصیت کودک و افت کیفیت ساختار، چالش‌هایی جدی میان سازندگان و منتقدان نسل جدید رقم زد که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها یافت. این اتفاق نشان داد نسل نو دیگر مصرف‌کننده منفعل تصاویر نیست و ساده‌انگاری‌های رایج فیلم‌سازان بزرگسال را نمی‌پذیرد.

نقطه عطف پیوند با ذائقه مدرن این نسل را می‌شد در استقبال پرشور از پویانمایی سینمایی «ورکانا» به نویسندگی و کارگردانی سیدمیثم سجادی مشاهده کرد. این اثر نوآورانه که با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته هوش مصنوعی خلق شد، با قصه‌ای نامتعارف از ورود گیو پهلوان شاهنامه به ایران معاصر و تقابلش با نقاب‌دار گاتهام در دل جنگل‌های هیرکانی، زبان بصری تازه‌ای را به نمایش گذاشت و در نهایت هم توانست عنوان بهترین فیلم از نگاه مردمی و جایزه ویژه داوران کودک و نوجوان را نصیب خود کند.

پیام صریح هیات داوران با خالی گذاشتن صندلی زرین فیلمنامه

حضور چهره‌های شاخص سینما و ادبیات کودک از جمله گیتی خامنه، ایرج طهماسب، مریم سعادت، شبنم مقدمی، محمود کلاری، میثم مولایی و بابک خواجه‌پاشا در ترکیب داوران بخش مسابقه فیلم‌های بلند داستانی، نوید قضاوتی موشکافانه را می‌داد. مهم‌ترین بیانیه تخصصی این هیات، نه در جوایز اهداشده، بلکه در جایزه‌ای بود که به هیچ اثری نرسید؛ داوران با تصمیمی قاطع، پروانه زرین بهترین فیلمنامه را به دلیل ضعف‌های ساختاری و فقدان متن درخشان به هیچ اثری اهدا نکردند تا زنگ خطری جدی را برای سینمای ایران به صدا درآورند. صحبت‌های گیتی خامنه مبنی بر اینکه برای خنداندن کودکان نباید ساختار دراماتیک و کیفیت هنری قربانی شود، این رویکرد داوری را شفاف‌تر کرد.

با این وجود، پروانه‌های زرین در سایر بخش‌ها میان آثار برتر تقسیم شد. تندیس پروانه زرین بهترین فیلم کودک به امیررحیم‌زاده برای فیلم فانتزی «شوتینگا» تعلق گرفت و آرش معیریان نیز پروانه زرین بهترین کارگردانی را برای هدایت همین فیلم به خانه برد. شوتینگا در ابعاد فنی نیز درخشید و پروانه زرین بهترین دستاورد فنی جلوه‌های بصری را برای امیر ولی‌خانی و رضا محمودیان و دیپلم افتخار تدوین را برای حسن ایوبی به ارمغان آورد. از سوی دیگر، پروانه زرین بهترین فیلم نوجوان به فریدون نجفی برای ساخت اثر ریشه دارو بومی «عروس چشمه» رسید؛ فیلمی که با بازی النازشاکردوست و دانیال جعفری روی پرده رفت و پروانه زرین بهترین بازیگر نوجوان را نیز نصیب دانیال جعفری کرد.

در ادامه این جوایز، عنوان بهترین بازیگر کودک به امیررضا محمدی سلیمانی برای نقش‌آفرینی در فیلم «کوچ» ساخته محمد اسفندیاری رسید؛ فیلمی که قاب‌های چشم‌نوازش پروانه زرین دستاورد هنری در فیلمبرداری را برای داوود رحمانی ثبت کرد و پروانه زرین جایزه صلح شهید بهنام محمدی را هم به اسفندیاری اهدا کرد تا تصویرگر مسئولیت‌پذیری یک نوجوان روستایی در برابر بحران خانواده باشد.

در عرصه پویانمایی، پروانه زرین بهترین اثر سینمایی به «نگهبانان خورشید» به کارگردانی مشترک عماد رحمانی و مهرداد محرابی و تهیه‌کنندگی مهدی جعفری جوزانی اعطا شد. هیات داوران کودک و نوجوان، پروانه خود را به احمد درویشعلی‌پور برای کارگردانی «عموی بچه‌ها» بخشیدند. در بخش‌های موضوعی نیز جایزه آینه سینمای کودک برای پویانمایی «یوز» به سازمان سینمایی سوره و صداوسیما رسید و تندیس جایزه ویژه میناب با تمرکز بر آسیب‌های جنگ بر کودکان به سیدجواد هاشمی و محمدرضا منصوری برای فیلم «یکی میاد دنبالم» اعطا شد.

سرنوشت این رویاها در صف اکران عمومی چه خواهد شد؟

با پایان یافتن آیین پایانی و فروکش کردن هیاهوی تالارهای اصفهان، پرسش اساسی و همیشگی سینمای کودک دوباره پیش روی اهالی فرهنگ قد علم می‌کند؛ آیا این فیلم‌ها در اکران عمومی دوام خواهند آورد؟ گیشه سینمای ایران که سال‌هاست زیر سایه سنگین کمدی‌های تجاری بزرگسالان نفس می‌کشد، به‌ندرت مجالی عادلانه برای درخشش آثار کودک باقی می‌گذارد.

فیلم‌هایی مانند «شوتینگا» و «عموی بچه‌ها» با اتکا به کاراکترهای شناخته شده تلویزیونی احتمالا مخاطبان خود را به سالن‌ها می‌کشانند و از بحران فروش عبور می‌کنند، اما آثار اقلیمی، عمیق و شریفی همچون «کوچ» یا پویانمایی‌های نوآورانه در صورت نبود حمایت‌های ویژه آموزشی، اکران مستمر مدارس و برنامه‌ریزی دبیرخانه دائمی در اصفهان، در گرداب سانس‌های صبحگاهی و کم‌مخاطب غرق خواهند شد. جشنواره سی‌وهشتم نشان داد که سینماگران قدم اول را برای تزریق شادابی، فانتزی و تخیل به جهان کودکان برداشته‌اند؛ اما نجات واقعی این سینما زمانی رقم می‌خورد که بچه‌ها تنها مخاطبان چند روزه سالن‌های جشنواره نباشند، بلکه در تمامی روزهای سال بتوانند سهم رویاها، پرسش‌ها و قهرمانان ایرانی‌شان را روی پرده نقره‌ای ببینند.

آن کارسون، «ساده‌ترین شاعر دشوارفهم»

مواجهه نخست با نبوغ و سردرگمی در جهان شاعر



با اعلام نام آن کارسون در هشتم اکتبر به عنوان برنده جایزه نوبل ادبیات، توجه محافل ادبی بار دیگر به جهان شگفت‌انگیز این نویسنده جلب شد. الیسا گابرت در نشریه نیویورک تایمز، با اشاره به آغاز کتاب «مردان در ساعات فراغت» (۲۰۰۰)، می‌نویسد که این شاعر کانادایی اثرش را درست مانند تاریخ‌نگاری توسیدید آغاز می‌کند؛ همان طور که این مورخ یونانی ماجرای دشمنی آتنی‌ها و پلوپونزی‌ها را روایت می‌کرد. نویسنده یادآوری می‌کند که این اثر، هفتمین کتاب کارسون به‌شمار می‌رفت- شاعری که جایزه نوبل ادبیات را از آن خود کرد- اما اولین کتابی بود که خود نویسنده در دوران دانشجویی و در یک کارگاه شعر با آن روبه‌رو شد؛ تکلیفی کلاسی که تمام هدفش شگفت‌زده کردن و برانگیختن بهت عمیق مخاطب در برابر متنی سراسر نو و متفاوت بود.

به گزارش «آگاه» نیویورک تایمز با اشاره به جستار آغازین این کتاب با عنوان «زمان عادی: ویرجینیا وولف و توسیدید درباره جنگ» می‌نویسد: این قطعه با وجود نام دانشگاهی و کنایه‌آمیزش، تکه نقل قول‌های کوتاه و فرضیه‌اش، بیشتر شبیه مقاله‌ای آکادمیک است که نشان می‌دهد جنگ چطور ادراک ما از زمان را به هم می‌ریزد. زمان برای سالخوردگان، کودکان، زنان و مردان یکسان سپری نمی‌شود؛ «زمان جوانی را در خود می‌گیرد و جوانی جنگ را درآغوش می‌کشد». این یادداشت کوتاه ۶ صفحه‌ای که دو هزار سال تاریخ را به هم پیوند می‌زند، در نهایت به شعری چهارسطری می‌رسد و مرز میان نقد، تاریخ و شعر را درهم می‌شکند.

نیویورک تایمز با یادآوری قطعه «تنگدستی باشکوه» و بازی‌های متنی نامتعارف او می‌نویسد: این شعر در قالب دوبیتی‌هایی شکل گرفته که سطرهای یکی در میان آن، نقل قول‌هایی بلند از نامه‌های امیلی دیکینسون به توماس هیگینسون با ذکر دقیق ارجاعات کتاب است. طول این پانوشت‌ها حتی از طول مصراع‌های خود کارسون بیشتر می‌شود؛ شاعر جمله‌ای ساده درباره سکوت زنان را به پنج تکه کوچک می‌شکند تا نشان دهد چطور ساختار آشنای سطرها در شعر می‌تواند دگرگون شود و مرز میان حقیقت تاریخی و خیال ادبی فرو بریزد.

بازآفرینی متون کهن و خصلت سهل و ممتنع کارسون

نیویورک تایمز با یادآوری جسارت فرمی و توان شگفت‌انگیز کارسون در میانه کارنامه ادبی‌اش می‌نویسد که او استعدادی کمیاب دارد؛ می‌تواند جوهره شعر را از دل هر متنی- چه نمایشنامه باشد، چه سخنرانی یا داستان- بیرون بکشد. او همه چیز را با شجاعتی آرام کنار هم می‌نشاند و نشان می‌دهد که ادبیات همزمان هم عین واقعیت است و هم سرشار از خیال. این بازیگوشی باعث می‌شود شعر او، حتی در مواجهه با دشوارترین پرسش‌ها، هیچ‌وقت خشک و بیش از حد دانشگاهی به نظر نرسد.

در ادامه متن به توانایی کارسون در پیوند زدن زبان کهن به روزگار ما اشاره می‌شود؛ او متون باستانی را فراتر از تفاوت زبان‌ها و گذر قرن‌ها ترجمه می‌کند، به گونه‌ای که لحن شخصیت‌های تراژدی یونان مثل کلامی روزمره و خودمانی به گوش می‌رسد؛ درست مثل وقتی که الکترا در بازنویسی او از نمایشنامه «اورستس» می‌گوید: «بله خب، دنیا همین است دیگر». طنز کارسون دنیایی پهناور دارد؛ از کنایه‌های بسیار تلخ و گزنده گرفته تا کمدی تمام عیار؛ ویژگی خاصی که او را به «ساده‌ترین شاعر دشوارفهم» تبدیل کرده است، چراکه پیچیدگی‌هایش هرگز مانعی نگران‌کننده پیش پای خواننده نمی‌گذارد.

از ایجاز «گفتارهای کوتاه» تا شاهکار «خودزندگینامه سرخ»

نیویورک تایمز با مرور آثار ابتدایی کارسون و کوتاه‌نویسی درخشان او می‌نویسد: نخستین اثرش، «اروس تلخ‌وشیرین» (۱۹۸۶)، بازنویسی رساله دکترای او در زمینه مطالعات کلاسیک بود اما کتاب «گفتارهای کوتاه» (۱۹۹۲) ورود رسمی او به جهان شعر به شمار می‌آمد. قطعات این کتاب، متن‌هایی منثور و بسیار کوتاه‌اند که خواندنشان چند ثانیه بیشتر زمان نمی‌برد؛ نوشته‌هایی درباره باران که لحنی شوخ و نیش‌دار دارند. ایده این اثر بر خلاصه سخن گفتن بنا شده است؛ با کمترین واژه‌ها، جذاب‌ترین و دلنشین‌ترین صدای جمع باش.

این نشریه با نگاهی به کتاب برجسته «خودزندگینامه سرخ» (۱۹۹۸) و نوآوری در خلق رمان منظوم می‌نویسد کارسون در این اثر، دیو بالدار اساطیر یونان (گریون) را در قالب نوجوانی امروزی زنده می‌کند. این شعر بلند از سطرهای یکی در میان کوتاه و بلند ساخته شده است؛ ضرب‌آهنگی ناآرام که مانند زنگ بیدارباش به خواننده یادآوری می‌کند حتی در دل روایتی داستان‌گونه، با جوهره ناب شعر روبه‌رو است و نباید به ساختار همیشگی نثر دل ببندد.

بازیگوشی فلسفی در «نورمای اشتباه» و کارنامه ۲۵ ساله

گابرت در این متن با اشاره به اثر تازه کارسون یعنی کتاب «نورمای اشتباه» (۲۰۲۴) می‌نویسد: این مجموعه همان سرزندگی، اندوه و تناقض‌های کارهای درخشان پیشین او را پیش رو می‌گذارد. کارسون در این کتاب قالب‌های شعری کهن را با یادداشت‌های دانشگاهی، ترجمه بخش‌هایی از «ضیافت» افلاطون و داستانی رازآلود از هم‌نشینی با یک کلاغ پیوند می‌زند. این ترکیب‌های نامتعارف، تصویری چندبعدی و زنده از زندگی تلخ‌وشیرین انسان می‌سازند و یادآور این پرسش تامل برانگیز او هستند: «پاسخ‌ها اصلا قرار است جواب چه چیزی باشند؟» نویسنده متن با اشاره به تجربه ۲۵ ساله در مطالعه کارهای کارسون می‌نویسد: دنیای این شاعر نگاه نسل‌های تازه را دگرگون کرده است. او تعریفی نو از مرزهای شعر و گنجایش یک کتاب ادبی آفرید؛ نویسنده‌ای با اصالتی همیشگی که گستره ادبی‌اش مانند کیهانی بی‌پایان پس از مه بانگ امتداد یافته و نشان داده است که چگونه یک نویسنده می‌تواند مرزهای فرم، تفکر و شوخ طبعی را بی‌مرز گسترش دهد.

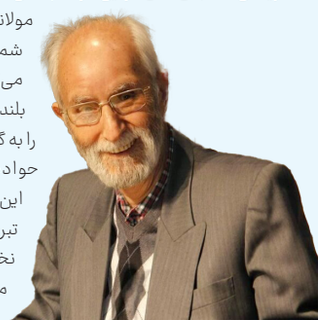
محمدعلی موحد در پیامی به مناسبت گشایش بارگاه شمس تبریزی در خوی:

شمس و مولانا در شرایط تاریک تاریخی، لوای عزت و امید برافراشتند

استاد محمدعلی موحد، شاعر، ادیب، عرفان پژوه، تاریخ‌نگار، حقوقدان و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در پیامی به مناسبت گشایش بارگاه شمس تبریزی در خوی گفت: شمس و مولانا در شرایط تاریک تاریخی، لوای عزت و امید برافراشتند.

به گزارش «ایرنا» استاد محمدعلی موحد در پیامی که به مناسبت آیین گشایش بارگاه شمس تبریزی در خوی ارسال کرد، با ابراز تاسف از ناتوانی جسمانی و نداشتن امکان حضور در این مراسم، خطاب به حاضران گفت: امروز مراسمی برگزار می‌شود در خوی به مناسبت مرمت و نوسازی مزار شمس تبریزی. دوستان جمع‌اند آنجا و من متاسفم که به علت ناتوانی و ضعف مفرط بر اثر پیری و عمر نتوانسته‌ام در خدمت آنان باشم. او با اشاره به مضمون بیتی درباره حضور در میان جمع و دور بودن دل، افزود: با خود می‌اندیشم که شاعر گفته است: من در میان جمع و دلم جای دیگر است. من امروز احساسی دارم درست معکوس آنچه شاعر گفته است؛ دلم با جمع دوستان است در خوی و تنم جای دیگر.

موحد در ادامه پیام خود خطاب به حاضران در آیین گشایش بارگاه شمس تبریزی گفت: سلام می‌کنم بر خانم‌ها و آقایانی که سعادت حضور در این مراسم را دارند و یاد می‌کنم از عزیزان از دست‌رفته‌ام، علامه عباس زریاب و محمدامین ریاحی، که جای‌شان در این مراسم خالی است. این پژوهشگر برجسته شمس و مولانا سپس از دست‌اندرکاران نوسازی مزار شمس قدردانی کرد و گفت: دست مریزاد می‌گویم به صاحبان همت بلند و نظر بلند که پروژه نوسازی این بقعه متبرک را به گردن گرفتند و موفقانه از فراز و فرود حوادث گذراندند. او همچنین با تبریک این رویداد به مردم خوی اظهار کرد: تبریک می‌گویم به همشهری‌های خطه نخبه‌پرور و پربرگ و بار خوی که از چنین موهبتی برخوردار است.



آیین‌های مرتبط با شمس؛ تجدید عهد با بزرگان سلف

موحد در بخش دیگری از پیام خود، بر اهمیت برگزاری آیین‌هایی از این دست تاکید کرد و گفت: مراسمی از این قبیل، به هر مناسبت و هر بهانه که باشد، امری مبارک است و تجدید عهدی است با بزرگان سلف و رمزی از بقا و استمرار جریان فرهنگی که ریشه در قرون و اعصار دارد.

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ادامه با نگاهی تاریخی، شرایط امروز جهان را با فضای اجتماعی و تاریخی عصر شمس و مولانا مقایسه کرد و افزود: من اینک در گوشه منزل خود در تهران نشسته‌ام و به قول سعدی تامل هم کنم در اوضاع و احوال زمانه و شباهت شگفتی می‌بینم میان این شرایط، یعنی شرایط امروزی، با آنچه در قرن هفتم، معاصر شمس و مولانا، می‌گذشت. او با اشاره به حمله مغول و پیامدهای ویرانگر آن در قرن هفتم، ادامه داد: مقصودم البته اشاره است به تاخت و تاز بی‌امان مغول در آسیا که در برخی جاها، مثل نیشابور، حتی برسگ و گربه هم ابقا نکردند و فضای تاریک، غم‌آلود و نومیدانه‌ای که لاجرم بر آن روزگار حاکم بود و شباهت تام آن با کشت‌وکشتارها و ویرانگری‌های حاصل از بمباران‌ها در عصر ما، غزه و غریب و غوغای تهدید و نعره‌های مهیب آنان که مدام سر می‌دهند و جهان ما را به وحشت سرای پرمخافت و شومی مبدل ساخته‌اند!

شمس و مولانا، لوای عزت و امید برافراشتند

این اندیشمند و مولاناپژوه با تاکید بر نقش شمس و مولانا در یکی از تاریک‌ترین دوره‌های تاریخی، تصریح کرد: آری، در قرن هفتم نیز مشابه چنین اوضاع و احوالی حاکم بود و درست در آن شرایط بود که شمس و مولانا سر برآوردند و صلای مهر و محبت دادند و لوای عزت و امید برافراشتند.

موحد سپس با بیان برداشتی شخصی و عاطفی از رونق دوباره اندیشه و آثار شمس و مولانا، گفت: اینک به چشم دل من چنان می‌نماید که شمس و مولانا دارند رجعت می‌کنند، زیرا در کنار آن جریان می‌بینم که بازار مولانا رونق شگفت‌انگیز می‌گیرد، مقالات شمس کشف می‌شود و نظر صاحبدلان را در شرق و غرب به خود جلب



می‌کند. او افزود: نوسازی مزار شمس هم به چشم من از علایم آن رجعت حیرت‌انگیز است و جرقه‌ای هرچند کوچک در همان مسیر. موحد در عین حال تصریح کرد که این برداشت را نباید یک تبیین علمی و عقلانی از مسائل امروز تلقی کرد و گفت: این البته نگرشی است احساسی و عاطفی، نه عقلانی و علمی. منظور نیست که بگوییم بن‌بست‌های عظیم اقتصادی و سیاسی جهان امروز با رجوع به شمس و مولانا قابل حل است. توضیح این مقال از حوصله یادداشتی سردستی خارج است.

اشاره به نوشته‌های پیشین درباره وضعیت مزار شمس

این پژوهشگر و نویسنده در ادامه با اشاره به سابقه توجه خود به وضعیت مزار شمس تبریزی، اظهار کرد: در نوشته‌های سابق من شکایت‌ها هست از وضع نابسامان مزار شمس پیش از این نوسازی. او با اشاره به اینکه این پیام را به یادگار برای مراسم ضبط کرده است، افزود: من این یادداشت را به دست گرفتم، نظر به آن سابقه و چیزی را که نوشته‌ام می‌خوانم تا ضبط شود، هرچند می‌دانم دستم در نوشتن سخت لرزان است و صدایم در خواندن لرزان‌تر، اما می‌خواهم یادگاری بماند از من در این مراسم، چه از حضور در آن محروم هستم.



مسعود نصرتی، رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور:

تلاش می‌کنیم کالاها با کاهش ۳۰ درصدی قیمت به دست مردم برسند

وقتی متوفی به حاشیه می‌رود و رخت عزا مهم می‌شود

عزاداری‌های ویترینی



فاطیما کریمی، خبرنگار گروه جامعه: فرشته مرگ که بر دوش کسی می‌نشیند، آدم‌ها دورهم جمع می‌شوند و از خاطره‌هایی که باقی مانده، از حرف‌هایی که ناگفته مانده و از جای خالی انسانی که تا پیش از این، بخشی از زندگی روزمره‌شان بوده، حرف می‌زنند. مراسم سوگواری نیز قرار است فرصتی برای همین یادآوری باشد برای تسلی دادن به بازماندگان، همراهی با خانواده داغدار و ادای احترام به کسی که از میان ما رفته است اما برخی تجملات اصل این مراسم را به حاشیه می‌برد آنقدر که صاحبان عزا باید در کنار غم از دست رفته، دغدغه ایجاد یک ویترین شیک و تجملی برای خودشان و مراسمی که برگزار می‌کنند، را داشته باشند.

مراسم عزاداری برای برخی از افراد غیر از دغدغه سنگ قبر فاخر، پذیرایی آنچنانی، مسجد و تالار شیک، یک دغدغه دیگر هم دارد. اینکه حالا «چی بپوشم؟ لباس مشکی مناسب از کجا بخرم که تکراری نباشد؟ عینک آفتابی‌ام چه برندی باشد؟ آرایش موهایم را به چه کسی بسپارم؟» این پرسش‌ها شاید در نگاه اول جزئی و حتی طبیعی به نظر برسند به خصوص در جامعه‌ای که آراستگی ظاهری و رعایت شأن موقعیت‌های اجتماعی اهمیت دارد. مسئله اما از جایی آغاز می‌شود که انتخاب لباس و رسیدگی به ظاهر، از حاشیه مراسم بیرون می‌آید و به یکی از دغدغه‌های اصلی تبدیل می‌شود جایی که فرد به‌جای آنکه صرفا به احترام متوفی لباس مناسب بپوشد، درباره مدل لباس، آرایش، مدل مو و تصویری که از او در جمع ثبت خواهد شد، تصمیم می‌گیرد. در چنین شرایطی، عزاداری آرام‌آرام به ویترینی تبدیل می‌شود که در آن، حتی سوگواری کردن نیز ممکن است با معیارهای ظاهر و سلیقه سنجیده شود. لباس مشکی از دیرباز یکی از نشانه‌های سوگواری در بسیاری از جوامع بوده است. با این حال، در سال‌های اخیر، در کنار این سنت آشنا، نوعی توجه به طراحی لباس عزاداری، هماهنگی اجزای پوشش و جزئیات ظاهری نیز به چشم می‌خورد. دیگر برای برخی افراد، صرف پوشیدن لباس تیره کافی نیست لباس باید برش خاصی داشته باشد، با فرم اندام متناسب باشد و در عین رعایت رنگ متعارف عزاداری، جلوه‌ای متفاوت ایجاد کند.

در کنار لباس، آرایش صورت، مدل مو، انتخاب کیف و کفش و حتی عینک آفتابی نیز ممکن است در برنامه آماده شدن برای مراسم قرار بگیرد. گاهی این آماده شدن از انتخاب لباسی در کمد آغاز می‌شود و به جست‌وجو در فروشگاه‌ها، سفارش لباس، خرید اکسسوری و گرفتن وقت از آرایشگاه می‌رسد.

البته هیچ‌کدام از این رفتارها به تنهایی نشانه بی‌اعتنایی به متوفی نیست. آدم‌ها سلیقه‌های متفاوتی دارند و مرتب بودن ظاهر نیز لزوما با سوگواری منافاتی ندارد. پرسش اصلی این است که چه زمانی ظاهر، دیگر وسیله‌ای برای رعایت احترام نیست و به موضوعی مستقل تبدیل می‌شود که برای آن باید وقت، هزینه و انرژی قابل توجهی صرف کرد. وقتی فردی برای حضور در مراسم چهلم یا سالگرد، از چند روز قبل درگیر پیدا کردن لباس مناسب است، برای مدل موی خود وقت آرایشگاه می‌گیرد و نگران هماهنگی آرایش با لباس مشکی‌اش است، باید پرسید این همه توجه به جزئیات ظاهری از کجا می‌آید و قرار است کدام نیاز را برطرف کند.

از آراستگی تا بازارسازی

بازار خدمات زیبایی از این تغییرات دور نمانده است. در فضای مجازی، گاهی محتوایی منتشر می‌شود که بر آراستگی در مراسم ختم، چهلم و سالگرد تاکید دارد و به افراد پیشنهاد می‌کند برای حضور در این مراسم از خدمات آرایشگاهی استفاده کنند.

در این چارچوب، آرایش صورت ملایم و متناسب با فضای سوگواری معرفی می‌شود موها نیز با سشوار، فر یا صاف کردن مرتب می‌شوند و برای آقایان، اصلاح و مرتب کردن موها در نظر گرفته می‌شود. برخی از این خدمات ممکن است تفاوت چندانی با خدمات معمول آرایشگاه نداشته باشند، جز آنکه از رنگ‌ها و مدل‌های کم‌جلوه‌تر استفاده شود.

مرتب بودن و رعایت نظافت شخصی، به خودی خود ایرادی ندارد و کسی که برای شرکت در یک مراسم رسمی یا خانوادگی به ظاهرش رسیدگی می‌کند، لزوما قصد خودنمایی ندارد. اما هنگامی که برای مراسم سوگواری نیز عنوانی جداگانه برای آرایش و پیرایش ساخته می‌شود و این پیام به مخاطب منتقل می‌شود که برای حضور آبرومندانه در مراسم باید خدمات مشخصی خریداری کند، این پرسش پیش می‌آید که آیا با یک نیاز واقعی روبه‌رو هستیم یا با گسترش بازاری که می‌کوشد برای هر موقعیت اجتماعی، خدمتی تازه تعریف کند؟ چون اکنون در فضای مجازی و اینستاگرام تبلیغ می‌شود «همان‌گونه که پذیرایی مراسم خودتان را به ما می‌سپارید آراستگی خودتان را هم به ما محول کنید!» یا برخی از آرایشگاه‌ها خدمات مراسم عزاداری را هم به خدمات مراسم عقد و عروسی اضافه کرده‌اند!

جالب اینجاست که اگر حضور در مراسم یادبود بدون آرایش حرفه‌ای، مدل موی خاص یا لباس تازه باشد در ذهن برخی افراد به معنای نادیده گرفتن شأن مراسم خواهد بود. در این صورت، فرد ممکن است نه از سر میل شخصی، بلکه از ترس قضاوت دیگران به آرایشگاه برود یا برای خرید لباس هزینه کند. این مسئله برای خانواده‌هایی که همزمان با هزینه‌های مراسم، فشارهای اقتصادی و اندوه از دست دادن عزیزشان را تحمل می‌کنند، دغدغه دیگری باشد که شاید هیچ ضرورتی برای پذیرفتن آن وجود نیست.

از دست دادن عزیز، تجربه‌ای شخصی و پیچیده است. هیچ‌کس را نمی‌توان به دلیل خندیدن، گریه نکردن، لباس ساده پوشیدن یا رسیدگی به ظاهرش، درباره عمق اندوهش قضاوت کرد. آدم‌ها به شیوه‌های متفاوت سوگواری می‌کنند و نمی‌توان از ظاهر آنها به تنهایی درباره احساسات‌شان نتیجه گرفت. مسئله سنجش میزان غم افراد نیست بلکه تغییر اولویت‌ها در برگزاری مراسم است. وقتی بخش مهمی از انرژی و هزینه بازماندگان صرف این می‌شود که در مراسم چگونه دیده شوند، پس جایگاه یاد متوفی در این میان کجاست؟

اگر قرار است برای حضور در مراسم چهلم، لباس تازه‌ای تهیه شود، آرایش صورت و مو با دقت از پیش تعیین شود و حتی انتخاب عینک و دیگر اجزای پوشش به دغدغه‌ای جدی تبدیل شود، باید پرسید این تصمیم‌ها تا چه اندازه از نیاز واقعی فرد سرچشمه می‌گیرند و تا چه اندازه تحت تاثیر انتظارات اجتماعی و نگاه دیگران شکل گرفته‌اند. ممکن است کسی برای آنکه در برابر دیگران مرتب و آراسته به نظر برسد، ساعت‌ها وقت بگذارد اما آیا این ظاهر حساب‌شده قرار است چیزی از اندوه او کم کند یا چیزی به یاد متوفی بیفزاید؟ اگر پاسخ، صرفا رضایت از تصویر خود در نگاه دیگران باشد، دیگر با ضرورتی مرتبط با سوگواری روبه‌رو نیستیم با نوعی نمایش اجتماعی مواجهیم که در آن، مراسم یادبود به بستری برای دیده شدن تبدیل شده است.

هیچ‌کس نمی‌گوید عزادار باید نامرتب باشد، از بهداشت فردی غافل بماند یا به ظاهر خود بی‌توجهی کند. پوشیدن لباس تمیز و متناسب با فضای مراسم، رعایت سادگی و احترام به خانواده متوفی، بخشی طبیعی از حضور در یک موقعیت سوگواری است. همان‌طور که نمی‌توان هر آرایش ملایم یا هر لباس شیکی را نشانه تجمل‌گرایی دانست.

خانواده‌ای که عزیزش را از دست داده، بیش از هر چیز به همدلی، همراهی و تسلی نیاز دارد. شاید بهتر باشد به جای آنکه بپرسیم برای مراسم ختم چه بپوشیم، از خود بپرسیم چرا پوشش ما تا این اندازه به یکی از دغدغه‌های چنین موقعیتی تبدیل شده است. آیا قرار است با لباس، آرایش و اکسسوری، احترام خود را به متوفی نشان دهیم یا می‌خواهیم در نگاه دیگران، عزاداری متفاوت و چشمگیرتری داشته باشیم؟

الگوهای عمومی تاثیر سلبریتی‌ها

نمی‌توان از تغییر شکل ظاهری برخی مراسم سوگواری سخن گفت و نقش شبکه‌های اجتماعی را نادیده گرفت. تصاویر مراسم درگذشت هنرمندان و چهره‌های شناخته‌شده، به سرعت در رسانه‌ها و صفحات مجازی منتشر می‌شود. در این تصاویر، علاوه بر سخنان و خاطرات بازماندگان، پوشش حاضران، چهره‌ها، آرایش و جزئیات ظاهری نیز به موضوع توجه کاربران تبدیل شده است.

حضور برخی چهره‌های مشهور با لباس‌های طراحی‌شده، آرایش‌های حرفه‌ای یا اکسسوری‌های گران‌قیمت، اگر به‌جای حاشیه‌ای از مراسم به موضوعی برای بازنشر و قضاوت تبدیل شود، ممکن است این تصور را تقویت کند که حتی در موقعیت سوگواری نیز باید تصویری حساب‌شده و قابل توجه از خود ارائه داد. در این میان، اینستاگرام و دیگر شبکه‌های اجتماعی فقط محل انتشار تصاویر نیستند آنها به فضایی برای مقایسه نیز تبدیل شده‌اند. افراد ظاهر خود را با دیگران مقایسه می‌کنند، درباره انتخاب‌های‌شان بازخورد می‌گیرند و گاهی برای دیده شدن، به جزئیاتی اهمیت می‌دهند که پیشتر در حاشیه بود.

در این وضعیت، حتی مراسمی که اساس آن یادبود یک انسان است، ممکن است به صحنه‌ای برای نمایش سلیقه، موقعیت اجتماعی و توان مالی افراد تبدیل شود نمایشی که گاه نه با لباس‌های رنگارنگ، بلکه با تفاوت در مدل لباس‌های مشکی، کیفیت اکسسوری‌ها و ظرافت آرایش شکل می‌گیرد.

یک تجربه شخصی

برخی از افراد آنقدر محو این دغدغه‌ها می‌شوند که یادشان می‌رود برای چه کسی و چه چیزی قرار بوده مراسم برگزار کنند. به تازگی در یکی از مراسم سوگواری شرکت کردم و متوجه شدم حتی گریه کردن افراد و عزاداری کردن‌شان هم متفاوت است. آنها غم‌شان را با آنهایی که به مراسم آمدند به اشتراک نگذاشتند. گفتند که با از دست دادن پدرشان کنار آمده‌اند. غم را در خودشان فروریختند. دستمالی به دست گرفتند و خیلی آرام اشک ریختند و هرچند وقت یک بار آرام در آینه نگاه می‌کردند که مبادا آرایش چشمان‌شان به هم ریخته باشد. در عوض به ظاهرشان رسیده بودند. زن‌ها به آرایشگاه رفته بودند، مردها هم. حتی کودکان‌شان را چنان آراسته بودند که اگر این مراسم، متوفی نداشت؛ با تغییر رنگ لباس‌ها می‌شد گفت می‌تواند جشن عروسی، جشن تولدی یا از این دست جشن‌ها باشد.

یکی از بستگان وقتی آنها را دید می‌گفت: «چه شیک! ما در غم پدرمان چنان جگرسوز بودیم که زمین را چنگ می‌زدیم.» برای او این سوال مطرح بود که چه زمانی آنها وقت کردند به آرایشگاه بروند و موهای‌شان را مرتب کنند؟ از نظر او این رفتار نشان نمی‌دهد که غمگین باشند. هرچند این یک قضاوت منصفانه نیست و حتما قرار نیست فردی که عزیزی را از دست داده نامرتب جلوه کند تا همه بفهمند او عزادار است. از طرفی کسی با مرتب بودن مخالفتی ندارد اما قضیه از آنجا شکل دیگری به خود می‌گیرد که غذای معمولی عزا به مجلل‌ترین تالارها و سنگ یادبود به سنگ حجاری شده از بهترین جنس وارداتی و رخت عزا به رخت خاص مراسم تبدیل می‌شود.

زخم‌ها سر باز کرد

تراکتور وارد حاشیه شد

عماد خورشیدطلب: در هفته هشتم لیگ برتر تراکتور، صدرنشین فعلی مسابقات بعد از تساوی مقابل استقلال در ورزشگاه خانگی با یک مصاحبه از سوی علیرضا بیرانوند، دروازه‌بان ملی‌پوش خود به حاشیه‌ها سلام کرد. بیرانوند در میکسدزون ورزشگاه یادگار صحبت‌هایی را مطرح کرد که خیلی زود به فضای مجازی رسید و کار به اخراج موقت این بازیکن از تراکتور توسط جواد نکونام، سرمربی قرمزپوشان تبریزی ختم شد.

بیرانوند در مقابل دوربین‌های تلویزیونی از استقلال، وضعیت سربازی و میزان دریافتی بازیکنان این تیم (هفت درصد به ادعای خودش) اشاره کرد و گفت: «مدیران باشگاه نباید حاشیه را از بیرون وارد تیم ما بکنند. روی صحبت من با مالک باشگاه، مدیرعامل و اعضای هیات مدیره است. آقای زنوزی! الان تراکتوریکی از باشگاه‌هایی است که از داخل مریض است، به فکر تیم باشید. شاید هواداران بگویند تراکتور قهرمان شده و سال گذشته شانس قهرمانی داشته. امیدوارم آقای زنوزی به داد بچه‌ها برسد. چند هفته دیگر نیم‌فصل تمام می‌شود و بچه‌های ما فقط هفت درصد گرفته‌اند. همه از بیرون فکر می‌کنند زنوزی در این تیم حلوا پخش می‌کند در حالی که اصلا از این خبرها نیست. از مدیرعامل و هیات مدیره تیم خواهش می‌کنم به جای پریدن به دیگران و وارد کردن حاشیه به تیم، مشکلات خودمان را حل کنند.» بخش آخر صحبت‌های بیرانوند به دعوای اخیر حجت کریمی، مدیرعامل تراکتور و علی خطیر، عضو هیات رئیسه فدراسیون فوتبال در برنامه فوتبال برتر اشاره دارد.

وقتی این صحبت‌ها در فضای مجازی وایرال شد واکنش باشگاه تراکتور را به همراه داشت و این باشگاه در اطلاعیه‌ای از اخراج موقت بیرانوند از تیم با تصمیم جواد نکونام، سرمربی تی‌تی‌ها خبر داد. با این حال، سرنوشت ادامه حضور او در تراکتور با توجه به سرباز بودنش همچنان یکی از پرسش‌های این ماجراست. حجت کریمی هم در واکنش به صحبت‌های بیرانوند، موضوع دریافتی بازیکنان را پیش کشید. او اعلام کرد: «بیرانوند حدود ۳۵ درصد قرارداد‌ش را دریافت کرده، در حالی که دریافتی سایر بازیکنان حدود هشت درصد بوده است.» کریمی همچنین خواستار بررسی عملکرد او مقابل استقلال و به خصوص روی گل سحرخیزان شد که اتهام بزرگی به علیرضا بیرانوند بود. اما نقطه مقابل بیرانوند شجاع خلیل‌زاده بود که از حمایت‌های محمدرضا زنوزی و پرداخت حقوق استوری گذاشت و البته افراد دیگری از باشگاه هم صحبت‌هایی را مطرح کردند.

اما بیرانوند خیلی زود از کرده خود پشیمان شد و در یک استوری در صفحه اینستاگرامش توضیح داد که صحبت‌هایش از سر دلسوزی برای تیم بوده و اگر ناخواسته باعث رنجش حتی یک هوادار شده، عذرخواهی می‌کند و وعده صحبت مفصل در مورد مشکلات در زمان دیگری را به هواداران داد. تا لحظه نگارش این مطلب حضور بیرانوند در اردوی سرخ‌های تبریز برای بازی با الشمال در لیگ آسیا منتفی است؛ چرا که هم اخراج موقت و هم اختلافاتش با حجت کریمی عیان شده است و بعید است بتواند خیلی زود اختلافات را حل کند و به بازی با الشمال برسد. اگرچه باشگاه تراکتور خیلی زود و تنها لحظاتی بعد از مصاحبه جنجالی بیرانوند اعلام کرد که این بازیکن باید در جلسه کمیته انضباطی باشگاه حاضر شود اما تا این لحظه زمان این جلسه نامشخص است. هر چه هست درگیری بین علیرضا بیرانوند و حجت کریمی وارد فاز جدیدی شده و باید دید سرانجام آن چه خواهد شد.

حالا و با گذشت تنها هشت هفته از لیگ برتر علیرضا بیرانوند که در گذشته هم ثابت کرده پول در تعیین تیم، برای او نقش مهمی دارد (همانطور که با کلی ادعا نسبت به پرسپولیسی بودن با پول بیشتر به تراکتور رفت)، از عدم دریافت پول گفته و بیماربودن تیمش. همین موضوع نشان می‌دهد که زخم‌های کهنه در این باشگاه پرطرفدار سر باز کرده و در آستانه یک بازی آسیایی تیم را وارد حاشیه جدیدی کرده است و اگر مسئولان این تیم هرچه زودتر فکری اساسی برای حل مشکلات این تیم نکنند در ادامه راه، چه در لیگ برتر، چه در لیگ آسیا با مشکلات زیادی مواجه خواهند شد که این تیم را از ریل قهرمانی خارج خواهد کرد.

درحاشیه رونمایی از کتاب تاریخچه پلاک خودروهای ایران مطرح شد

طراحی عینک هوشمند برای پلیس راهور



مراسم رونمایی از کتاب تاریخچه پلاک خودروهای ایران با عنوان «نمره اول» با حضور مسئولان مرکز تحقیقات کاربردی پلیس راهور، به مناسبت هفته نیروی انتظامی در سالن اجتماعات بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی برگزار شد. این کتاب با مشارکت مرکز تحقیقات کاربردی پلیس راهور، موزه خودروهای تاریخی ایران و موسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد در یک همکاری مشترک تهیه و تدوین شده است. در حاشیه این مراسم اعلام شد که قرار است پلیس راهور برای ثبت اتفاقات، از عینک هوشمند استفاده کند.

به گزارش «آگاه» به نقل از روابط عمومی گروه موزه‌های دفینه؛ در این مراسم، حمیدرضا سلیمانی مدیرعامل موسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد بیان کرد: این کتاب تلاش حداقل ۱۲ ساله موسسه موزه‌ها و گروه پژوهشی به سرپرستی آقای مستفید است که به ثمر نشست. تکنولوژی که وارد ایران شد قراردادهای اجتماعی بین ما هم تغییر کرد. به طور مثال اکنون تابلوهای خیابان‌ها به ما می‌گویند که رفتار وسایل نقلیه چطور باشد. سلیمانی افزود: این کتاب به عنوان اولین مرجع معرفی پلاک خودروهای ایران از شروع تاکنون می‌تواند به پژوهشگران و علاقه‌مندان حوزه خودرو کمک شایانی کند. وی به موزه خودروهای تاریخی نیز اشاره کرد و گفت: ۳۲۰ خودروی تاریخی این موزه هر کدام روایت و داستانی دارند و می‌توانند منشا کارهای پژوهشی باشند.

سلیمانی ادامه داد: کتاب «نمره اول» به بررسی تاریخچه پلاک‌های وسایل نقلیه در ایران، از ابتدای ورود خودرو، شکل‌گیری نخستین نظام‌های شماره‌گذاری تا ظهور و استقرار پلاک‌های ملی می‌پردازد. مطالب این اثر حاصل تحقیق، بررسی مستندات تاریخی و بهره‌گیری از منابع معتبر به ویژه اسناد موجود در موزه خودروهای کلاسیک ایران است. بسیاری از اطلاعات ارائه شده در این کتاب برای نخستین بار به صورت یکپارچه گردآوری شده و تلاش شده که تا با اتکا به شواهد مکتوب تصویری دقیق و مستند از روند شکل‌گیری و تحول پلاک‌ها ارائه شود.

سرهنگ رضا سخایی، رئیس مرکز تحقیقات کاربردی پلیس راهنمایی و رانندگی فراجا نیز در این مراسم گفت: وقتی به تاریخچه شماره‌گذاری خودروها نگاه می‌کنیم اول ساده به نظر می‌آید اما این پلاک‌ها روایت‌گر بخشی از تاریخ معاصر ماست. الان شماره‌گذاری خودروها اهداف مختلف دیگری دارد. وی در صحبت‌های خود به طراحی عینک هوشمند اشاره کرد و گفت: به دنبال این هستیم که با استفاده از این عینک‌ها، پلیس راهور بتواند رفتار هر خودرو و رانندگان را نیز رصد کند. مانند دوربینی که برخی از پلیس‌ها روی لباس دارند اما آن دوربین به عینک متصل خواهد شد. این عینک‌ها حتی قابل انتقال به کف دست برای جابه‌جایی منوهاست.

سرهنگ عین‌الله جهانی، ناظر فنی کتاب هم در ادامه گفت: در حین تحقیق و بررسی‌ها با خودروهای عجیب قدیمی روبه‌رو می‌شویم که برخی از آنها می‌توانند به عنوان ابزاری در موزه‌ها استفاده شوند. حتی می‌توان از آنها هنوز هم استفاده کرد.

سردار مهماندار، رئیس پلیس اسبق تهران نیز گفت: پلاک خودروها همچنان نماد ورود مدرنیته به کشور هستند.



سردار حبیب‌الله جان‌نثاری، معاون بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت:

اسناد و آثار جنگ‌های ۱۲ و ۴۰ روزه به موزه تبدیل می‌شود



جوانی را که پشت سر گذاشتیم؛ کسی به فکر سال‌های پیری هست؟

رویای ایران مو سپید

مینا یاری، خبرنگار گروه جامعه: خرید روزانه، رفتن به درمانگاه، عبور از خیابان و معاشرت با دیگران؛ کارهایی معمولی که در سالمندی، اگر خانه و شهر مناسب نباشند و شبکه‌ای برای حمایت وجود نداشته باشد، می‌توانند دشوار شوند. حالا تصور کنیم تعداد بیشتری از شهروندان به این مرحله زندگی برسند، خانواده‌ها کوچک‌تر شوند و فرزندان به دلیل اشتغال یا مهاجرت، امکان همراهی روزانه با والدین را نداشته باشند. آن‌وقت مسئله فقط افزایش تخت‌های بیمارستانی یا ساخت مراکز نگهداری نیست؛ باید پرسید زندگی مستقل، امن و همراه با ارتباط اجتماعی چگونه ممکن خواهد بود؟



به گفته مجید فولادیان، رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور، سهم سالمندان از جمعیت ایران از حدود ۸٫۲ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۱۳ درصد در سال ۱۴۰۴ رسیده است. این تغییر، برنامه‌ریزی برای سلامت، بازنشستگی، مسکن و خدمات شهری را ضروری می‌کند. زیرساخت‌هایی که ایجاد آنها سال‌ها زمان می‌برد، باید پیش از افزایش گسترده نیازها آماده شوند.

فولادیان در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» تاکید می‌کند خانواده همچنان رکن اصلی حمایت عاطفی از سالمندان است، اما نمی‌توان تمام مسئولیت مراقبت را به آن سپرد. او آینده سالمندی را وابسته به تصمیم‌های امروز می‌داند؛ تصمیم‌هایی که باید امکان سالم‌تر، مستقل‌تر و باکرامت‌تر پیر شدن را فراهم کنند. در ادامه گفت‌وگوی ما با این مقام مسئول را می‌خوانید:

■ در دو تا سه دهه آینده با چه تغییراتی مواجه می‌شویم؟ آیا خانواده و نظام خدمات فعلی پاسخگو خواهند بود؟

حتما با تغییری بنیادین در ساختار سنی جامعه مواجه خواهیم شد؛ تعداد سالمندان افزایش می‌یابد و سهم جمعیت جوان و درسن کار کاهش پیدا می‌کند. پیامدهای این تحول به بازارکار، بازنشستگی، سلامت، مسکن و روابط میان نسل‌ها می‌رسد. همزمان، خانواده‌های پرجمعیت گذشته کوچک‌تر شده‌اند و فرزندان همیشه امکان مراقبت مستمر از والدین را ندارند.

بنابراین باید از خانواده محوری صرف به سمت نظام جامع حمایت و مراقبت حرکت کنیم. خانواده جایگاه عاطفی و اجتماعی خود را حفظ می‌کند، اما دولت، شهرداری‌ها، بیمه‌ها، بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز باید مسئولیت مشخص داشته باشند. مسئله اصلی، بازطراحی ساختارهای موجود متناسب با واقعیت جمعیتی جدید است. در این مسیر نباید سالمندان را فقط هزینه بدانیم؛ تجربه و مهارت آنها ظرفیت ارزشمندی برای آموزش، فعالیت داوطلبانه و مشارکت اجتماعی است.

ما باید از «مدیریت سالمندی» به سمت «حکمرانی در عصر سالمندی» حرکت کنیم؛ یعنی تمام سیاست‌های کشور از امروز با این سوال طراحی شوند که جامعه ایران در دو یا سه دهه آینده چه ترکیب سنی خواهد داشت و آیا زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، سلامت و شهری ما برای آن جامعه آماده است یا خیر.

■ با افزایش سالمندان تنها، مسئولیت مراقبت بر عهده چه کسی است و نظام سلامت چه تغییری باید کند؟

رویکرد سلامت باید از درمان بیماری به سمت پیشگیری، توانبخشی، مراقبت مستمر و حفظ استقلال سالمند حرکت کند. غربالگری بیماری‌های مزمن، پیشگیری از سقوط، سلامت روان، تغذیه و آموزش مراقبان باید در نزدیک‌ترین نقطه به محل زندگی ارائه شود. ما دیگر نمی‌توانیم فرض کنیم که همه سالمندان در آینده فرزند یا عضوی از خانواده داشته باشند که بتواند به صورت مستمر از آنها مراقبت کند. به همین دلیل، باید یک «نظام مراقبت بلندمدت» در کشور شکل بگیرد.

مسئولیت مراقبت نباید بر دوش یک نهاد واحد باشد. دولت مسئول سیاستگذاری، تنظیم‌گری و تضمین دسترسی عادلانه است؛ نظام سلامت خدمات پزشکی را تامین می‌کند، دستگاه‌های رفاهی حمایت اجتماعی و معیشتی را بر عهده دارند و بیمه‌ها باید پوشش مراقبت بلندمدت را توسعه دهند. شهرداری‌ها نیز در خدمات محلی و مراکز روزانه نقش دارند.

اولویت، ماندن سالمند در محیط آشنای زندگی تا زمانی است که شرایط جسمی و اجتماعی اجازه می‌دهد. مراقبت در منزل، پرستاری، توانبخشی و حمایت از مراقبان خانوادگی باید گسترش یابد. مراکز اقامتی برای کسانی است که واقعا به این سطح از مراقبت نیاز دارند. سالمند تنها نباید سالمند بی‌پناه باشد.

■ شهر و مسکن چگونه باید امکان زندگی مستقل سالمندان را فراهم کنند؟

شهرهای ما هنوز با شهر دوستدار سالمند فاصله دارند. سالمند باید بتواند با امنیت و استقلال در محله زندگی کند. مرکز سلامت، داروخانه، فروشگاه و فضای فرهنگی باید در دسترس باشند و حمل‌ونقل عمومی برای افراد دارای محدودیت حرکتی یا مشکلات بینایی قابل استفاده باشد.

در یک محله مناسب سالمندی، خدماتی مانند فروشگاه، داروخانه، مرکز سلامت، فضای سبز، مرکز فرهنگی و ورزشی، خدمات اجتماعی و فضاهای گردهمایی باید تا حد امکان در دسترس باشند. همچنین باید فضاهای عمومی را برای حضور فعال سالمندان آماده کنیم. پارک‌ها، بوستان‌ها و فضاهای شهری باید دارای مسیرهای پیاده روی ایمن، نیمکت، سرویس بهداشتی مناسب، روشنایی کافی، سایه‌بان و امکانات ورزشی متناسب با سالمندان باشند. این موضوع فقط یک اقدام عمرانی نیست؛ ایجاد چنین فضاهایی مستقیما با سلامت جسمی، سلامت روان و کاهش انزوای اجتماعی سالمندان ارتباط دارد. در خانه نیز ایمن سازی حمام، نصب دستگیره، بهبود روشنایی و حذف موانع حرکتی می‌تواند استقلال را طولانی‌تر کند. خدمات پزشکی و توانبخشی در منزل باید توسعه پیدا کند تا سالمندانی که محدودیت حرکتی دارند، برای دریافت ساده‌ترین خدمات مجبور به طی مسافت‌های طولانی نباشند. اولویت باید حفظ سالمند در محیط آشنای زندگی، تا زمانی باشد که از نظر جسمی و اجتماعی امکان‌پذیر است.

فناوری، از خدمات سلامت از راه دور تا سامانه درخواست کمک، ابزار مکمل است. با این حال، شهر دوستدار سالمند فقط برای سالمندان ساخته نمی‌شود؛ مناسب‌سازی آن کیفیت زندگی کودکان، افراد دارای معلولیت و دیگر شهروندان را هم افزایش می‌دهد.

■ برای امنیت اقتصادی سالمندان چه اصلاحاتی لازم است؟ آیا اشتغال در سنین بالاتر راه‌حل است؟

افزایش طول عمر یعنی افراد سال‌های بیشتری پس از بازنشستگی زندگی می‌کنند. پایداری مالی صندوق‌ها، پوشش بیمه‌ای و تناسب مستمری با هزینه‌های زندگی باید با نگاه بلندمدت بازنگری شود؛ به‌گونه‌ای که امنیت اقتصادی بازنشستگان نیز حفظ شود. حمایت از سالمندان کم‌درآمد و فاقد درآمد پایدار باید هدفمند باشد و هزینه مراقبت بلندمدت هم نباید مستقیما بر دوش سالمند و خانواده بماند. نمی‌توان با یک سیاست واحد به همه سالمندان پاسخ داد؛ زیرا وضعیت اقتصادی یک سالمند برخوردار با سالمندی که هیچ درآمد یا حمایت خانوادگی ندارد، کاملا متفاوت است. برنامه ریزی مالی، ابزارهای مناسب پس انداز و بیمه های مکمل باید از دوران اشتغال دردسترس باشند. درباره کار سالمندان نیز باید فرصت‌های متناسب مانند مشاوره، آموزش و اشتغال پاره‌وقت فراهم شود و تبعیض سنی کاهش یابد. اما کار در سالمندی باید انتخاب باشد، نه اجبار ناشی از فقر یا ناکافی بودن مستمری.

■ چگونه می‌توان از تنهایی پیشگیری کرد و کدام اقدامات را نباید به آینده موکول کرد؟

سالمندی سالم فقط نداشتن بیماری نیست؛ احساس تعلق و داشتن نقش اجتماعی هم اهمیت دارد. مراکز روزانه، پاتوق‌های محلی، بنیادهای فرزانگان و مراکز مهر و گفت‌وگو باید فرصت معاشرت، ورزش، یادگیری و فعالیت داوطلبانه فراهم کنند. سالمندان می‌توانند تجربه و مهارت خود را به نسل‌های جوان‌تر منتقل کنند. برنامه‌های مشترک با مدارس، مهدکودک‌ها و مراکز فرهنگی نیز قابل استفاده‌اند، به شرط تطبیق با شرایط ایران. هدف، حضور و مشارکت واقعی سالمندان است. تربیت نیروی متخصص، ایجاد نظام مراقبت بلندمدت، اصلاح بازنشستگی، مناسب‌سازی شهر و مسکن و ایجاد شبکه حمایت از سالمندان تنها، زمانبر هستند. نمی‌توان منتظر اواج سالمندی ماند. اجرای موثر سند ملی سالمندان باید با مسئولیت روشن دستگاه‌ها و هماهنگی میان آنها دنبال شود؛ برای زندگی بهتر سالمندان، نه صرفا مدیریت افزایش تعداد آنها.

از امروز برای سال‌های سپید

به گزارش «آگاه» آینده ایران از امروز آغاز شده است و ما از هم‌اکنون برای برخورد مناسب با مسئله سالمندی باید آماده باشیم لذا نیازمند اقدامات عملی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب هستیم. پرسش این است: برای زندگی سالمندی در ۲۰ تا ۳۰ سال آینده، چه کارهایی باید از امروز آغاز شود؟ پاسخ، مجموعه‌ای از اقدامات در حوزه مراقبت، معیشت، محیط زندگی و ارتباط اجتماعی است؛ اقداماتی که بخشی از آنها در مقیاس محله قابل پیگیری‌اند و بخشی به برنامه‌ریزی ملی و همکاری دستگاه‌ها نیازدارند.

۱. مراقبت را به خانه و محله برسانیم

خدمات در منزل را توسعه دهیم. پرستاری، مراقبت پزشکی و توانبخشی در منزل باید در برنامه توسعه خدمات سالمندی قرار بگیرند تا افراد دارای محدودیت حرکتی، برای دریافت هر خدمت ناچار به رفت‌وآمد نباشند. این خدمات باید امکان ماندن سالمند در محیط آشنای زندگی را، تا زمانی که شرایط جسمی و اجتماعی اجازه می‌دهد، تقویت کنند.

مراقبت پیشگیرانه را در دسترس قرار دهیم. غربالگری بیماری‌های مزمن، بررسی تغذیه و سلامت روان، پیشگیری از سقوط و خدمات توانبخشی باید در نزدیک‌ترین مرکز سلامت به محل زندگی ارائه شوند. رسیدگی به این نیازها نباید به زمان بیماری شدید یا بستری شدن محدود بماند.

مراقبان را آموزش دهیم. آموزش اعضای خانواده و مراقبان، در کنار تربیت پزشک، پرستار، مددکار اجتماعی، فیزیوتراپیست و کاردرمانگر، بخشی از زیرساخت مراقبت است. ظرفیت آموزش این نیروها باید پیش از افزایش گسترده تقاضا ایجاد شود.

۲. پشتوانه مالی دوران سالمندی را تقویت کنیم

هزینه مراقبت را وارد برنامه بیمه کنیم. توسعه پوشش بیمه‌ای مراقبت بلندمدت و خدمات حمایتی باید پیگیری شود تا نیاز به پرستاری و توانبخشی، تمام هزینه را بر دوش سالمند و خانواده نگذارد.

حمایت را متناسب با نیاز تنظیم کنیم. سالمندان فاقد مستمری، پوشش بیمه یا درآمد پایدار، به حمایت اقتصادی هدفمند نیاز دارند.

برنامه‌های حمایتی باید تفاوت میان سالمند برخوردار و فردی بدون پشتوانه مالی و خانوادگی را در نظر بگیرند. برنامه ریزی مالی را از دوران اشتغال آغاز کنیم. ابزارهای مناسب پس انداز، بیمه های مکمل و آموزش برنامه ریزی مالی بلندمدت باید پیش از بازنشستگی در دسترس باشند. همزمان، پایداری صندوق‌ها و تناسب مستمری با هزینه‌های زندگی باید پیگیری شود. فرصت کار اختیاری ایجاد کنیم. مشاوره، آموزش، کار پاره‌وقت و کارآفرینی، مسیرهایی برای استفاده از تجربه سالمندان‌اند.

این فرصت ها باید متناسب با توان و علاقه فرد باشند؛ ادامه کار نباید شرط تامین نیازهای اولیه زندگی شود.

۳. مسیر خانه تا خدمات را قابل استفاده کنیم

موانع رفت‌وآمد را برطرف کنیم. مناسب سازی پیاده رو، دسترسی بدون پله، مسیر امن عبور از خیابان و ایستگاه‌های قابل استفاده، باید در برنامه‌های شهری جای بگیرد. اتوبوس و مترو نیز باید برای افراد دارای ضعف بینایی، مشکلات تعادلی یا محدودیت حرکتی قابل استفاده باشند.

خدمات روزمره را نزدیک کنیم. در طراحی و توسعه محله، دسترسی به فروشگاه، داروخانه، مرکز سلامت، فضای سبز و خدمات اجتماعی را در نظر بگیریم. استقلال سالمند به امکان انجام کارهای روزمره در محدوده زندگی او وابسته است.

خانه ها را ایمن‌تر کنیم. نصب دستگیره حمایتی، ایمن‌سازی حمام و سرویس بهداشتی، بهبود روشنایی و حذف موانع حرکتی، مصادیق مشخص مناسب‌سازی مسکن هستند. فضای مکث و حضور بسازیم. نیمکت، سایه‌بان، روشنایی کافی، سرویس بهداشتی مناسب و مسیر پیاده روی ایمن، حضور سالمندان در پارک و فضای عمومی را آسان‌تر می‌کنند.

۴. برای ارتباط مستمر، مکان و برنامه داشته باشیم

پاتوق‌های کوچک محلی ایجاد کنیم. فضایی برای گفت‌وگو، کتاب‌خوانی، بازی و فعالیت فرهنگی می‌تواند فرصت دیدار منظم فراهم کند. همه برنامه‌های ارتباط اجتماعی به مرکز بزرگ و تشکیلات پیچیده نیاز ندارند.

مراکز روزانه را گسترش دهیم. سالمند بتواند در طول روز از خدمات سلامت، توانبخشی، فعالیت اجتماعی و سرگرمی استفاده کند و در پایان روز به خانه بازگردد. این الگو، پشتیبانی از خانواده را با حفظ ارتباط سالمند با محیط زندگی همراه می‌کند. به سالمندان نقش بدهیم. بنیادهای فرزانگان می‌توانند زمینه آموزش، مشاوره، فعالیت فرهنگی و کار داوطلبانه را برای سالمندان توانمند فراهم کنند. برنامه‌ها باید فرصت ارائه تجربه و مهارت را هم دربر بگیرند.

ارتباط نسل‌ها را به برنامه منظم تبدیل کنیم. قصه‌گویی در مهدکودک، روایت تجربه در مدرسه، آموزش هنرهای سنتی و همکاری با مراکز فرهنگی و دانشگاه‌ها، مصادیق این ارتباط‌اند. مراکز مهر و گفت‌وگو نیز می‌توانند میزبان تعامل سالمندان با دیگر گروه‌های جامعه باشند. طراحی این فعالیت‌ها باید با فرهنگ و شرایط خانواده‌های ایرانی هماهنگ شود.

۵. مسئولیت‌ها را روشن و ظرفیت‌ها را فعال کنیم

برای هر خدمت، مسئول مشخص کنیم. سیاستگذاری و تضمین دسترسی، خدمات پزشکی، حمایت معیشتی، پوشش بیمه و خدمات محلی باید با تقسیم کار میان دولت، نظام سلامت، دستگاه‌های رفاهی، بیمه‌ها و شهرداری‌ها دنبال شوند. بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز می‌توانند در ارائه خدمات مشارکت کنند. اقتصاد نقره‌ای را توسعه دهیم. خدمات و محصولات متناسب با سالمندان در حوزه گردشگری، فناوری، مسکن، ورزش، آموزش، سلامت و بیمه، زمینه فعالیت اقتصادی دارند. تجربه و مهارت خود سالمندان نیز باید در این فعالیت‌ها به کار گرفته شود.



کدام کارها نباید عقب بیفتند؟

تربیت نیروی متخصص، پایدارسازی بازنشستگی، ایجاد نظام مراقبت بلندمدت، مناسب‌سازی شهر و مسکن، توسعه خدمات محله‌ای، شبکه حمایت از سالمندان تنها و برنامه‌ریزی مالی دوران سالمندی، هفت اقدام زمانبر این مسیرند. اجرای آنها باید از امروز، در چارچوب سند ملی سالمندان و با افق ۲۰ تا ۳۰ ساله آغاز شود؛ زیرا ساخت زیرساخت، آموزش نیرو و تغییر محیط زندگی را نمی‌توان به هنگام اوج نیازها موکول کرد.

سه تجربه برای زندگی بهتر در سالمندی

■ ژاپن؛ مراقبت در محیط آشنا

وزارت بهداشت، کار و رفاه ژاپن، «مراقبت یکپارچه محلی» را با پیوند مسکن، خدمات پزشکی، مراقبت، پیشگیری و حمایت روزمره دنبال می‌کند. هدف این است که سالمندان، حتی با افزایش نیاز به مراقبت، تا حد امکان در محله آشنای خود زندگی کنند. شهرداری‌ها در شکل‌گیری این شبکه متناسب با شرایط هر منطقه نقش محوری دارند. مراکز حمایت محلی نیز مشاوره و کمک به پیشگیری از نیاز به مراقبت را ارائه می‌کنند.

■ آمریکا؛ دیدار روزمره دو نسل

در مجموعه «مونت سنت وینسنت» در سیاتل، مرکز مراقبت از کودکان درون مجموعه محل زندگی سالمندان فعالیت می‌کند. براساس معرفی رسمی مرکز، کودکان و سالمندان پنج روز در هفته در برنامه‌هایی مانند قصه‌گویی، هنر، موسیقی و صرف غذا کنار هم قرار می‌گیرند. ارتباط دو نسل بخشی از برنامه معمول مجموعه است و فعالیت‌ها با همراهی کارکنان انجام می‌شود. این نمونه، الگویی برای ایجاد فرصت تعامل مستمر میان نسل‌هاست.

■ سنگاپور؛ مسکن همراه با مراقبت

«آپارتمان‌های مراقبت اجتماعی» در سنگاپور، طراحی مناسب سالمندان را با خدمات مراقبتی قابل تنظیم و فعالیت‌های اجتماعی ترکیب می‌کنند. در معرفی طرح کوئینزتاون، فضاهای مشترک هر طبقه نیز برای ارتباط ساکنان پیش‌بینی شده است. هدف طرح، فراهم کردن امکان زندگی مستقل در جامعه، همراه با دسترسی به حمایت مورد نیاز است.

برای ایران، نکته قابل بررسی در این تجربه‌ها، پیوند مراقبت، محیط زندگی و ارتباط اجتماعی است. استفاده از آنها نیازمند سنجش هزینه، ظرفیت اجرایی و تناسب فرهنگی است؛ با امکان اجرای آزمایشی در چند محله و ارزیابی نتایج پیش از گسترش.

کاهش مرگ‌ومیر نوزادان در ایران به کمتر از ۱۰ فوتی در ۱۰۰۰ تولد



دبیر انجمن پزشکان کودکان ایران گفت: میزان مرگ‌ومیر نوزادان در کشور که در سال‌های گذشته ۲۵ در ۱۰۰۰ تولد بود، به کمتر از ۱۰ فوتی در ۱۰۰۰ تولد رسیده است.

محمد زنوزی‌راد، با اشاره به پیشرفت‌های نظام سلامت در حوزه مراقبت از نوزادان اظهار کرد: یکی از دستاوردهای مهم نظام سلامت پس از انقلاب، کاهش قابل توجه مرگ‌ومیر نوزادان بوده است. وی افزود: زمانی که من فارغ‌التحصیل شدم، از هر هزار نوزادی که متولد می‌شدند، حدود ۲۵ نوزاد فوت می‌کردند، اما با تلاش‌های گسترده انجام‌شده در حوزه سلامت، این شاخص در کشور به کمتر از ۱۰ در هزار رسیده است.

زنوزی‌راد ادامه داد: رسیدن به این عدد نیازمند تلاش سنگین و توسعه زیرساخت‌ها و امکانات پزشکی بود و ایران در منطقه مدیترانه شرقی از نخستین کشورهایی بود که توانست به این سطح از کاهش مرگ‌ومیر نوزادان دست پیدا کند. وی با اشاره به وضعیت برخی کشورهای آفریقایی گفت: در بسیاری از کشورهای آفریقایی، حتی در کشورهایی که از شرایط اقتصادی بهتری برخوردارند، میزان مرگ‌ومیر نوزادان همچنان بسیار بالاتر از ایران است و در بهترین شرایط نیز در برخی کشورها این شاخص به کمتر از ۲۰ در هزار نرسیده است.

توسعه دانش و تجهیزات تخصصی مراقبت از نوزادان

دبیر انجمن پزشکان کودکان ایران تصریح کرد: امروز در حوزه سلامت نوزادان، کشور از ظرفیت‌های تخصصی قابل توجهی برخوردار است؛ از جمله تربیت فوق تخصص نوزادان و پرستاران ویژه مراقبت از نوزادان که نقش مهمی در کاهش مرگ‌ومیر داشته‌اند. وی افزود: بخش قابل توجهی از تجهیزات مورد استفاده در بخش‌های مراقبت ویژه نوزادان نیز در داخل کشور تولید می‌شود و کشور در زمینه دانش فنی و زیرساخت‌های ساخت‌افزاری و نرم‌افزاری این حوزه ظرفیت توسعه و حتی صادرات دارد.

هشدار درباره خوددرمانی و مصرف بی‌رویه دارو

زنوزی‌راد در ادامه با اشاره به موضوع خوددرمانی در خانواده‌ها گفت: یکی از مسائل مهمی که باید درباره آن به مردم هشدار داد، مصرف خودسرانه دارو و مراجعه نکردن به پزشک است. وی افزود: این تصور که «اگر نزد پزشک برویم، حتما برای ما داروی زیادی تجویز می‌کند» یک باور نادرست است و پزشکان کودکان تلاش می‌کنند نسخه‌ها تا حد امکان کوتاه و منطقی باشد. دبیر انجمن پزشکان کودکان ایران تاکید کرد: یکی از اهداف ما این است که با تغییر رفتار سلامت، مردم حتی در زمان بیماری نیز از مصرف خودسرانه دارو پرهیز کنند.

مخالفت با نسخه‌های شلوغ و داروهای غیرضروری

وی گفت: ما با نسخه‌های شلوغ، تجویز داروهای گران‌قیمت و مصرف داروهایی که صرفا به دلیل تبلیغات یا رواج در بازار مورد استقبال قرار گرفته‌اند، مخالف هستیم. زنوزی‌راد خاطرنشان کرد: این موضوع حتی درباره برخی فرآورده‌هایی که در قالب طب سنتی عرضه می‌شوند نیز صدق می‌کند و هر ماده یا دارویی باید بر اساس شواهد علمی و نیاز واقعی بیمار مورد استفاده قرار گیرد. وی در پایان بر ضرورت اصلاح نگرش جامعه نسبت به مصرف دارو تاکید کرد و گفت: هدف اصلی باید پیشگیری، درمان صحیح و پرهیز از مصرف داروهای غیرضروری باشد.

ورود واکسن آنفلوآنزای فرانسوی و روسی



سخنگوی سازمان غذا و دارو، از ورود محموله جدید واکسن آنفلوآنزا به کشور خبر داد.

محمد هاشمی، در گفت‌وگو با «مهر» گفت: توزیع واکسن آنفلوآنزای سه ظرفیتی واکسی گریپ با اولویت زنان باردار و کودکان زیر سه سال انجام می‌شود. وی افزود: تعیین داروخانه‌ها و مراکز منتخب، تخصیص سهمیه و نظارت بر رعایت اولویت‌ها بر عهده معاونت‌های غذا و داروی دانشگاه‌های علوم پزشکی است. همچنین مسئولان فنی داروخانه‌ها بر فرآیند تحویل واکسن و ثبت اطلاعات در سامانه تیتک نظارت خواهند داشت.

هاشمی گفت: همچنین ۵۰۰ هزار دوز واکسن آنفلوآنزای تامین شده از روسیه که برای زنان باردار و کودکان زیر سه سال مورد تایید است، به معاونت بهداشت وزارت بهداشت تحویل شده است. لازم به توضیح است، واکسن سه ظرفیتی واکسی گریپ، محصول کشور فرانسه است.

درج آگهی «فروش وام» در پلتفرم‌ها «ممنوع»

رئیس پلیس فتا فراجا، با اشاره به غیرمجاز بودن آگهی‌های فروش وام در پلتفرم‌های آگهی‌محور گفت: به این پلتفرم‌ها درباره درج چنین آگهی‌هایی تذکر داده شده است؛ ارائه خدمات وام باید صرفا از طریق مراکز دارای مجوز بانک مرکزی انجام شود.

به گزارش «آگاه» سردار وحید مجید با تاکید بر غیرمجاز بودن آگهی‌های فروش وام در پلتفرم‌های آگهی‌محور، اظهار کرد: هیچ‌یک از این آگهی‌ها مجوز ندارند و نباید در پلتفرم‌های آگهی‌محور منتشر شوند. ارائه این خدمات باید صرفا از طریق مراکزی انجام شود که از بانک مرکزی مجوز دریافت کرده‌اند و مجوزهای مربوطه نیز باید از سوی همین مراکز ارائه شود.

وی افزود: به پلتفرم‌هایی که بعضا این آگهی‌ها را منتشر می‌کنند، تذکر داده‌ایم که از درج هرگونه آگهی فروش وام به‌صورت جداگانه خودداری کنند.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
روزنامه ۶۵۹

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir a g a a h _ i r

شنبه
۱۸ مهر مـاه ۱۴۰۵
۲۸ ربیع الثانی ۱۴۴۸ | ۱۰ اکتبر ۲۰۲۶

اذان صبـــح	۰۴:۳۷
اذان ظهـــر	۱۱:۵۳
اذان مغـــرب	۱۸:۰۴
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۱۱

کاغذک

کتاب‌های قدیمی، فروش تازه

ناشران بیشترین تبلیغات را هنگام انتشار کتاب انجام می‌دهند. اگر فروش اولیه پایین باشد، کتاب به‌تدریج فراموش می‌شود یا ناشر سراغ تخفیف بیشتر می‌رود. اما آمازون با تحلیل داده‌های فروش و رفتار خوانندگان، بارها مخاطبان، روش‌های تبلیغ و کانال‌های فروش را تغییر می‌دهد و در موارد بسیاری موفق می‌شود. ناشران برای فروش دوباره کتاب‌های قدیمی راه‌های متنوعی دارند:

- **معرفی:** بازنویسی متن پشت جلد و اطلاعات کتاب در فروشگاه‌های اینترنتی
- **مخاطب:** معرفی کتاب به گروه‌هایی که احتمال علاقه‌مندی بیشتری دارند
- **محتوا:** انتشار نقل‌قول‌های جذاب، فصل اول یا بخش‌هایی از نسخه صوتی
- **بلاگرها:** همکاری با چهره‌های تاثیرگذار و مرتبط در شبکه‌های اجتماعی
- **خوانندگان:** انتشار نظرها و تجربه‌های خریداران راضی
- **نویسنده:** برگزاری نشست، گفت‌وگوی زنده یا تولید محتوای مشترک
- **مناسبت‌ها:** معرفی دوباره کتاب به بهانه موضوعات روز، رویدادها یا انتشار اثر بعدی نویسنده
- **ویترین:** قرار دادن کتاب در قفسه‌های موضوعی و میز پیشنهاد کتابفروش
- **کانال:** ورود به کتابفروشی‌های تخصصی، فروشگاه‌های مرتبط و باشگاه‌های کتاب‌خوانی
- **بسته‌ها:** عرضه چند کتاب مرتبط در قالب پیشنهاد خرید مشترک.

ایلان ماسک می‌خواهد تراشه انویدیا بخرد

اسپیس ایکس تصمیم دارد ۴۰ میلیارد دلار سرمایه برای خرید تراشه‌های هوش مصنوعی انویدیا جذب کند.

به گزارش رویترز، آنطور که منابع آگاه اعلام کرده‌اند، این شرکت به رهبری ایلان ماسک در پی دستیابی به سرمایه‌ای ۱۰ میلیارد دلاری به شکل وام بانکی و ۳۰ میلیارد دلار اوراق بدهی با درجه اعتباری بالا برای سفارش تراشه است. شرکت مورگان استنلی تخمین می‌زند زیرساخت هوش مصنوعی نیازمند ۱.۵ هزار میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی تا ۲۰۲۸ میلادی است. این در حالی است که وام دهندگان و سرمایه‌گذاران درباره تامین مالی گسترش این صنعت محتاطانه‌تر عمل می‌کنند.

ماسک در ژوئن سال جاری میلادی عرضه اولیه سهام اسپیس ایکس را انجام داد و به IPO بی‌سابقه ۸۶ میلیارد دلاری دست یافت. وی ماه گذشته اعلام کرد مرکز داده Colossus۲ شرکت xAI ممکن است تا ماه دسامبر تعداد تراشه‌های انویدیا مورد استفاده خود را بیش از دو برابر کند. این شرکت تصمیم دارد از سخت افزار انویدیا به طور اختصاصی برای ساخت دیتاسنترهایش استفاده کند. انویدیا که بزرگ‌ترین تامین کننده پردازشگرهای هوش مصنوعی است، در ماه آگوست با شرکت‌های آپولو، بلک راک، بلک استون، بروک فیلد، گلدمن ساکس و KKR در زمینه ایجاد پلتفرم‌های تامین مالی همکاری کرد که هدف‌شان فراهم کردن بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه برای پروژه‌های زیرساختی هوش مصنوعی است.

رشته نخی که یک موتور است!

مهندسان سوئیسی، موتور انعطاف‌پذیری به ضخامت تنها چند میلی‌متر ساخته‌اند که از دو رشته درهم تنیده و پوشیده از الکترود تشکیل شده است و نیروی کافی را برای به حرکت درآوردن سیستم‌های رباتیک نرم تولید می‌کند.

پژوهشگران آزمایشگاه مبدل‌های نرم در دانشکده مهندسی «دانشگاه اکول پلی‌تکنیک فدرال لوزان»(EPFL) در سال ۲۰۲۳ نخستین پمپ جهان را به شکل یک رشته فیبرمانند معرفی کردند. به نقل از یورک الرت، لوله انعطاف‌پذیر این پمپ قادر است فشار و شار سیال را درون خود ایجاد کند و با دوخته شدن به پارچه‌های هوشمند، امکان گردش سیالات را برای تنظیم دما، ایجاد بازخورد لمسی یا تامین انرژی تجهیزات کمکی پوشیدنی فراهم کند.

این گروه پژوهشی اکنون با «فایبرموتور» خود، مهندسی سازگار با پارچه‌ها را یک گام فراتر برده‌اند. فایبرموتور یک موتور نخ مانند است که انرژی الکتریکی را مستقیما به حرکت تبدیل می‌کند. فایبرموتور با قطر بین یک تا سه میلی‌متر، از دو فیبر توخالی متحدالمرکز تشکیل شده است. الکترودهای سیم مسی عایق‌بندی شده که فقط کمی ضخیم‌تر از موی انسان هستند، محکم در اطراف هر فیبر پیچیده شده‌اند. هنگامی که ولتاژی به این الکترودها اعمال می‌شود، نیروهای الکترواستاتیک به طور مکرر فیبرها را به سمت هم ترازی می‌کشند و باعث می‌شوند فیبر داخلی مانند یک تلسکوپ درون فیبر بیرونی بلغزد.

هربرتشی، رئیس آزمایشگاه مبدل‌های نرم گفت: فایبرموتور ما نخستین موتور لغزشی با ساختار فیبری است. این موتور، نیروی کافی را برای به کار انداختن تجهیزات در کاربردهای رباتیک نرم تولید می‌کند و در عین حال، بی‌صدا و انعطاف‌پذیر و دوجهتی است. این پژوهش در مجله «Advanced Materials» به چاپ رسید.

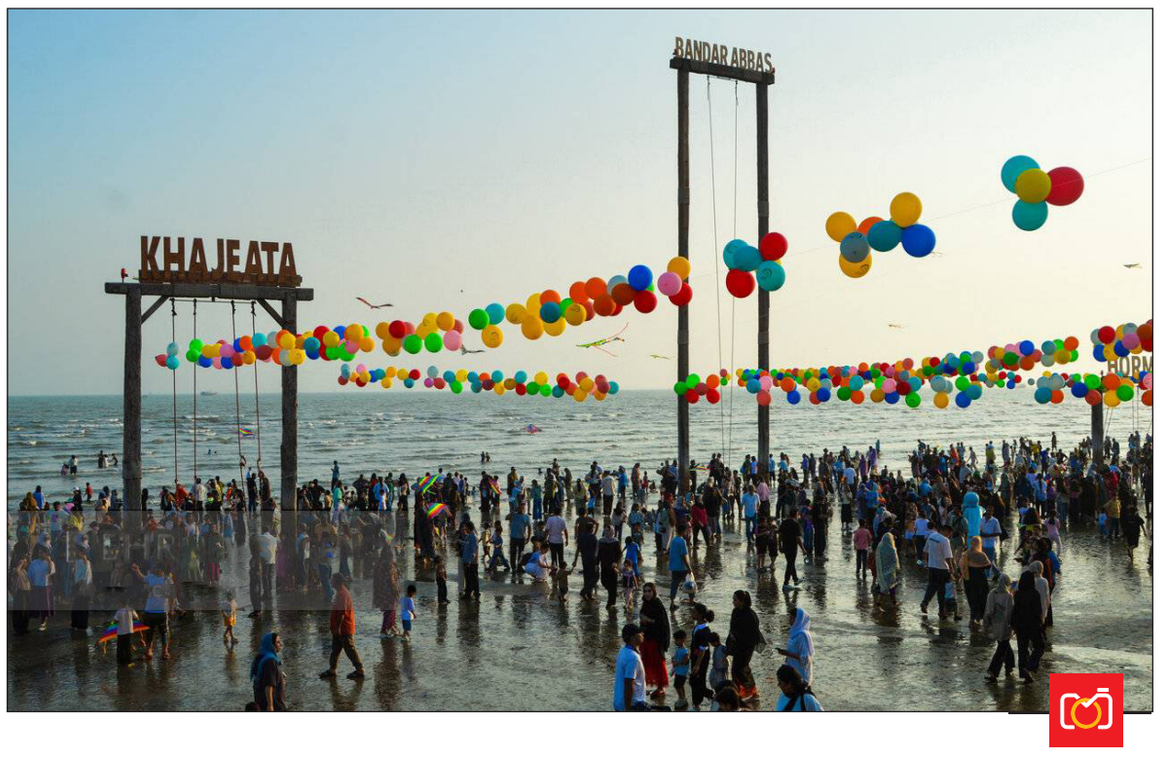
آب و هوا

کاهش نسبی دمای تهران از شنبه

اداره کل هواشناسی استان تهران از کاهش نسبی دمای تهران از روز شنبه خبرداد.

بر پایه واکاوی الگوهای همدیدی و بررسی نقشه‌های پیش‌یابی، آسمان استان تهران طی پنج روز آینده صاف تا نیمه‌ابری و در بعضی ساعت‌ها همراه با افزایش وزش باد و افزایش ابر پیش‌بینی می‌شود. همچنین امروز با گذر امواج ضعیفی از روی استان در بعضی ساعت‌ها وزش باد نسبتا شدید و نیمه‌جنوبی و مناطق غربی گاهی وزش باد شدید با گردوخاک و در مناطق شمالی و غربی (به ویژه ارتفاعات بالادست) در بعضی ساعت‌ها رگبار پراکنده با احتمال رعدوبرق پیش‌بینی می‌شود.

بنا بر اعلام اداره کل هواشناسی استان تهران، روند کاهش نسبی دما از امروز شنبه در گستره استان تهران مورد انتظار است.



صدای زندگی در کرانه خلیج فارس

آن زمان که فریاد شادی کودکان در ساحل خواجه عطا در بندرعباس پیچید، جهان فهمید که زندگی همچنان در کرانه سواحل جنوبی و همه جای ایران جریان دارد. این مراسم همزمان با روز ملی کودک با حضور صدها کودک و نوجوان و بازی‌های متنوع برگزار شد.

عکس: مهر / معصومه صالحی

ارتباط مصرف حبوبات با کاهش شیوع بیماری‌های قلبی



نظر ترکیب غذایی و مواد تشکیل دهنده با هم متفاوت

بر اساس پژوهش جدید، مصرف دانه‌های خانواده حبوبات مانند نخود و لوبیا، می‌تواند احتمال ابتلا به بیماری‌های قلبی، سکته مغزی یا دیابت را کاهش دهد.

به گزارش مدیکال اکسپرس، این پژوهش توسط دانشگاه ویلیام اند مری نشان می‌دهد که خطر حمله قلبی را می‌توان با یک تغییر ساده در رژیم غذایی، یعنی افزایش مصرف حبوبات، به طور قابل توجهی کاهش داد. حبوبات که گروهی غذایی با گزینه‌های متنوع را تشکیل می‌دهند، درواقع دانه‌های خوراکی هستند. برخی نمونه‌های آن عبارتند از: لوبیا خشک، نخود، عدس و نخود فرنگی خشک. انواع مختلف حبوبات از هستند ولی عناصر اصلی حبوبات عبارتند از: پروتئین، کربوهیدرات که بیشتر به صورت فیبر غذایی است، چربی و اسیدهای چرب، املاح و ویتامین‌ها، آهن، اسید فولیک و پتاسیم.

محققان دریافتند که مصرف بیشتر حبوبات با کاهش احتمال تشخیص بیماری‌های قلبی-متابولیک نظیر بیماری قلبی، سکته مغزی یا دیابت مرتبط است. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که مصرف روزانه حبوبات به میزان حدود ۲۸ گرم یا بیشتر، با کاهش ۱۹ درصدی احتمال کلی ابتلا به بیماری‌های قلبی-متابولیک همراه بوده است. علت این امر شاید وجود عناصر ضدالتهابی و آنتی اکسیدان‌های مفید برای قلب باشد. وجود پتاسیم، منیزیم و آهن در حبوبات از عوامل احتمالی کاهش عوارض قلبی با مصرف حبوبات است.

سبک زندگی

آیا نگهداری طولانی مدت آب مرغ موجب فساد آن نمی‌شود؟

آب مرغ خانگی را می‌توان حدود سه تا چهار روز در یخچال نگهداری کرد، به شرط سرد شدن سریع، دمای زیر چهار درجه و ظرف دربسته. برای نگهداری طولانی‌تر، فریز کردن روش مطمئن‌تری است.

آب مرغ مایعی است که از پختن مرغ، استخوان‌ها، سبزیجات و ادویه‌ها در آب به دست می‌آید. این مایع سرشار از پروتئین، کلاژن، مواد معدنی و طعم‌دهنده‌های طبیعی است. به همین دلیل، محیطی بسیار مناسب برای رشد باکتری‌ها و میکروارگانیسم‌ها محسوب می‌شود. اگر آب مرغ پس از پخت به درستی سرد نشود یا در دمای نامناسب نگهداری شود، می‌تواند به سرعت فاسد شده و باعث مسمومیت غذایی شود. بنابراین، رعایت اصول بهداشتی و دمایی در نگهداری آب مرغ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر اساس توصیه‌های سازمان‌های معتبر ایمنی مواد غذایی، آب مرغ خانگی را می‌توان حدود سه تا چهار روز در یخچال نگهداری کرد. این مدت زمان به شرطی معتبر است که آب مرغ بلافاصله پس از پخت و پس از سرد شدن اولیه، در ظرف دربسته و در دمای زیر چهار درجه سانتیگراد قرار گیرد. اگر آب مرغ در دمای اتاق بیش از دو ساعت بماند، باید آن را دور ریخت.

نگهداری آب مرغ در یخچال

چند عامل کلیدی بر مدت زمان ماندگاری آب مرغ در یخچال تاثیر می‌گذارند:

۱. دمای یخچال: دمای یخچال باید همیشه زیر چهار درجه سانتیگراد باشد. دمای بالاتر باعث رشد سریع باکتری‌ها می‌شود.

۲. سرعت سرد شدن: آب مرغ باید در کمترین زمان ممکن سرد شود. قرار دادن قابلمه در حمام آب سرد و یخ، یا تقسیم آب مرغ در ظروف کم عمق، به سرد شدن سریع کمک می‌کند.

۳. بهداشت ظروف: ظرف نگهداری باید کاملا تمیز و خشک باشد. استفاده از ظروف شیشه‌ای یا پلاستیکی مخصوص مواد غذایی توصیه می‌شود.

۴. میزان چربی و نمک: چربی زیاد عمر نگهداری را کاهش می‌دهد، اما نمک زیاد می‌تواند تا حدی به عنوان نگهدارنده عمل کند. با این حال، نمک زیاد نیز مانع فساد کامل نمی‌شود.

۵. بسته‌بندی مناسب: ظرف باید در محکم داشته باشد تا از ورود هوا و آلودگی جلوگیری شود.

نشانه‌های فساد آب مرغ

تشخیص آب مرغ فاسد کار دشواری نیست، اما باید به چند نشانه توجه کرد:

- **بو:** بوی ترش، گندیده یا شبیه تخم مرغ فاسد نشانه فساد است.
- **ظاهر:** کف، حباب، کپک سطحی یا تغییر رنگ غیرعادی (مانند خاکستری یا سبز) از علائم فساد است.
- **بافت:** آب مرغ فاسد ممکن است لزج یا کشدار شود. در آب مرغ سالم، چربی ممکن است در سطح سفت شود، اما این طبیعی است.
- **طعم:** هرگز آب مرغ مشکوک را نچشید. اگر بوی آن مطبوع نیست، آن را دور بریزید. توجه داشته باشید که یخ زدن و آب شدن آب مرغ در یخچال، بافت آن را کمی تغییر می‌دهد، اما این تغییر به معنای فساد نیست.

روش صحیح فریز کردن آب مرغ و گوشت

اگر نمی‌توانید آب مرغ را طی سه تا چهار روز مصرف کنید، بهترین راه حل فریز کردن آن است. فریز کردن صحیح باعث حفظ طعم و کیفیت آب مرغ برای مدت طولانی‌تر می‌شود. مراحل زیر را دنبال کنید:

۱. سرد کردن سریع: آب مرغ را ابتدا در یخچال یا حمام یخ کاملا سرد کنید. هرگز آب مرغ گرم را داخل فریزر نگذارید.

۲. چربی‌گیری: چربی سطحی را با قاشق جدا کنید. این کار از فساد سریع‌تر و تغییر طعم جلوگیری می‌کند.

۳. تقسیم در قالب‌های یخ: یکی از بهترین روش‌ها، ریختن آب مرغ در قالب‌های یخ است. پس از یخ زدن، قالب‌ها را بیرون آورده و مکعب‌های آب مرغ را داخل کیسه فریزر بریزید.

۴. استفاده از ظروف مناسب: می‌توانید آب مرغ را در ظروف دربسته مخصوص فریزر، کیسه‌های زیپ کیپ یا قالب‌های سیلیکونی بریزید. حتما مقداری فضای خالی در ظرف بگذارید تا مایع هنگام یخ زدن منبسط شود و ظرف نشکند.



۵. برچسب گذاری: تاریخ پخت را روی ظرف یا کیسه فریزر بنویسید. این کار به شما کمک می‌کند تا از مصرف آب مرغ قدیمی جلوگیری کنید.

۶. نگهداری در فریزر: آب مرغ فریز شده را می‌توان بیش از دو ماه در فریزر نگهداری کرد. برای حفظ کیفیت مطلوب، مصرف آن دو تا سه ماه توصیه می‌شود، اما اگر در دمای زیر ۱۸- درجه سانتیگراد نگهداری شود، از نظر ایمنی می‌تواند مدت بیشتری نیز سالم بماند.

#تجربه_کردم

اینکه_عین ماشین_سال‌ها سرگرم شغلی تکراری باشی، هنری نیست؛ «کسب روزی»ه!... خوب هم هست...

اما اینکه سالی ۱۲ ماه، تغییر شغل بدی؛ یعنی خودت هم نمی‌دونی می‌خوای کجای عالم مشاغل بایستی.

تنوع، هنر «رزومه کاری» آدم‌هاست... به این شرط که کارها رو تا جایی مشخص رسونده باشیم و بعدش رفته باشیم سر کار بعدی. تغییر مدام شغل، نشونه آزادگی نیست... نماد سرکشی و گستاخی درون پرتلاطم توئه رفیق! بس کن حماقت و فریب خودت رو رفیق!

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

۶ راهکار هاروارد برای آرام کردن درد و تقویت کمر حتی برای ورزشکاران

آیا دیسک واقعا «جا می‌افتد»؟

کمردرد مزمن می‌تواند آرام آرام حرکت، خواب و کیفیت زندگی را مختل کند؛ اما قرار نیست همیشه با درد زندگی کنید. متخصصان هاروارد می‌گویند شناخت علت کمردرد و انتخاب درمان درست می‌تواند به کاهش درد، تقویت کمر و جلوگیری از بازگشت آن کمک کند.

کمردرد فقط یک درد ساده نیست؛ وقتی مزمن می‌شود، می‌تواند حرکت، خواب و حتی کیفیت زندگی را مختل کند. متخصصان دانشکده پزشکی هاروارد می‌گویند شناخت علت درد و انتخاب درمان مناسب می‌تواند به کاهش درد، پیشگیری از عود و بازگشت قدرت کمر کمک کند.

کمردرد؛ دردی که نباید نادیده گرفته شود

کمردرد یکی از شایع‌ترین مشکلات جسمی در دنیاست و بسیاری از افراد دست‌کم یک بار در زندگی آن را تجربه می‌کنند. اگرچه بیشتر کمردردها نشانه یک بیماری خطرناک نیستند، اما درد مداوم می‌تواند فعالیت‌های روزمره و کیفیت زندگی را به شدت تحت تاثیر قرار دهد. متخصصان هاروارد تاکید می‌کنند که نخستین قدم، پیدا کردن علت درد است؛ زیرا درمان کمردرد ناشی از کشیدگی عضلات یا درد ناشی از فتق دیسک، تنگی کانال نخاعی یا شکستگی مهره یکسان نیست.

همه کمردردها به ام‌آرآی نیاز ندارند

یکی از پرسش‌های مهم در مواجهه با کمردرد این است که آیا باید بلافاصله سراغ تصویربرداری رفت یا نه. ام‌آرآی و سی‌تی‌اسکن می‌توانند اطلاعات ارزشمندی درباره ستون فقرات ارائه دهند، اما انتخاب روش تصویربرداری باید بر اساس علائم، معاینه و نظر پزشک انجام شود. در بسیاری از موارد، کمردرد بدون نیاز به تصویربرداری پیشرفته و با درمان‌های محافظه‌کارانه بهبود پیدا می‌کند.

دارو همیشه اولین و بهترین راه نیست

داروهای مسکن می‌توانند در کنترل درد نقش داشته باشند، اما انتخاب دارو باید با توجه به علت و شدت درد و شرایط فرد انجام شود. متخصصان همچنین بر پرهیز از مصرف بی‌رویه داروهای مخدر تاکید دارند؛ زیرا این داروها می‌توانند خطر وابستگی و عوارض جدی ایجاد کنند.

دیسک شما کجاست؟

اصطلاح «دیسک جابه‌جا شده» بسیار رایج است، اما مشکلات دیسک شکل‌ها و شدت‌های متفاوتی دارند. بیرون‌زدگی یا فتق دیسک ممکن است به ریشه‌های عصبی فشار وارد کند و باعث درد، بی‌حسی یا گزگز در پا شود؛ با این حال، همه موارد به جراحی نیاز ندارند. بسیاری از مشکلات دیسک با درمان مناسب و گذشت زمان کنترل می‌شوند.

حرکت، بخشی از درمان کمردرد است

در بسیاری از افراد، استراحت طولانی مدت نه تنها کمکی به بهبود نمی‌کند، بلکه می‌تواند ضعف عضلات و کاهش توانایی حرکتی را بیشتر کند. فعالیت بدنی متناسب با شرایط فرد، تمرین‌های تقویت‌کننده عضلات مرکزی بدن و برخی روش‌های توانبخشی می‌توانند در مدیریت کمردرد مزمن موثر باشند.

چه زمانی کمردرد زنگ خطر است؟

بیشتر کمردردها خطرناک نیستند، اما بعضی علائم نیاز به بررسی فوری پزشکی دارند. درد شدید یا رو به تشدید، ضعف قابل توجه اندام‌ها، اختلال جدید در کنترل ادرار یا مدفوع، بی‌حسی ناحیه بین پاها، تب یا کمردرد پس از ضربه شدید از جمله علائمی هستند که نباید نادیده گرفته شوند.

جراحی؛ آخرین راه یا یک ضرورت؟

جراحی برای همه افراد مبتلا به کمردرد مناسب نیست. با این حال، در برخی مشکلات مشخص ستون فقرات یا زمانی که فشار شدید روی عصب ایجاد شده و درمان‌های دیگر موثر نبوده‌اند، ممکن است جراحی ضرورت پیدا کند. روش‌های کم‌تهاجمی نیز در برخی بیماران می‌توانند گزینه مناسبی باشند.

منبع: https://www.health.harvard.edu/

تاثیر کافئین برای همه یکسان نیست



کافئین یکی از ترکیبات پرمصرف در رژیم غذایی روزانه بسیاری از افراد است که عمدتا از طریق قهوه، چای و برخی نوشیدنی‌ها دریافت می‌شود.

پاسخ بدن افراد به کافئین یکسان نیست و می‌تواند بر میزان هوشیاری، خواب و احساس آرامش یا بی‌قراری افراد تاثیر متفاوتی داشته باشد. جعفر فلاحی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی، با بیان اینکه تفاوت در اثر کافئین می‌تواند به عوامل مختلفی مرتبط باشد، گفت: کافئین پس از ورود به بدن در کبد متابولیزه می‌شود و سرعت این فرآیند در افراد مختلف متفاوت است. ویژگی‌های ژنتیکی، سن، برخی داروها و وضعیت جسمی می‌توانند در میزان و مدت اثر کافئین نقش داشته باشند. وی ادامه داد: کافئین با اثر بر گیرنده‌های آدنوزین در مغز، احساس خواب‌آلودگی را کاهش داده و موجب افزایش هوشیاری می‌شود؛ اما میزان حساسیت افراد به این ماده متفاوت است. به همین دلیل، مصرف یک مقدار مشخص از کافئین ممکن است در یک فرد مشکل خاصی ایجاد نکند، اما در فرد دیگری با علائمی مانند بی‌خوابی، بی‌قراری یا تپش قلب همراه شود. فلاحی با اشاره به نقش سن در پاسخ بدن به کافئین افزود: با افزایش سن، برخی فرآیندهای متابولیکی و دفع مواد در بدن تغییر می‌کند و ممکن است اثر کافئین در برخی افراد طولانی‌تر شود؛ بنابراین میزان تحمل فرد نسبت به کافئین نیز می‌تواند در طول زندگی تغییر کند. وی خاطرنشان کرد: میزان تحمل یک فرد نسبت به کافئین را نمی‌توان معیار مناسبی برای فرد دیگری دانست و افراد باید ضمن توجه به توصیه‌های علمی، شرایط فردی خود را نیز در نظر بگیرند. فلاحی افزود: افرادی که به بیماری زمینه‌ای مبتلا هستند، داروی خاصی مصرف می‌کنند یا شرایط جسمی ویژه‌ای دارند، بهتر است برای تعیین میزان مناسب مصرف کافئین با پزشک یا متخصص تغذیه مشورت کنند. براین اساس، اثر کافئین در همه افراد یکسان نیست و توجه به ویژگی‌های فردی و پیام‌های بدن می‌تواند به انتخاب آگاهانه‌تر و متناسب‌تر الگوی مصرف این ماده کمک کند.